

سال چهاردهم - شماره پیاپی ۱۶۲ - اول آمو داد ۱۴۰۲ - ۷ دلار

AZADI

No 6 Vol.14 ; 21 July, 2023. Published by Pars Mass Media, Inc.

آزادی
نشریه ماهانه

اجتماعی، ادبی، هنری



ملت بزرگ ایران چهل و پنجم امرداد سالروز
درگذشت دو پادشاه ایران ساز راهبرگ فراموش
نخواهد کرد و یادشان را بمواره گرامی خواهد داشت.
(شرح در صفحه ۲)

با آثاری از: * دکتر همایون آرام * مرتضی ایرانی * زنده یاد دکتر طلعت بصاری * کیخسرو بهروزی * سردارینا * مرتضی پاریزی * الکس تمرز * بهمن چهاردهی
* اشرف حمیدی * هادی خرسندی * الهه خوشنام * محمدعلی دولتشاهی * مجیدزندیه * دکتر منصور سیاوشی * تیمور شهبانی * روحپرور شیرانی
* دکتر محمد علی صوتی * دکتر زهرا کریمی پور * علی کیاقر * دکتر رزمی کهن * مایکل مبشری * استادعلامه جلال همائی * پروفیسور کاظم ودیعی * ک. هومان
* غزاله یزدی

عنوان مطالب	نویسنده	صفحه
یادداشت	کیخسرو بهروزی	صفحه ۲
پیام های شما	-	صفحه ۴
دومقاله از دکتر ودیعی	دکتر کاظم ودیعی	صفحه ۶
همراه انقلاب (دردنیای مجازی)	غزاله یزدی	صفحه ۹
همراه آفتاب	کیخسرو بهروزی	صفحه ۱۰
سفر به درون (آخرین قسمت)	کیخسرو بهروزی	صفحه ۱۲
معرفی کتاب	غزاله یزدی	صفحه ۱۳
آنان که ملت ما را بروزگارتباهی	ک- هومان	صفحه ۱۴
دستور زبان فارسی	زنده یاد دکتر طلعت بصاری	صفحه ۱۶
دانشتنی های پزشکی	دکتر همایون آرام	صفحه ۱۷
درام القرائ اسلامی چه خبر؟	تیمور شهبابی	صفحه ۱۸
اسانس ها یاروغنهای معطر	ترجمه روحپرور شیرانی	صفحه ۱۹
کوتاه وخواندنی، پرسش وپاسخ	-	صفحه ۲۰
آخرین دین و آخرت دین	سرداربینا	صفحه ۲۶
جسته وگریخته	بهمن چهاردهی	صفحه ۲۷
تالیه پرتگاه	ک۰ هومان	صفحه ۲۸
شاهکارهای ادبیات ایران و جهان	دکتر زهرا کریمی پور	صفحه ۳۰
یادی از استاد نظام وفا	علی دولتشاهی	صفحه ۳۱
فرهنگ وزبان فارسی در عصر افشاریه...	دکتر محمد شهبازی	صفحه ۳۴
با هادی خرسندی	هادی خرسندی	صفحه ۳۶
غم مخور	-	صفحه ۳۷
ابوریحان و کشف آمریکا	استاد علامه جلال الدین همائی	صفحه ۳۸
مرور کتاب - ایران پل پیروزی	عبدالله قراگزلو	صفحه ۳۹
بایادبزرگان زنده ایم	علی کیافر	صفحه ۴۰
روشنفکران امروز	مرتضی ایرانی	صفحه ۴۲
اندیشه های ناب	دکتر منصور سیاوشی	صفحه ۴۴
جدول کلمات متقاطع و چیستان	-	صفحه ۴۵
ایوان مدائن	اشرف حمیدی	صفحه ۴۶
نیت مهم است نه اعمال	روحپرور شیرانی	صفحه ۴۷
گوشه هایی از تاریخ موسیقی ایران	مجید زندیه	صفحه ۵۰
خواندنی ها: آنچه خوبان همه دارند	الهه خوشنام	صفحه ۵۲
کمپلکس امنیت در عصر امروز	مایکل مبشری	صفحه ۵۴

آزادی

نشریه ماهانه

اجتماعی - فرهنگی - هنری
شماره ۱۶۲ - سال چهاردهم
امرداد ۱۴۰۲

ازانتشارات رسانه گروهی پارس
مدیر مسئول: مرتضی پاریزی
زیر نظر شورای نویسندگان
AZADI Monthly Magazine
Chief Executive:
Morteza Parizi
Publisher:
Pars Mass Media, Inc
P.O.Box 455
Westwood, MA 02090

آزادی در کوتاه کردن و اصلاح مقالات آزاداست. نویسندگان خود مسئول نوشته های خود هستند و آزادی در قبال موضوعات مطرح شده در مقالات هیچگونه مسئولیتی را نمی پذیرد.

حق اشتراک ذکر شده در فرم درخواست اشتراک فقط برای داخل آمریکا است و برای خارج از آمریکا، اشتراک یکسال ۶۰ دلار با اضافه هزینه پست است. برای کسب اطلاعات بیشتر با تلفن زیر از ساعت ۹ صبح تا ۵ بعداز ظهر به وقت شرق آمریکا تماس بگیرید.

Tel:(781)493-2212

ویا از طریق ئی میل به آدرسهای زیر با ما در ارتباط باشید
azadi@parsmassmedia.org
azadimagazine@aol.com

آرشیو مجله در آدرس زیر برای همگان قابل دسترسی است :
www.parsmassmedia.org

لطفاً چکهای خود را فقط در وجه Pars Mass Media

ارسال فرمائید

بخش انگلیسی از صفحه ۵۶ مطالعه فرمائید

میراث شیخ از یک سال قبل از آمدنش تا به امروز عدم سکون و آرامشی است که نه تنها در ایران و قسمت اعظم خاور میانه و خلیج فارس ، بلکه گردوغبار این عدم آرامش بردامن بسیاری از کشورهای دیگر جهان و مردم دنیا نیز نشسته است. میراث رژیم گذشته اعتبار جهانی بود که برای ایران و ایرانی بوجود آورده بود. ایرانی به آسانی و بدون نیاز به روادید به بسیاری از کشورها سفر می کرد و مقدمش را گرمی می داشتند. بر صدر می نشست و قدر می دید.

میراث جمهوری اسلامی بی اعتباری ایران و ایرانی است که به تروریست و آدم ربا و بمب گذار معرفی شده و برای سفر به سایر کشورها حتی کشورهای کوچک آفریقا با صدها مشکل و مانع روبروست. میراث شاه یک ایران آباد بود و فراوانی کار.

میراث شیخ یک ایران ویران و بیکاری فراوان است. میراث شاه آزادی زن، احترام به زن و حضور آزادانه زن در جامعه بود. میراث شیخ، کفن پوش کردن و سیاه پوش کردن زن، شلاق زدن، سنگسار کردن زن و اسارت زن است.

ایران چندسال پیش با تمامی کشورهای جهان (منهای یکی دو کشور) ، مناسبات و روابط اقتصادی، سیاسی ، و فرهنگی برقرار کرده بود و رژیم آخوندها رابطه ایران را با بسیاری از کشورهای جهان قطع کرده است. میراث حکومت گذشته امنیت بود و آزادی (محدود) و میراث شیخ عدم امنیت و اختناق (نامحدود) است.

از این وجوه قیاس فراوان داریم. از ارزانی زندگی در زمان گذشته و گرانی زندگی در این دوران، از امید داشتن به فردای بهتر در رژیم پستین، و از ناامیدی برای داشتن فرداهای بهتر در دوران حکومت آخوندها. از پیشرفت های علمی و فرهنگی و اقتصادی، نظامی و سیاسی در آن دوران و از پس رفتن و عقب

کیخسرو بهروزی

ها ویا زیبا نشان دادن زشتی ها بر تاریکی تاریخ می افزاید. این است که تنها با خواندن

قصه های تاریخ، درس بزرگی نمی آموزیم و حقایق بر ایمان روشن نمی شود بلکه از این فلسفه تاریخ و جوهر تاریخ یعنی علل بروز حوادث است که می شود درسی آموخت که فردمان بکار آید که:

هر که نامتخت از گذشت روزگار هیچ ناموزد زهیچ آموزگار باید از میان اخبار غبار آلود تاریخ بایی غرضی حقایق را بیرون کشید

از لالچ و شیرین ، آنها را کنار هم گذارد تا دلیل بروز پیش آمد ها شناخته گردد. در این صورت است که دیگر ما فقط با جلدو سطح تاریخ روبرو نیستیم بلکه با جان و تعمق تاریخ در بحثیم که بحثی پندآموز است، پند آموز ترین استادان. اگر غیر از این **دید** دیده بر صفحات تاریخ بیندازیم آن چیزی که **باید** دستگیرمان بشود نخواهد شد. مثلاً با مطالعه آنچه در

باره **رفتن شاه** از ایران و **آمدن شیخ** در خیرها در نوشته ها و در گفته ها و تفسیرها آمده به روشنی آگاه نمی شویم که چرا شاه رفت و چرا شیخ آمد و هنوز هم نوشته ای تحلیلی و منکی بر مدارک و دلایل و باقلمی بی **حب و بغض** را نمی شناسیم که تعلل بروز حادثه سال ۵۷ را تشریح کرده باشد. شاید یک نگاه کلی و بی غرض و تعصب بر میراثی که **محمد رضا شاه** باقی گذارده و میراثی که **خمینی** برجا نهاده است، ما را قدمی بسوی شناخت حقیقت نزدیک می کند.

مقایسه این دو ما را با علل **سقوط شاه** و **صعود شیخ** آشنا می سازد. آشنائی که برای ما بسیار ضروری است. برای ما ایرانیان این عصر که به هر صورت مدیون شاه هستیم.

میراث شاه تا یک سال قبل از آمدن شیخ سکوت و آرامشی بود در ایران و قسمت وسیعی از منطقه خاور میانه و خلیج فارس تا آنجا که جیمی کارتر به ایران آن دوران عنوان جزیره آرامش یا ثبات می داد.

با و است

خدمت و خبات

محمد رضا پهلوی، شاهنشاه فقید ایران روز پنجم امرداد ۱۳۵۹ خورشیدی در دیار غربت دیده از جهان فرو بست.

از روزی که او بادلای دردناک از ایران رفت، تا حال که ۴۳ سال از مرگ او می گذرد بلاهای فراوانی بر سر ملت ایران باریده است. امابه ویژه سالگرد درگذشت اندوهبارش بایکی از ناگوارترین ادوار تاریخ ایران مصادف شده است.

مقایسه آن دیروز ، که به قدرت، استقلال و بهروزی خود می بالیدیم، با امروز که به زرفای تاریک بدبختی فرو افتاده ایم افکار ما را بیش از هر موقع متوجه کسانی می کند که سازندگان عبرت انگیز این **دوفصل از تاریخ ایران** بوده اند. در واقع تاریخ سایه لرزانی است از سرگذشت ملت ها که بر دیوار زمان تکیه زده است. به عبارت دیگر تاریخ **شبحی** است از آنچه تادیروز بر سر انسانها ، یعنی فرزندان **حوا** آمده ؛ خواه بدست خودشان و خواه به خواست تقدیر.

تاریکی ر تاریخ هم بخاطر **شبح** بودن و **سایه نمایی** آن است که وقایع رابه روشنی یک تابلوی نقاشی و یابه صافی یک عکس نشان نمی دهد و لاجرم بسیاری از صاحب نظران ، علم تاریخ را علمی تاریک لقب داده اند. خاصه که دست دشمن ویا سرانگشت دوست، بازشت نشان دادن زیبایی



شارلاتان ها

گویا یک حیوان انسان نما که ضد حیوانات است و شغل اصلی او در کنار فضولی در سیاست جهانی و جیره خواری از آخوند غارتگر در ایران ، و فروش انواع سس های گوجه فرنگی می‌باشد، برای رسیدن به اهداف آب و هوایی که با نام سبز مردم جهان را اسیر کرده اند ، پیشنهاد داده است که نفس کشیدن و تغذیه گاوها صدمات بسیاری به این آب و هوا زده است .

شارلاتان بازی در مورد آب و هوا و دادن دلارهای بی‌شمار به چین و هند و شاید رسیدن زیر میزی به این سیاستمدارانی که آمریکا و جهان را به طرف یک جهنم بدون بازگشت می کشند ، باعث شده است که گروهی احمق در اروپا اشکال و ایراد هوا را به گردن گاوها بیندازند .

این مسلم است که گروهی که در دنیا از خوردن مواد حیوانی پرهیز می‌کنند با کشتن حیوانات مخالف هستند و گروهی که از مواد گوشتی و حیوانی استفاده می کنند ، آنان هم از کشتن حیوانات برای مسائل سیاسی و حقه بازی در مورد داستان سبز بیزارند .

اما امروز ایرلند سرزمینی که تحت نظارت جزیره اهریمنی می‌باشد در نظر دارد بیش از دویست هزار گاو را نابود کند زیرا نفس کشیدن گاوها و تغذیه آنها در دشت ها و با انواع علوفه ای که مصرف میشود باعث بدی آب و هوا شده است .

مگر این سیاستمداران احمق نفس نمی کشند و در ازای اکسیژن مصرفی کربن پس نمی دهند ، مگر بر خلاف گاوها از بیش از صد ها نوع سبزی و میوه ها استفاده نمی کنند ، چگونه است برای نجات این آب و هوا بدن فاسد خود را حاضر نیستند به زیر خاک بفرستند و از

هوایمهای خصوصی استفاده نکنند . این مردک سس گوجه فرنگی فروش و جیره خوار جمهوری اسلامی معتقد است چون باید سریع بین آمریکا و اروپا و آسیا پرواز کند باید هوایمهای خصوصی داشته باشد ، بین این سه قاره در هر چند دقیقه پرواز هوایمها در جریان است .

چرا این احمق های به اصطلاح سیاستمدار که در دو سال گذشته دنیا را بیشتر به طرف سقوط به جهنم کشیده اند به فیلمی که از زنده یاد جورج کارلین با نام سیاره زمین باقی مانده توجه نمی کنند ، و تا چه زمان دنیا باید چهره یک عقب افتاده و شارلاتان سیاسی را به عنوان رهبر کشورهای آزاد ببیند و نداند که کی ننه واقعی کیست ؟

داود سپهر-؟

نامه ای از دوست

دوست عزیزدیرین جناب یاریزی گرامی درشماره ۱۶۱ آزادی مطالبی بنظرم آمد که خود را به ذکر آنها ناگزیر یافتم.

اولا تلاش های شخص شما در تدویم انتشار آزادی که اینک چهاردهمین سال خود را میگذراند قابل تحسین است، چون دشواری های کار را خوب میدانم!

دیگراینکه مطالب جالب و مختلف دوست مشترک عزیز آقای کیخسرو بهروزی بویژه گفتگوهای پرنکته ایشان با شادروان تورج فرازمنند بسیار خواندنی بود که دقت ایشان در نقل کلمه به کلمه گفتگوهای فیما بین قابل همه گونه تمجید و ستایش بود. «افسوس... که پایان رسید.»

و اما نکته دیگری که بنظر اینجانب پرسش برانگیز آمد مطلب کوتاهی



با ارشادها و رهنمودهای خود ما را در بهتر شدن مجله یاری می کنند.

کروبیما

ایشان ضمن چاپ عکس ذوالفقار علی بوتومرقوم داشتند نخست وزیر پیشین پاکستان بجرم صدور حکم اعدام برای رقبای سیاسی اش اعدام گردید.

آخرین سفراعلیحضرتین در زمان ریاست جمهوری بوتوبه پاکستان رامن به ایران گزارش دادم.

در طول سفراعلیحضرتین و پس از آن هرگز چنین اتهام بزرگی به بوتو شنیده نشد تا باعث اعدام او شود. بویژه که صدور چنان حکمی تنها از سوی دادگاه عالی قضائی صادر میگردد و نخست وزیر یارئیس جمهور چنان اختیاری ندارند. شاه هم شخصیتی نبودند که به دیدار بوتوئی بروند که چندین نفر را کشته باشد کما اینکه وقتی عرفات به ایران رفت و تقاضای شرفیابی کرد شاه باناخرسندی فرمودند کارمن بجائی کشیده که چریک بپذیرم!؟

بوتو که مخالفانش اورا به کنایه پاشای خوش لباس یا سوسیالیست کادیلک سوار مینامیدند در اثر کودتای ژنرال ضیا الحق از پست خود معلق و اعدام شد ... حتی دخترش بی نظیر کم مانده بود به صدارت برسد و انتقام خون پدر را بگیرد نیز هدف سوء قصد قرار گرفت و کشته شد. یک نگاه بسر نوشت پروزمشرف و عمران خان نشان میدهد که در آن کشور بلا زده بیشترین خطر متوجه شخصیت هائی است که پست های کلیدی و بالاتر از آن را می پذیرند.

سیاوش آذری با سپاس از سیاوش عزیز. خوانندگان ما آگاهند که نام ماهنامه را جناب آذری انتخاب کردند و یک سالی هم با مجله خودشان همکاری داشتند و اکنون هم هراز چند کاهی

درسی زمانی که ما مدرسه می رفتیم آمده بودولی اکنون می توان بیمار را «ایران» و ناشنوارا «ملت» خوش خیال ایران فرض کرد که پاسخ خواسته های خود را در ذهن خود مشخص کرده بودند و به سراغ نجات مام میهن شتافتند و متأسفانه همه خواسته هایشان نتیجه عکس داد.

هادی خرسندی محشراست

در چند شماره اخیر ماهنامه آزادی صفحه ای به ایرانیارگرمای هادی خرسندی اختصاص داده شده که مطالبش واقعاً محشر است. آقای خرسندی از نوابغ طنزنویسی است و من هرگز مطلبی را که در اوایل انقلاب در روزنامه اطلاعات نوشت : «بختیار از مرزبازرگان فرار کرد» را فراموش نمی کنم. این در حقیقت

طنز نبود یکی از کلمات قصار بود. و قدرت تفکر و قلم او را نشان می داد. گاهی که فرصت می کنم برنامه های تلویزیونی او را می بینم و واقعاً لذت می برم.

آنطور که از خود شما پرسیدم از ایشان دعوت به همکاری کردید و ایشان هم با همه مشغله ای که دارند دعوت شما را قبول کردند. ما هم از ایشان بسیار سپاسگزاریم. به امید فرداهای روشن در ایران که قلم و زبان آزاد باشد و شاهد شکوفایی بیشتر امثال آقای خرسندی باشیم.

رعنا- ب ماساچوست از توجه شما بسیار سپاسگزارم. جناب خرسندی آنقدر به ماهنامه آزادی و شما خوانندگان آن لطف دارند که حتی زحمت صفحه بندی مطالبشان را هم خودشان می کشند و مطلب را حاضر و آماده به دست ما می رسانند. در ضمن مطالبی که

از دوستان عزیز: خانم دکتر مهشید عرفانی، دکتر اسدی، خانم ذکاء، خانم دکتر بهیه عدالت پور، آقای عادل داسمه از میکوفرمینگهم، دکتر پرویز بهفرین، احمد صمدی و آقای جمشید اخباری که بخشی از هزینه چاپ ماهنامه آزادی را در این ماه تأمین کرده اند بی نهایت سپاسگزاریم.

امیدواریم در ماه های بعد نام شما را در این صفحه بعنوان حمایت کننده نشریه آزادی داشته باشیم.

ماهنامه آزادی

برای ما ارسال می دارند دست اول و مخصوص ماهنامه آزادی است و در جای دیگری چاپ نمی شود. برای شما که هنوز ایشان را از نزدیک ندیده اید اضافه می کنم که هادی خرسندی طنزنویسی بسیار فروتن و بی ادعا است و وقتی با کسی دوست می شود از هیچ کار مثبتی در مورد دوست کوتاهی نمی کند. خدایش سلامت دارد.

نسخه دیجیتال

بمنظور حفظ محیط زیست و جلوگیری از بریده شدن درختان و همچنین برای صرفه جویی شما خوانندگان و ما که مجله را منتشر می کنیم نسخه دیجیتال مجله را با حق اشتراک سالیانه ۲۰ دلار مشترک شوید. اگر مایلید فقط کافی است ایمیل خود را برای ما بفرستید.

حق اشتراک یکسال
ماهنامه آزادی برای کشورهای مختلف به شرح زیر است:

آمریکا	۶۰ دلار
کانادا	۱۱۰ دلار
اروپا	۱۶۰ دلار
خاورمیانه	۱۷۰ دلار
استرالیا	۱۹۰ دلار

اشتراک نسخه دیجیتال سالانه ۲۰ دلار در سراسر جهان است
حق اشتراک برای یکسال پیشاپیش دریافت می شود.

رویدادهای امرداد ۱۴۰۲

چهارشنبه ۴ مرداد (۲۶ ژوئیه) سالروز درگذشت رضاشاه کبیر پنجشنبه ۵ مرداد (۲۷ ژوئیه) سالروز درگذشت شاهنشاه آریامهر شنبه ۷ مرداد (۲۹ ژوئیه) مرداد روز جشن مردادگان یکشنبه ۸ مرداد (۳۰ ژوئیه) روز بزرگداشت شیخ شهاب الدین سهروردی سه شنبه ۱۰ مرداد (اول اوت) جشن چله تابستان چهارشنبه ۱۱ مرداد (دوم اوت) آغاز هفته جهانی شیردهی شنبه ۱۴ مرداد (۵ اوت) صدور فرمان مشروطیت سه شنبه ۱۷ مرداد (۸ اوت) روز خبرنگار

۱۹ مرداد (۱۰ اوت) ترور «ناصرالدین شاه قاجار» در حرم عبدالعظیم توسط میرزا رضا کرمانی (۱۳۱۳ق) دوشنبه ۲۳ مرداد (۱۴ اوت) روز جهانی چپ دست ها شنبه ۲۸ مرداد (۱۹ اوت) سالروز وقایع ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ و برکناری دکتر محمد مصدق و سالروز فاجعه آتش زدن سینما رکس آبادان بدست عوامل خمینی در سال ۱۳۵۷ یکشنبه ۲۹ مرداد (۲۰ اوت) روز جهانی عکاسی

Azadi Monthly Magazine Subscription Request Form

مایلم نشریه آزادی را بشرح زیر مشترک شوم :

I would like to receive AZADI for:
 6months for \$35.00 12 months for \$60.00

My check is attached Please bill me later
First Name Last Name

Address:

حمایت کننده عزیز برای مشترک شدن میتوانید این فرم را پست کنید و یا با آدرس ئی میل ما تماس بگیرید

Dear Supporter for subscription you can mail this form or Email your request to:

azadi@parsmassmedia.org

آزادی

نشریه ماهانه اجتماعی، ادبی، هنری

۱- به بهانهٔ مراسمی در پادشاهی

امروز در ضمیر ناخودآگاه جامعه ایران یادها و یادگارها از پادشاهی در جولان است ولی درست معلوم نیست این کشش از آن چه انتظار دارد .



برنارد شاو می گفت: دیری نخواهد گذشت که در جهان رقم کل پادشاهان به چهار رسد به این معنی که سه شاه درگنجیفه (ورق بازی) و چهارمی همان پادشاه انگلستان است. حرف او به تحقق نرسید زیرا او در عهد استعمار می زیست که شاهان سرزمین ها جای خود را به حکام لندن می سپردند. جز اینکه در انگلستان شارل سوم (چارلز سوم) به تاجگذاری رفت و در همان حال مخالفان او در جلو قصر کاردیف در روز قبل از جشن تاجگذاری شعارهایی دادند از آنجمله:

Not our King,
Colonial, Subjugation of the
Welsh People.

و نیز:

Nidein Berninni

که البته این شعار متعلق است به مردم سرزمین *Galles* که در مورد پادشاه انگلیس وحدت نظر ندارند

ورسمیت مراسم را منکرند. شعار دیگر: Not My King از سوی طرفداران آقای Gwenno ۶۶ ساله است. وی شخصیتی است که سالهای دراز همراه پیروان خود علیه پادشاهی در مبارزه است. او یک هنرپیشهٔ قدیمی است و شرح حال او و تلاش او سرزبانهاست و بهرحال لجوج است و سرسخت. و روز تاجگذاری روزه گرفت تا بر ولخرجی ها اعتراض کند

واز جمله پیک نیک جمهوری خواهان رادرهمن ایام تعطیل کرد در طعنه به حیف و میل ها در این مراسم. مراسمی که ۶۲ درصد مردم کشور در تأیید آن هستند. به استناد بررسی های You Gov. در ماه آوریل ۲۰۲۳.

معهدا بر اساس همان مأخذ ۲۵ درصد مردم انگلیس معتقدند که رئیس مملکت بایستی انتخابی باشد و نه ارثی. مخالفان پادشاهی انگلستان در این ایام بسیار در خشم و خروشدند که هزینهٔ ۱۲۰ میلیونی آن کمر شکن و ابعاد این مراسم بیرون از حد متعارف است.

گراهام اسمیت رئیس مخالفان جمهوری خواه می گوید: « عصر ما، عصر شفافیت ها درقبال مردم است و پادشاهی به عکس این ضرورت عمل می کند. یعنی پنهان کارتر از CIA. در مورد شخص چارلز روایت ها بسیار استودردهن مردمان او خوشروی و صمیم و صریح است و وفادار در تصور جو. حتی نوشته اند اول کسی که از اکولوژی ضرور سرزمین خودش گفت و آنکه بسیار از وضع لندن انتقاد کرد هم اوست!

به هر حال باستناد تونی بلر نخست وزیر اسبق که طی ده سال با شاهزاده در تماس ها بوده است وی « به راه مادر، ملکه دیروزی ادامه می دهد.»

اما الیزابت در امور، بصورتی نازک و ظریف دخالت می کرد. از جمله در مورد جداشدن از اروپای متحد. و چارلز معتقد به بهترین روابط با اروپای متحد است.

آنچه در زیر عمل می کند و در روحرف از آن نمی زنند سرنوشت کامنولت است که فعلاً کانادا و استرالیا ازاینکه تاجی مظهر دموکراسی آنها باشد ناراضی اند. این امر بظاهر امر دولت است ولی پادشاهی انگلیس چسبیده به آن هم هست.

در شرق (شاید بجز هند) انگلستان کشوری است دموکرات ولی سلطنتی که سلطه در ضمیر نا بخود می پروراند. نکته دیگر ثروت چارلز سوم و خاندان پرشماری است که حق دارند در هر نوع کسب و کار آغشته به نفوذهای پس از رفتن به ثروت به آسانی و رسیدن به فراوانی.

بی شک این پدیده زایندهٔ حقد و حسد هاست. آن هم در کشوری که هم امروز در مشکلات اقتصادی دست و پا می زند.

بعثی ظریف نزد مردم عادی در همهٔ کشورهای پادشاهی وجود داشت دایر بر اینکه مردم نیازمند شاه و شاهی اند. یا بعکس؟ اما این بحث هرگز به نتیجه نمی رسد.

پدیدهٔ پادشاهی در سراسر جهان یکسان نیست. هر سرزمین پادشاهی خود را آفریده که مشابه دیگری نیست. وسعدی بزرگ در «باب اول گلستان» تحت عنوان « درسیرت پادشاهان» اسرار و رموز ماندگاری ها و سقوط شاهان را بر نموده است.

اما سعدی بزرگ پادشاه را ضرور زمانه دید و از ارادهٔ مردمان نگفت که پادشاه و پادشاهی نیز در تحول ناگزیرند.

آن که در قبول تحول ناگزیر است ماندنی ولی همو که می ماند ماندنش

تابع همان تحول ناگزیر است. تضاد آنجاست که رفتنی خود را منعطف نکند، پس باور کند بر ماندگاری خود و نظام وابسته به آن.

اگر این راز تحول ناگزیر مفهوم می شد دعای مردمان بر عمر دراز شاهان به اجابت می رسید.

نه فقط در انگلستان بلکه هر جا پادشاهی جایی در دلها و منطقی درسرها داشته باشد شاه از نوعی تقدس و رؤیا ورزی مردمان برخوردار است. این نشان می دهد که تقدس هنوز جای خود را در جوامع دارد. عجبا که اصحاب دین هم بر خوردار از آن اند، البته بانام و لباس و تاجی از نوع دیگر. ابدیت و ازلیت در پادشاهی البته مورد ادعاست. حتی چارلز سوم آن را در همین ایام آرزو کرد. ولی اصحاب دین هر جا به قدرت برسند برای همیشه بر مسنداند.

استدلال آنها در ابدیت ادعائی دردین نهفته است. آنها هر دو دنیا را طالب و صاحب اند. وغافل اند از تحول ناگزیر که عنان آن دست نیروی خود بخود طبیعت و جوامع است.

تقدس را غرب از شرق گرفته و در آن به میل خود هر چه بسودش بوده نهاده و تزریق کرده است. جای تردید نیست کافی است دریابیم وطن اصلی و محل و سرزمین هائی که زادگاه ادیان بزرگ و کوچک اند. ولی غرب گرفت و در آن دست برد و فراموش کرد مسقط الرأس ادیان را. پس فتنه ها پدید آید.

در ایران ، پادشاهی امری است قدیم. اما بزرگان ادب و حکما به حماسه ها دربارهٔ آن رو کردند که هنر واقعی است. و راز و رمز پادشاهان و دوام پادشاهی در پرده بماند. امروز کسی از قبور آنهمه پادشاه که داشتیم خبری ندارد ولی هر امام زاده هویتش به جاست. دریغ.

کاهلی ما فرصت داد به مستشرقان شرق ندیده و نشناخته تا تاریخی برای ما بنویسند به میل و به سود و تشخیص بقیه در صفحه ۸

۲- سرگیجه های آرمانی

رئیس جمهوری فعلی آمریکا و معاونش و ترامپ به نامزدی انتخابات بعدی می روند. رئیس جمهور فعلی پیروزی دوردوم را حق خود می داند که رئیس جمهوری است. حاضر جواب است و از انتقاد نمی هراسد. معهدا معاون خود را در رکاب دارد برای روزی که روز او بکام او نچرخد.

ترامپ خود را قابل ارائه می بیند و از جمله حرفهای « تیزو تند و گنده» او هم این است که « آقایان در تدارک جنگند.» که جنگ جهانی را در معنی دارد.

به رئیس جمهور بگوئید « بیش از یک میلیون آمریکائی در خانه «آب» ندارند « خواهید شنید:

« اقلیم مسئلهٔ ماهم هست» وی رود به سخن در باب « اتومبیل برقی» اگر او رقم کافی در نظر سنجی ها بدست

نیاوارد یا به عللی پس بکشد بانوی معاونش که معصوم و صلح جو و برارنده وداعی امر زمان است بهترین می شود جز اینکه ترامپ ایشان را کم تجربه می بیند.

به آقای ترامپ از واقعهٔ کاپیتول حرف بزنید می گوید: « آنها یا از ما نیستند یا مثل بقیه مسئله ای دارند.»

از رئیس جمهور آمریکا بپرسید اسرائیل تئانیهوی دوم کشورش را کجا می برد؟ جواب می شنوید امیدوارم آن وزیر تند ، طرح بهتری ارائه دهد.

و نیز اگر بپرسید ۲۰،۰۰۰ سودانی برای نان یومیه ترک وطن می کنند. جواب می شنوید: « در جریانم آفریقا به کمک ما نیاز دارد.»

چرا سؤال ها به جواب نمی رسند و یا منحرف اند؟ زیرا دنیا بسبب تحول ناگزیر خود که وابسته به تحول در فناوری ها است در دگرگونی است. ولی مسیر قطعی و بستر لازمه خود را هنوز ندارد تا آن را بکاود یا حداقل ارائه دهد. هیچکس منکر رشد مادی همه جانبه دهه های اخیر نیست ولی این که

رشد به ما امنیت خاطر دهد و نه به تورم و قرضه های بی بندوبار دولتی کشاند جای حرف است.

سه قدرت آمریکا و چین و اروپا بصورتی خزنده در جهان مداری هایند. بی آنکه اصراری به خرج دهند بر قبول همگان بر دموکراسی و حقوق بشر و حقوق بین الملل و اصول ذاتی سازمان ملل متحد.

دمکراسی محدود شده است به انتخابات . اما نظام مطرح داعیان، دموکراسی نیست.

تجارت در سراسر جهان اصل و آمریکا مایل نیست، بین چین و اروپا نقشی به عهده گیرد ولی می کوشد به دام این وبه چنگ آن نیفتد. معهدا هنوز طرحی ندارد. خوب که بکاوید درمی یابید که اروپا می ترسد طعمهٔ چین یا لقمهٔ آمریکا شود. و در تضاد است از درون با اتحاد اروپا.

آنچه سرزبانهاست دفاع از آزادی گور بگور شده نیست... بلکه طائی سخی ترند. در تورتوی کانادا

است. در درون کشورهای غرب امواج ناامنی، تخریب، تسلیح فردی، بلوای لفظی است که به تضعیف دولتها می رود. حرف برنامه ریزی برای امور نظامی محتاج به ۴۰ میلیارد دلار است برای اروپا ، باقی را حدس بزنید. پول بی پشتوانه پول واقعی شده است.

غرب دمکرات را در دسرهای درونمرزی آهسته آهسته می خورد. هنر یا حیلۀ سردمداران آنجاست دست کمپانی های بزرگ را بر بازار باز می نهند و از مالیات بردآمد آنها حرف نمی زنند. وقتی در نوامبر ۲۰۲۲ آمازون به یک ضرب ده هزار نفر را بیکار می کند حق اعتراض به هیچکس داده نمی شود.

وقتی گوگل در ژانویهٔ ۲۳ دوازده هزار نفر را یکجا از کار بیکار می کند نیز کسی از شرف کار و کارگر دفاع نمی کند. اما وقتی حرف جنگ در میان می آید دولتها هریک از حاتم طائی سخی ترند. در تورتوی کانادا

فقر و اعتیاد غوغا می کند و قدری دورتر از مرکز شهر یکسره تعلق دارد به بزرگ ثروتمندان. آمریکائی که در تصور ورؤیای مردمان است به برکت تلویزیون و تبلیغات آمریکای اشتاین بک نویسندهٔ شهیر سالهای ۱۹۳۷ و در کل، آمریکای نیمهٔ اول قرن بیستم را هنوز در خود دارد ولی با مهارت در حیلۀ گری ها از چشم و نگاه مردم و سیاحتگران بدور است. در ایران قبل از انقلاب مشروب الکلی در دادوستد و مصرف عام بود. انقلاب اسلامی همه را قدغن کرد. امروز همان « عرق سگی» با نام « آب تبرک» در امتزاج و ترکیب با متانول به تودهٔ مردم فروخته می شود که باستاد محافل علمی موجب کوری و خودکشی هاست.

فقر و زجر و بی خانمانی همه جا هست ولی درهمه جا حرف از آن در میان نیست.

معهدا همه امید در کورسوئی است و مردم در ستایش زندگی اند. یعنی تحول، ناگزیر کند و تند دارد.

در هندوستان اسلام را از کتابهای درسی حذف کردند. زیرا در این کشور انواع اسلام بسیار است.

مردم آزادند در دین ولی دولت ها قبل از هر چیز ناسیونالیست اند. ناسیو نالیزم هندی زادهٔ استقلال طلبی ها علیه استعمار است. هندی امروزی معتقد است بخشی از وطن پرستی او زادهٔ نیراث فرهنگی اوست. « خوب یابد». منهای استعمار؟! سرگیجه های سیاسی که در بُعد کشورها بود اینک جهانی شده است. در منطقه خلیج فارس، امیر نشین های نفتی نمی دانند با ثروت خود چه کنند. پس ادای غرب و ظواهر تمدنی آنها را درمی آورند. حتی بنام ابتکار عربی به تأسیس انواع دیگر صنایع انرژی اقدام می کنند. ابوظبی با توتال انرژی اخیرا به عقد قراردادی بمبلغ یک میلیارد دلار لطفاً ورق بزنید



ساختن عرق سگی آلوده به متانول موسوم به آب تبرک در ایران ولایتی



شتاب برای مصرف. سرگیجه: امید گمشده

بقیه: **سرگیجه های آرمانی**

اقدام کرده است تاآن کمپانی ظرف سه سال برای ابوظبی کارخانه گاز مایع بسازد زیرا گاز مایع دربازار آسیا خریداردارد .

شیخ نشین ها دررقابت با هم اند. دویی وعربستان وقطر وغیره روی دست هم بلند می شوند. آمریکا وچین وحتی روسیه واروپا درمعامله با اعراب همیشه دست بالا را دارند.

بقیه: **به بهانهٔ مراسمی در...**

جیلی خود. یعنی سراسر به عمد. رجز و حماسه گرائی سهم مانشد پژوهش و علل شناسی کار آنها. وانقلاب اسلامی دانشگاهها رادر سانسوربرد و ما رفتیم یا برگشتیم به «اسرار جهان را نه تو دانی ونه من» و رسیدیم به خودسانسوری که گوئی بعهد الکترونیک و فرآورده های آن وزیستن درزمانه‌ای که پنهان کاری‌ها جز رنجی کاهنده نیست دارد درما جا می افتد.



مشروطیت وپادشاهی درایران باپدیده ای که انقلاب مشروطه نام گرفت بسود تحول عمل کرد و این تحول کشور ودولت و پادشاهی را برد به تجدد که منکر آن کسی نشد. جز اینکه عمران وآبادانی وآزادی‌ها باب طبع روحانیونی که رقیب پادشاهی بودند طی قرون وهزاره‌ها این بار درجمع بندی خود احکام الهی رااصل وتجدد آزادی‌ها را فرع دانستند ودخیل بودن شاه رادر اموری که فرمان‌ها ضرور می نمودند به انتقاد کشانندوجامعهٔ تحصیل کرده به «غرب زدگی»

نهضت بانوان آخرین نشانه آن است. با آنهمه فشار مردم دریافتند که ارزش‌های عهد تجدد اعتبار خودرا. دارد و مردم رفتند به دلتنگی‌ها برای ازدست دادن دستاوردها. امروز درضمیر ناخودآگاه جامعه ایران یادها و یادگارها از پادشاهی در جولان است ولی درست معلوم نیست این کشش چه انتظاردارد ازآن. این است که مردم خسته وفرسودهٔ عمل کرد جامعهٔ فقهایند. امتزاج وازدواج آراء وعقاید در دستور مبارزان هست. تا چه برآید ازآن.



چین ازدید غرب دمکرات

است بعداز جنگ جهانی دوم مردم ودولت‌های بالای سرشان صلح را درست نچشیده وهضم نکرده عازم جنگ سرد شدند. اما ازباب آرمان ، ذهنی داشتند بسوی سوسیالیزم تا به سمت سرمایه داری بالعبی از دمکراسی. درحالیکه جوامع تند و تند مصرفی می شدند. امروز حرف از هیچ آرمانی درمیان نیست. ومردمان ودولتها درنوعی سرگیجه بسر می برند. حتی کشورهایی که برآمده از قدرت کور مذاهب اند متوسل به دول چپ افراطی می شتابند تا غرق نشوند. راهیان دول افراطی خود غرق اند در جهان خواری.

چنین است که کشوری مثل ایران به تقلید رو به انقلاب اسلامی دروغین می کند ودست نیاز بسمت دو قدرقدرت ذاتا رها از ادیان و آرمان می برد.

درحقیقت دنیای ما جز درآرمان «مصرف هرچه بیشتر» بسر نمی برد. نبض هرکشور را که بگیرید میرسد به اینکه جز به « جمعیت بیشتر برای مصرف بیشتر پس مالیات بیشتر». فکر نمی کنند. واین مصرف کور در رشد خود ظرفیت کره زمین را فقط تازگی‌ها به حساب گرفته ولی هرگز بعمل در نیاورده است.

سرگیجه های آرمانی منتهی به آن شده که رسانه‌ها مملو اند از نوشته هائی اِزسوی «نظریه پردازان» که مطلقاً مدّ نظر دولتها نیست. پس دنیایی داریم که حرف هیچ کس به گوش هیچکس نمی رسد ويقول عوام خودمانی« هرکس خر خودرا می راند» و قدرتها همان « صاحب

در دنیای مجازی چه میگذرد

همسراه با انقلاب مردم ایران



هیمن مصطفایی

شهرستان مریوان بود. او سرانجام پس از ده سال حبس و شکنجه و گرفتن اعترافات اجباری از او اعدام شد.

* اداره فدرال حفاظت از قانون اساسی آلمان در گزارش امنیتی سال ۲۰۲۲ خود به مخالفان جمهوری اسلامی در این کشور هشدار داد که در سفر به کشورهای همجوار ایران مراقب باشند، زیرا جاسوسان جمهوری اسلامی برای ربودن و قتل آن‌ها فعال‌تر از همیشه شده‌اند. هم‌زمان دختر جمشید شارمهد نیز ۸ مقام قضائی جمهوری اسلامی را در شکایتی به دادستان فدرال آلمان به «جنایت علیه بشریت» متهم کرد. در این گزارش گفته می‌شود که جاسوسان وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی بیشتر به جمع آوری اطلاعات و شناسائی مخالفان رژیم در آلمان اشتغال دارند و تهدیدهای آن‌ها علیه این مخالفان بسیار جدی‌تر از گذشته شده است. آن‌ها برای ربودن و حتی کشتن مخالفان جمهوری اسلامی طرح می‌ریزند.

* روزنامه اطلاعات در واکنش به شورش مسلحانه در روسیه در یک توثیت نوشت: جماعت آتش به اختیار قانون گریز، روزی سلاح را به سوی جبهه خودی می گشایند. این سنت تاریخ است. امروز واگنرها نمونه آن هستند. آیا درس عبرت می گیریم؟

صداسیما افتاد و این یعنی سونامی ممنوع‌الکاری هنرمندان و پایان سرگرمی‌های مردم!

وی نوشت: می‌گویند حالا همه هنرمندانی که با تلویزیون قطع ارتباط کردند باید برای ساخت نمایش خانگی از ما مجوز بگیرند، ماهم که قرار نیست به رقیب هامون مجوز بدیم.
قداره رو میزنیم سر گذر، میگیم هرکی جرات داره بیاد از اینجاردشه. خلاصه کاری می‌کنیم که یا دوباره برگردند تلویزیون مثل بچه‌های حرف گوش کن، سرشون و بندازن پایین کارشون بکنند، یا اینکه حسابشون با کرام والکاتینه…

* سرکوب در ایران؛ نهمین بسته تحریمی اتحادیه اروپا علیه رژیم خامنه‌ای را بدنبال داشت. وزیر امور خارجه سوئد از تصمیم شورای وزیران امور خارجه اتحادیه اروپا برای وضع نهمین بسته تحریمی علیه حکومت ایران به دلیل نقض آشکار و مستمر حقوق بشر خبر داد. وی روز دوشنبه ۲۶ ژوئن در جمع خبرنگاران گفت: بسته تحریمی جدید برای این است که ما نشان دهیم نقض حقوق بشر در ایران توسط اتحادیه اروپا درک می‌شود و برای کمک به اوضاع تلاش خواهیم کرد.

* گزارش شبکه‌های اجتماعی حاکی است پلمب یک پل هوایی

در مشهد که به‌دلیل «بدحجایی» صورت گرفت، به دستور «کمیته عفاف و حجاب» بوده است.

پس از این اقدام، کاربران زیادی در شبکه‌های اجتماعی به تمسخر این اقدام حکومت پرداختند و نوشتند پلمب پل هوایی، «ابتکار تازه» جمهوری اسلامی است.

همچنین مدیرکل اداره ارشاد آذربایجان غربی از «ممنوع‌الکار شدن» یک کارگردان تئاتر به دلیل رقص بازیگران خبر داد.

به گفته وی، کارگردان تئاتر شهریار به خاطر «رقص خودسرانه بازیگران» به مدت سه ماه «ممنوع‌الکار» شده است و دو شب پایانی اجرای این نمایش در ارومیه

هم لغو شده است.

نمایش شهریار به نویسندگی و کارگردانی ولی لطف‌دوخت، قرار بود از ۲۳ تا ۳۱ خرداد ماه در ساعت ۱۹ در تالار آملی‌تئاتر مجتمع فرهنگی هنری ارومیه برپا شود.

پیش از این خبرگزاری تسنیم، متعلق به اطلاعات سپاه پاسداران با انتشار یادداشتی خواهان برخورد با عوامل این نمایش شده بود. طی روزهای اخیر یک لبنیاتی و یک کافه هم به خاطر برگزاری «چالش رقص» پلمب شده‌اند.

* شهریاری عضو مجلس خامنه‌ای گفته: مردم به طور جدی مشکل دارند و اگر در خیابان‌ها بریزند و مشکلات امنیتی پیش بیاید مسئولان مقصر هستند…

احمد زیدآبادی، تحلیلگر سیاسی هم گفته: از این مردم عادی بپرسیم آیا از وضع‌شان راضی هستند؟ بلااستثنا نه فقط راضی نیستند بلکه فوق‌العاده خشمگین هم هستند…

احسان شاه قاسمی، جامعه شناس هم گفته: با یک نسل خشمگینی طرف هستید می‌خواهید مذاکره بکنید هیچکس نیست که باهاش مذاکره بکنید خشن هستند خشمگین هستند…

* بامداد روز چهارشنبه ۳۱ خرداد حکم اعدام هیمن مصطفایی، زندانی اهل مریوان که بیشتر به اتهام «قتل» یک عضو سپاه پاسداران به اعدام محکوم شده بود در زندان مرکزی سنندج اجرا شد. شب سه شنبه تا بامداد چهارشنبه ۳۱ خرداد خانواده این زندانی و تعدادی از فعالان مدنی در مقابل زندان مرکزی سنندج تجمع کرده و خواستار لغو حکم اعدام وی شدند.

بنا به اطلاع شبکه حقوق بشر کردستان، این زندانی روز دوشنبه ۲۹ خرداد برای اجرای حکم اعدام به سلول انفرادی منتقل و بامداد روز چهارشنبه ۳۱ خرداد حکم اعدام وی در زندان مرکزی سنندج اجرا شد. هیمن مصطفایی، متولد ۱۳۶۸ و ساکن شهر «کانی دینار» از توابع

هسراه آفتاب



انقلاب مشروطیت

از روز ۱۴ جمادی الآخر ۱۳۲۴ هجری قمری (۱۴ مرداد ۱۲۸۴ خورشیدی) مظفرالدین شاه در قصر صاحبقرانیه، فرمان مشروطیت را امضاء کرد. فرمانی که او صادر کرد بسیار گویا بود. او دلیل صدور فرمان را تأمین رفاهیت و آسودگی قاطبه اهالی ایران ذکر کرد و خواستار شد که نمایندگان طبقات مختلف مردم توسط خود آنها انتخاب شوند و با **کمال اطمینان و امنیت** عقاید خودشان را در خیر ملت ابراز دارند. از آن پس مشروطیت ایران زیر پرده ارزشمند آن که آزادی است بر قلوب مردم ایران نقش بسته و هرگز پاک نخواهد شد. حتی در آن روز که فرمان مشروطیت صادر شد و نزدیک به ۹۹ درصد از مردم ایران بی خبر از جهان، بی سواد و اسیر فقر بودند، نمی خواستند زیر ستم استبداد و شرکای روحانی نمای آن جان بدهند. چگونه ممکن است امروز که این همه تحصیل کرده داریم و رسانه های همگانی هر لحظه مردم ایران را با دنیا د مربوط می سازد اختیار مطلق خود را به دست کسانی بدهند که مذبوحانه تلاش می کنند عقربه زمان را ۱۴ قرن به عقب بکشند؟

امروز که جمهوری اسلامی همه آزادی های طبیعی و مسلم انسان را از ملت ایران گرفته ، شعله های عشق به آزادی فروزانتر و سوزانتر از همیشه



شده است.

۱۱۸ سال پیش فرمان مشروطیت همزیستی تیره های مختلف ملت را بشارت داد و امروز یک آخوند خودکامه و نوکرانش حق همه افراد ملت را پایمال کرده اند و از این رو اینک پیوند راستین مردم ایران با **استقلال، عدالت، آزادی** و همگامی با پیشرفت جهانیان صد چندان شده است و این نوید را می دهد که این مردم نه در صفحات تاریخ ونه در یاد بلکه در عمل مشروطیت را زنده و فروزان نگه خواهند داشت.

برای بر آوردن نیاز ملت ایران به حکومت قانون ، بزرگداشت انقلاب مشروطیت بهترین انگیزه است. امروز که این همه پراکندگی میان ایرانیان ایجاد کرده اند ، بازگرداندن حق حاکمیت به ملت را می توان بعنوان بهترین زیر بنا برای استوار ساختن همبستگی مطرح کرد. همه نیروهای متفرقی که این بار بهتر از همیشه قدر **آزادی، امنیت و عدالت** را درک کرده اند، آماده اند بالاترین تلاش خود را یکجادر خدمت قانون اساسی ایران قرار دهند.

مردم ایران دریافته اند که آنچه می تواند به بهروزی آنان کمک کند لفظ نیست بلکه محتواست و اختلاف سلیقه در نوع حکومت نباید آنها را از مسئله اساسی محتوای آن غافل کند. اگر در گذشته حکومت بشیوه مشروطیت درست نبوده ، این را نمی توان عیب مشروطیت دانست. دیدیم که **ارمغان جمهوری اسلامی بیداد**.

توحش، خرافه و فقر بود . در حالی که مشروطیت - اگرچه ناقص - مملکت ما را در شاهراه ترقی پیش برد.

سالگرد مشروطیت رابه ایرانیان شادباش می گوئیم و امیدواریم در پرتو یکپارچگی باردیگر به **آزادی، عدالت، و امنیت** دست یابیم و ارج آن را چنان بشناسیم که دیگر از کفش ندهیم.

کانگستریسی

فرهنگ لغات ودائرة المعارف های



کشورهای صادر کننده لغت پیوسته است. واژه **آیت الله** که تا چهل و پنج سال پیش منحصرأ مصرف محلی داشت و فقط ایرانی ها آن را می شناختند اکنون در سراسر جهان یک لفظ شناخته شده و رایج بشمار می رود.

البته معنای لغوی **آیت الله** که **مظهر خداست** چه در ایران و چه در خارج از ایران در این سالها بکلی از یادرفته است. حتی **آیت الله** دیگر معنای مجازی خود را - که معرف پیشوایان مذهبی است - در اذهان حطور نمی دهد. وقتی می گویند **آیت الله** ، فوراً یک ملای قاتل ششلول بند در نظر مجسم می شود که مذهب را وسیله رسیدن به قدرت قرار می دهد. و هر چند در ظاهر مرد مذهبی

است اما در حقیقت نمونه تمام عیار یک **عوامفریب نیرنگ باز بی اعتنا به اصول انسانی ، اخلاقی، شرعی وقانونی به شمار می آید.**

آنچنان این تصویر در اذهان جای گرفته است که در دنیای سیاست وقتی می خواهند از یک حکومت بی قانون یاد کنند می گویند **حکومت آیت الله ها** و هنگامی که می خواهند کسی را به ریا کاری و حقه بازی و شیطان صفتی متهم کنند او را به طعنه **آیت الله** لقب می دهند.

ژاک بارو یکی از سیاستمداران معروف فرانسه که جزو سران گروه میانه رو بود در یک کنفرانس مطبوعاتی راجع به آرایش سیاسی فرانسه در دوره بعد از انتخابات سخن می گفت. از او پرسیدند: «چرا میانه روها از پیشنهاد شرکت در همکاری با سوسیالیست ها استقبال نکردند؟»

ژاک بارو جواب داد: « این پیشنهاد مثل آن است که شمارا در هواپیمائی بنشانند و بگویند می خواهیم به فلان مقصد برویم. اما وسط راه ناگهان یک **آیت الله سوسیالیست** از جای برخیزد و در حالی که نارنجکی در دست دارد اعلام کند هواپیما از راهی که قرار بود بروید نخواهد رفت و به جای نقطه تعیین شده در نقطه دیگری فرود می آید!»

فخری فخر صحبه بود

آری، آیت الله نیز مانند گانگستر به یک لفظ بین المللی تبدیل شده است و لابد در فرهنگ لغات جلوی آن خواهند نوشت: «گانگستر سیاسی»



در این تصویر فخری خوروش در صحنه ای از فیلم « آقای هالو» با علی نصیریان دیده می شود.

پائیز بود، ۲۵ سال پیش (۱۳۶۷) در همین لس آنجلس با قراقبلی به دیدارش رفتم. خودش در را باز کرد و خوش آمدگفت. وارد شدم نشستم . چای آورد و گفت وگویی مفصلی کردیم که خلاصه آن را در زیر می خوانید:

پدرم **حسین خوروش** هنرمند بود. **خانم کوچک** مادرم زن مهربان و پاک دلی بود. پدرم مادرم شمالی بودند، اهل رشت. اما خودم در ۱۰ خرداد ماه ۱۳۰۸ در کرمانشاه به دنیا آمدم. کلاس دهم بودم که با **آقای اسودی** ازدواج کردم. ایشان دکترای باستان شناسی داشتند. **تهمینه** از شوهر اولم **آقای اسودی** جدا شدیم با **آقای شاپور شیبانی** ازدواج کردم که همواره یار و یاور و مشوقم بوده است.

در سال ۱۳۲۸ پس از گذراندن دانشسرای عالی، کار هنری و تدریس در مدارس راهمزمان آغاز کردم. پس از دو سال آموزگاری به وزارت فرهنگ و هنر منتقل شدم و از آن پس خیلی جدی به کار بازیگری پرداختم اولین تجربه من در این زمینه **دست های آلوده** اثر **ژان پل سارتر** بود. در ۱۳۳۷ در فیلم **جنوب شهر** به کارگردانی **فرخ غفاری** بازی کردم. این فیلم توقیف شد و در ۱۳۴۲ با اعمال سانسور و بانام **رقابت در شهر** به نمایش درآمد. در اواخر دهه سی از سینما کناره گرفتم و تمام نیرو و وقت خود را صرف تأثر کردم. در اواخر دهه چهل به سینما برگشتم و در فیلم های مختلفی بازی کردم. از جمله **آقای هالو** بکارگردانی داریوش مهرجویی، **نفرین** (ناصر تقوایی) **شازده احتجاب** (بهمن فرمان آرا) **شترنج باد** (محمد رضا اصلانی) **سوته دلان** (علی حاتمی) و بسیاری دیگر که نام بردن از همه آنها وقت می گیرد. بعد از انقلاب هم در چند مجموعه تلویزیونی از جمله **امیر کبیر**، **پهلوانان نمی میرند** و در مجموع در پانصد تأثر تلویزیونی و بیش از سی و پنج تأثر روی صحنه و یازده فیلم بازیگر نقش های مختلف بوده ام.

یادو نام گرامی اش جاودان باد.



فخری خوروش بیش از ۶۰ سال هنر آفرینی کرد



از چپ: بهروز وثوقی، جمشید مشایخی، بهمن فرمان آرا، فخری خوروش، پروانه معصومی و کامران شیردل در حضور شهبانوی ایران دیده می شوند



فخری خوروش در کنار شوهرش شاپور شیبانی. در فضای مجازی بارها عکس خوروش را در کنار جمشید شیبانی چاپ کرده و او را شوهر خانم خوروش دانسته اند در حالیکه زنده یاد فخری خوروش همسر شاپور شیبانی بود.

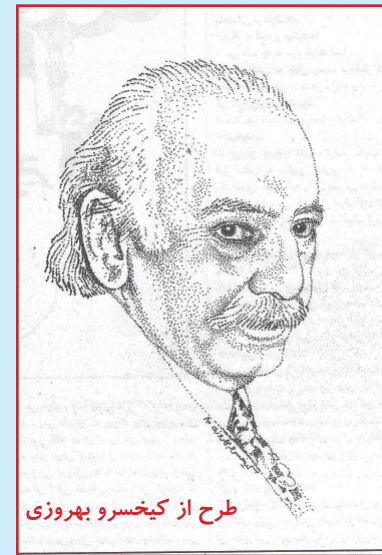
گفتگوی کیخسرو بهروزی با تورج فرازمند

قسمت پنجاه و یکم (آخرین قسمت)

* ایرانی عمیقاً به شعر کلاسیک، شعر نیمائی و بخصوص شعر پیشرو اروپائی آگاهی کامل داشت.

* انسان می خواهد گاهی خیالپردازی هایش را بصورت واقعیت درآورد که بدترین کار همین است.

* بر اثر بیکاری می خواستم بکوه و کمر بزنم یا بروم دزد دریایی شوم.



طرح از کیخسرو بهروزی

آیروم، دوست دیگری داشتم بنام حسین صادقیور که مشهدی بود و هم درآبادان وهم درمشهد گاراژ داشت وبه همه چیز شهر آشنا بود. باید پول را دربانک بازرگانی آن وقت می گذاشتیم. آیروم هم با آن بانک کار می کرد و جمشید نویان هم نماینده بانک بود و ما را راهنمایی می کرد خلاصه در مزایده شرکت کردیم و برنده شدیم.

بقیه در صفحه ۴۹

فرازمند با پسر و نوه اش

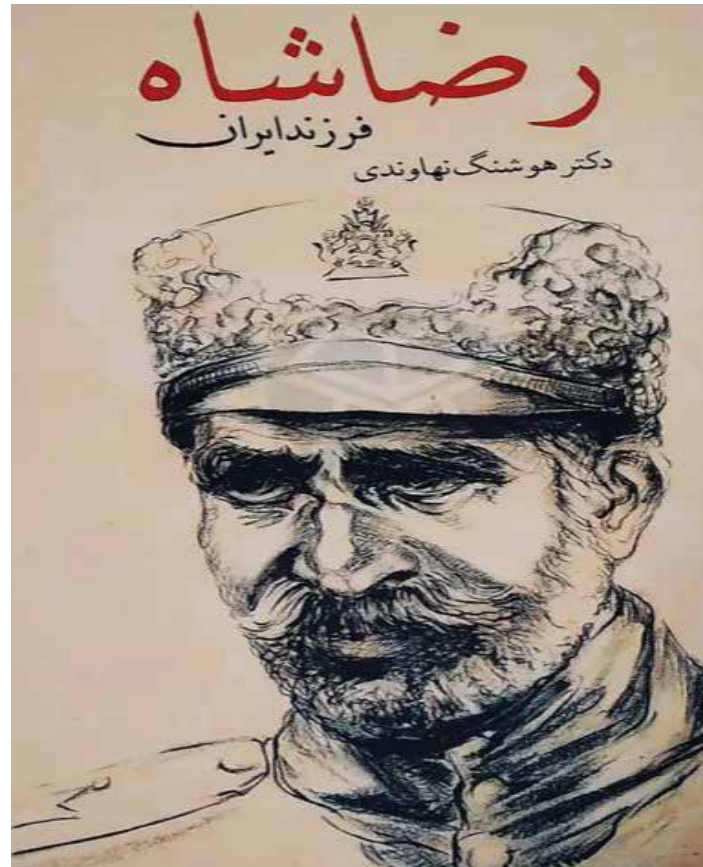


بهروزی: هردو کارمند بودند؟
فرازمند: بله، من در آنجا اباوالحسن وروزی آشنا و دوست شدم. بعضی از شبها او و نواب صفا به منزل ما می آمدند و ما به منزل آنها می رفتیم و محفل انسی بود که بسیار خوش می گذشت. من با تهران تماس گرفتم و به مادرم گفتم: فعلاً دزد دریایی شدن را کنار گذاشته ام و می خواهم تجارت کنم. برادرم هم تأیید کرد که راست می گویم. و خلاصه هفت-هشت هزار تومانی از فروش همان ملک الیگودرز تهیه شده بود که مادرم برایم فرستاد.
بهروزی: چه نوع تجارتی می خواستید بکنید؟
فرازمند: می خواستیم انبار آهن قراضه

معرفی کتاب:

رضاشاه فرزند ایران

* بازسازی هویت ملی ایرانی و ایجاد غرور ملی در ایرانیان از آرزوهای بزرگ رضاشاه و هدف اصلی او بود



عنوان کتاب: رضا شاه فرزند ایران
نوشته: دکتر هوشنگ نهاوندی
ناشر: شرکت کتاب
تاریخ انتشار: بهار ۱۴۰۲
تعداد صفحات: ۳۲۰

دکتر هوشنگ نهاوندی، بیش از آنکه به سیاست بپردازد مرد فرهنگ و اهل قلم است. از باورهای اوست که نوشتن بر عمر انسان می افزاید. و همین باور تا کنون بر تداوم عمر پربارش افزوده است. دکتر نهاوندی به تاریخ و فرهنگ چند هزار ساله ایران عشق می ورزد. در تاریخ معاصر ایران پژوهشهای ژرفی انجام داده است که حاصل آن چهارده جلد کتاب به زبان فارسی است که در زمان اشتغال به کارهای سیاسی در ایران به چاپ رسانده و حدود نه کتاب به زبان فرانسه است که در غربت به رشته تحریر درآورده است. که هر نه کتاب به چند زبان دیگر ترجمه شده است.

از ویژگی های پروفیسور نهاوندی در نوشتن آن است که خامه اش بسیاری از حقیقت هارا که دیگران از نوشتنش ابا دارند به روانی می نویسد. اگر درباره محمد رضا شاه می نویسد علاوه بر ذکر خدمات او به کژی ها و کاستی ها نیز اشاره می کند. در عین حال قلمی بسیار با اخلاق دارد و عیب هارا بگونه ای بیان می کند که صاحب عیب هم ناخشنود نمی شود.

تازه ترین اثری که دکتر نهاوندی نوشته و بازار کتاب عرضه کرده است عنوان «رضاشاه، فرزند ایران» رادارد. که با خط زیبایی در اولین صفحه آن برای تقدیم کتاب به کتابخانه ماهنامه آزادی نوشته است: «باین آرزو که چراغ آزادی در تاریکی امروز وطن همواره روشن و پرنور باشد.»

در مقدمه کتاب دکتر نهاوندی می نویسد: «کتابی که در دست دارید زندگی نامه سیاسی مردی است که از میان مردم برخاست و هنگامی که ایران ما در حال فروپاشی و پریشانی بود آن را نجات داد.» این دوسطر در حقیقت چکیده و عصاره این کارنامه سیاسی ایرانی ترین پادشاه کشور ماست. شرح زندگی رضا شاه با داستان شیرین و در عین حال ذکر روزهای بسیار سختی که بر او و مادرش نوش آفرین گذشته آغاز می شود و زنده ماندن کودک یتیم چند ماهه ای بنام «رضا» در هوای سرد منطقه امام زاده هاشم، به نوشته دکتر نهاوندی یک معجزه قلمداد میشود. در همین صفحات نخستین، نهاوندی به انتقاد از خانواده پهلوی می پردازد و می نویسد: «متأسفانه خانواده پهلوی و اطرافیان رضاشاه،

شاید به خاطر آنکه تصور می کردند اشاره به این گذشته ها خوشایند پهلوی اول و پهلوی دوم نباشد بابه سبب نوعی عقده حقارت، از این ماجراها گفتگوئی نکرده اند، که البته در این مورد باید شاهپور غلامرضا را استثنا کرد.» «رضا در ۱۴ سالگی نوجوانی مغرور، بی باک، بسیار حساس و زود رنج، بلند بالا و قوی هیکل و اهل زدوخورد در کوچه و خیابان بود.» شاید بهمین دلیل بود که دائی رضا، ابوالقاسم خان که سرپرستی او را برعهده داشت، «برای اینکه زندگی او را به نظم درآورد و شاید بخاطر رهایی از مسئولیت وی، از روابط خود استفاده کرد و رضارا به سوی خدمت در ارتش سوق داد» پادشاه ایران در خاطرات خود روزهای تلخ کودکی و نوجوانی را ذکر می کند که در این کتاب می

خوانیم:

«در آن موقع سربازی تقریباً لخت بودم. هیچ چیز نداشتم. حتی غذا نداشتم گرسنه بودم. هرگز محبت و عاطفه پدر و مادر را ندیده بودم... دیناری در جیب نداشتم. هیچ کس به من کوچکترین اعتنایی نمی کرد. مشکلات زندگی قانون زندگی را به من آموختند. تصمیم گرفتم از هیچ چیز و هیچ کس نترسم. هرمانعی را از پیش پا بردارم و پیشرفت کنم.»

با این قانون زندگی، رضا شاه قانون مملکت داری را نیز آموخت و پیشرفتهای شگرفی را نصیب کشورمان کرد.

در جای جای کتاب از اقدامات رضاشاه و یا قوانینی که به پیشنهاد او به تصویب می رسید و در پیشرفت مملکت تأثیر بسزایی داشت یاد می شود. دکتر نهاوندی اشاره می کند که قانون مربوط به تحدید اختیارات محاکم شرع (که در حقیقت پایان وجود آنها بود) به جدایی سیاست و امور عمومی از دیانت انجامید. در مورد پای بندی رضاشاه به مفاخر ملی می نویسد:

«بزرگداشت فردوسی و شاهنامه اش، باحساسه بازسازی هویت ملی ایرانی و ایجاد غرور ملی در میان ایرانیان که آرزوی بزرگ زندگی رضاشاه و هدف اصلی او بود کاملاً تطبیق می کرد. او می خواست ایرانیان نسبت به گذشته خود احساس غرور و افتخار کنند. و به یاد عظمت ایران باستان و شکوه پیش از اسلام این سرزمین بیفتند.» در صفحات پایانی کتاب می خوانیم: «در سه سال اخیر ناگهان رضاشاه به صحنه سیاست ایران بازگشت. صدها هزار تنی که علیه رژیم حاکم بر ایران تظاهرات می کردند ضمن شعارهای مختلف در یک جمله متحد القول بودند. .. آنها می خواستند و می خواهند که ایران باردیگر ایرانی شود. شعار آنان این بود: رضاشاه روحت شاد.»

ارزوزی که واژه ی روشنفکری (*intellectual*) درجامعهٔ ما باب و ورد زبانه‌ا شد.از چند استثنا که بگذریم، روشنفکر به کسی گفته می شد که با نگارش ویا سرودن شعر ویا در سخنرانی نشان دهد که مخالف دولت های بر سر کار در رژیم گذشته به ویژه شاه است، که از جملهٔ آنان می توان از جلال آل احمد، نام برد که با گفتار و شایعه پراکنی ها و اتهامات بیجا وساختگی؛ از جمله کسانی بود که زمینه سازبرپایی رژیم مذهبی به رهبری آخوندی بنام روح الله خمینی،شد واز جمله کسانی است که ملت مارا به تباهی کشاند.

در رژیم گذشته کارهایی درزمینه ی پیشرفت و اعتبارایرانیان ازجمله دراقتصاد و دانش پروری وبسط فرهنگ وعمران وآبادی وامنیّت ورفاه همگانی وبهداشت وحقوق بانوان وحمايت خانواده وتشکیل سپاه دانش وبهداشت وترویج آبادانی، خدمت بانوان درنهادهای نظامی تا احراز مقاماتی دردرجات بالا و برخورداری ازنماینگی مجلس وسنا و وزارت وسفارت،همچنین آزاد شدن روستاییان از قید وبند اربابان ورسوم قرون وسطایی،وضع قانون کار تا جایی که کارگران از حق بیمه وشرکت در سود وسهام کارخانه ها ومؤسسات تولیدی مشارکت داشتند وفرهآم آوردن اعتبار و آبروبرای ایرانیان در مجامع جهانی وحذف ویزا از سوی اغلب کشورها (امریکا چهار ساله) وتوجهٔ ویژه به امورورزش وملی کردن مراتع وجنگلها که با توجه به حقیر بودن وسعت آن درایران وخشک بودن بیش از هفتاد درسدازسرزمین ما از ضروریات بود، ارزش و اعتبارپول ایران نزد بانکهای خارجی و بسیاری دیگراز این دست مزایا و خدمات؛ برای ایران و ایرانی فراهم شده بود.قانون کاری که در ایران به نفع کارگران وضع واجرا شده بود، در امریکا وحتا در بسیاری از کشورهای اروپایی اجرا نمی شد وچون من به خاطر شغل وموقعیتی که داشتم، از نزدیک ناظر بر این مزایا برای کارگران بودم، این چنین می نویسم. آقای دکتر کاظم ودیعی، استاد دانشگاه تهران، درنوشتاری در ماهنامه ی آزادی،می نویسد:«بانو سیمین دانشور، همسر جلال آل احمد، و استاددانشگاه ومخالف سرسخت شاه، پیش از انقلاب اسلامی گفته بود:درهیچ دوره ای ازناریخ ایران، بقدرعهد پهلوی کتاب ونوشته وتألیف وترجمه وغیره وجودنداشت».دریغ اینکه از این مخالفان؛ وجدانی بیداردربرابر اینهمه خدمات ارزنده آنهم در یک زمان نسبتاً کوتاه دیده شود!

البته اگر چه به مصداق دیکته ای که نوشته شود، غلط یا غلطهایی هم دارد، شاه نیز مرتکب

ک – هومان

آنان که ملت مارا به روزگار تباهی کشاندند

*** آیا می توان به آنانی که برای رسیدن به اهداف خود، دروغ گفتن و تهمت زدن را توجیه می کنند،روشنفکرودربندفضیلت اخلاقی وهوادار آزادی ودموکراسی دانست!؟**



خواهیم اثرات یک فرهنگ ۲۵۰۰ ساله را درایران محو کنیم». این مرد انقلابی خشک مغز،چون تاریخ نخوانده بود نمی دانست که فرهنگ ۲۵۰۰ ساله؛ شامل فرهنگ اسلامی ۱۴۰۰ ساله نیزمی باشد که تمامی سعی و کوشش او و امثال او استقرارهمین فرهنگ ۱۴۰۰ ساله بود! همو در ۵ امردادماه ۱۳۵۹ زمانی که نمایندگی مجلس و سرپرستی مؤسسهٔ کیهان را بر عهده داشت، ناسیونالیسم و ملی گرایی راعامل تفرقه خواند و آن را مُتناقض با اسلام دانست.

دریغ آنکه برخی کسان بابهره گیری ازاعتبارعنائوبنی از جمله فیلسوف ، دکتر، استاددانشگاه ویا با نگارش چند کتاب و مقاله وبهره گیری از تریبونهایی که در اختیار آنان گذارده می شود ویا مصاحبه های آنچنانی که ازسوی برخی شبکه های بیگانه با آنان صورت می گیرد، توانسته اند.دیدگاه های نادرست خودرا درذهن ناآگاهان تزریق کنند!این چنین بود که مردم ماچهره ی خمینی را درماه دیدند و به برپایی رژیمی با افکار سده ی ششمی رأی دادند!

جلال آل احمد، گاه با افکار چپیی وگاه ظاهراً مذهبی با گفتن سخنانی که به مذاق قشری مذهبی ها خوش می نشست وبه شخصیتی روشنفکر شهرت یافته است می گوید:« کسانی که ازدموکراسی دم می زنند و خواهان آن می باشند،بیماران روانی بیش نیستند!»که این چنین سخنانی؛ خود بیانگرذهنی مُجمد شده ازفراپافتهایی است که بیش از ۱۴۰۰ سال به ویژه از زمان صفویان، تا کنون در رگ و پی و مغز جامعهٔ ما تزریق شده و مارا (به جز شماری اندک) ازتفکروتحلیل درست و بی بیرایه نسبت به ساختن ایرانی آبادتر و پیشرو تربوده و هستند ونه دربرقراری آزادی اندیشه ودموکراسی درایران که با باورمذهبی ویا ایدئولوژی شان در تضاد و تقابل بوده و هست،سهل است که کمونیست ها واسلامی های تندرو، با اعتقاد بر جهان وطنی بودن شان، کمترین دلبستگی به میهن و تاریخ آن ندارند. شاگردان مکتب جلال آل احمد و همفکران اوکسانی از جمله بنی صدر،نان خورده ازشفره ی پدری آخوند براین باور بود که موی سر زنان دارای اشعهٔ ویژه ای است که مردان را آزار می دهد!! ویا ابراهیم یزدی، است که به پاداش خدمتی که به دستور «ریچارد کاتم» عضو عالیرتبه ی سازمان سی. آی.ا، مأموریت انتقال خمینی ازنجف به پاریس را بر عهده گرفته وبه مقام وزارت امور خارجهٔ اسلامی رسیده بود.درتاریخ ۲/۲/۱۳۵۸ درمصاحبه ای با روزنامه کیهان مصادره شده می گوید:«ما می

شدن صنایع نفت و ظهور جبههٔ ملی، جذب حزب نیروی سوم به رهبری خلیل ملکی وازهوداران دکتر مصدق شد ودرسال ۱۳۳۳ به خاطر اختلاف با رهبر نیروی سوم از آن گروه کناره گرفت واز هوداران دکتر مُظفر بقایی رهبر حزب زحمتکشان ملت ایران می شود ودر سال ۱۳۴۲ به حج می رود ودراین سفر، دیداری با خمینی درعراق به عمل می آورد. که نشان می دهد نامبرده انسانی سرگشته و گم کرده راهی بوده که تعادل ذهنی نداشته است و هرلحظه گرفتار تشتّت ذهن بوده است،شاید اعتیاد شدیداو به الکل در تشتّت ذهن او مؤثر بوده است.

جلال آل احمد، فضل الله نوری، را شهید بزرگ وآزادی خواه بزرگ می خوانده است، آخوندی که فتوا به قتل عام و شکنجهٔ آزادی خواهان داده بود.او درنامه ای به محمدعلیشاه قاجار، از جمله نوشته بود:«برپایی مجلس شورای ملی جز هدم [نابودی — ازبین بردن] دین و هرج و مرج وهدم دماء [خونها] محترمه و هنک نوامیس اسلامیّه نخواهد بود…».

آل احمد،نجات ایران را در پیوند دین با حکومت دینی می دیده است و برپایه ی دکترین اوقتیاس ازهر آنچه که درغرب جریان دارد می بایست دوری شود! اما خود به جای آنکه عبا و ردا و آرخالق، قبای پیشینیان برتن کند، از کسوتی استفاده می کرده که رضا شاه در اقتباس از فرنگ برتن ایرانیان از جمله او کرده بود و بافت پارچه اش از کشوری ازغرب بود، او در حالیکه ازاتوموبیل، راديو، تلگراف، ماشین تحریر، بلند گو، بانک ونیروی برق وداروهای غربی وبسیاری دیگر ازآنچه که به حکم ضرورت زمان ونیاز جامعه از غرب به ایران راه یا فته بود استفاده می کرده است،دست به نوشتن کتابی بی محتوا ازمنطق وعقلانیت زیرنام «غرب زدگی» می زند، او دراین اندیشه که درسده ی بیستم وپس ازآن همچنان می شود برگرداگردایران حصارى کشید تا جامعهٔ ما از آنچه که درغرب می گذرد متأثر نشود، نشان داد که تا چه حدّ لنگی دماغ دارد! او

وامثال او از درک این واقعیت عاجز بوده وهستند که درجهانی که به خاطر تکنیک های علمی پیشرفته وافزایش رسانه های دیداری و شنیداری ورواج وسایل ارتباطی و گستردگی فضای مجازی، جوامع روز به روزبهم نزدیک ونزدیکتر می شوند، سر دادن شعارغرب زدگی درحکم نواختن شیپور از دهانه ی گشاد آن است، بدیهی است که این نزدیکی جوامع بهم، خواه نا خواه انتقال فرهنگ و تمدن غرب را نیز به همراه خواهد داشت، آنگاه دارندگان چنین افکاری زیر عنوان روشنفکر،به انتقاد از شاه و رژیم پیش می پرداختند! که برخلاف دیدگاه واپسگرایانه آنان، سعی در پیشرفت وتعالی ایران و ایرانی با بهره گیری از دانش و فرآورده های علمی غرب داشته است وتا آنجا که ممکن ومقدور بود، بر پایه ی اسناد وشاهد، آن پدر و پسر ازهیچ کوششی دراین راه فرو گذار نکرده بودند و ایرانیان در زمان شاهان پهلوی به آبروو حیثیت جهانی وبه دستاوردهای چشمگیری ازی پیشرفت وتعالی رسیده بودند.

در باب شایعه سازی های جلال آل احمد، علیهٔ



ساعدی و شاملو

شاه، ازجمله می توان به غرق شدن صمدبهرنگی، در رودخانه ی ارس اشاره کرد، آموزگاری با تمایلات کمونیستی که می خواسته است قاچاقی به شوروی نزد دیگررفقای خود برود، دکتر غلامحسین ساعدی،روان شناس و روانکاو ونمایشنامه نویس از گروه چپ که نوشته هایش پراز تنقید از اوضاع در جهت بدبین کردن مردم به ویژه جوانان نسبت به رژیم بود، چند سال پیش در مصاحبه ای با مُخبرهفتگی نامه کیهان لندن گفته بود(نقل به مضمون):

«در دیداری خودمانی که در تهران با جلال آل احمد، داشتم، گفتگو به غرق شدن صمد بهرنگی، نویسنده ی کتاب «ماهی سیاه کوچولو» در رودخانه ارس کشیده شد، گفتم اینکه شایع شده ساواک صمد را کشته و جنازه اش را به رودخانه ی ارس انداخته است، نادرست است، آنگونه که من تحقیق کرده ام، صمد تصمیم گرفته بودبا عبورازرودخانه ارس به شوروی برود، چون شنا بلدنبودغرق شد وحمره فراhti که او را تا کنار رودخانه همراهی کرده بود، مرگ او را غرق شدن دررودخانه به من گفت، جلال با شنیدن این حرف پرسید: مگر تو با شاه مخالف نیستی؟ گفتم چرا و تو خوب میدانی واین یک ادّعا نیست . گفت: مگر نمی خواهی بساط او و رژیمش برچیده شود؟ گفتم: خب معلومه، گفت: پس چرا داری شاه را تبرئه می کنی، بگذار این شایعه همچنان برسر زبانهاباشد!



صمدبهرنگی

که ازاین دست شایعات علیهٔ شاه فراوان است که از جمله می توان به ترور محمد مسعود، مدیرروزنامه ی مرد امروز، ترور سپهبد رزم آرانخست وزیر،مرگ علیرضا پهلوی، برادر تنی شاه، خود کشی غلامرضا تختی، مرگ علی شریعتی، آتش زدن سینما رکس آبادان وچند مورد دیگر اشاره کرد.

پرویز ثایتی، در باره ی ساعدی می نویسد«در سال ۱۳۴۹ خبیری در روزنامه لوموند فرانسه منتشر شد اینکه غلامحسین ساعدی، ازسوی ساواک درتهران احضار و مورد ضرب و شتم قرارگرفته است. بلافاصله تلفن های او را زیر کنترل قرار دادیم وفهمیدیم که خوداو منشاء این خبر بوده و آن را وسیلهٔ نسرین فقیه، خواهرزاده احسان نراقی به روزنامه لوموند داده است. در مطب روانشناسی و روانکاوی او میکروفون گذاری شد، معلوم گردید که او فرد فاسدی است و سعی می کند با خانم هایی که برای مشاوره ومسایل روانی به او مراجعه می کنند و غالباً همسر داشته و با همسران شان مسأله دارند، روابط جنسی برقرار ودر محل کار خود با آنها همستر می شود، از جملهٔ این خانمها که باوی روابط نامشروع پیدا کرده بود خانم(ش.الف) همسر دوست بسیار صمیمی و نزدیک و همکار خوداو بود که در دفتر کار با او هم بستر می شد. این شخص با همه ی افکار چپیی ومخالفت هایش با رژیم هرگز بازداشت نشد…»

چندی بعد در جریان کشف شبکهٔ تروریستی، یکی از دستگیر شدگان اعترافاتنی در ارتباط بااو کرد که مدت کوتاهی بازداشت و با واسطگی پسر عمویش سرتیپ ساعدی از همکاران ما آزاد شد». دردامگه حادثه–۳۴۵

جلال آل احمد،شش ماه پس از مرگ صمد بهرنگی، درنامه ای به منصور اوچی، شاعر شیرازی می نویسد:« اما درباب غرق شدن صمدبهرنگی دراین تردیدی نیست که غرق شده اما چون همه مان دلمان می خواست قصّه بسازیم، خُب ساختیم دیگر!

حمزه فراهتی، یکی از هموندان ساعدی و آل

احمد، در کتابش زیرنام «در آن سالها و سالهای بعد»، اظهار می کند که بهرنگی شهید ساختگی شد و مرگ او کارساواک نبود، اودربرابر دیدگانم غرق شد وما به دروغ گفتیم کارساواک بود».

آیا می توان به آنانی که برای رسیدن به اهداف خود، دروغ گفتن و تهمت زدن را توجیه می کنند، روشنفکر ودر بند فضیلت اخلاقی وهوادار آزادی و

دستور زبان فارسی

بخش بیستم ، ادامه قید (مکان)

واژه‌های عربی در زبان پارسی که بصورت قید مکان بکار می‌روند: فوق - تحت - یمین - یسار - خارج - محاذی - بعد - عقب - داخل.

- قید مقدار:

اندک ، اندکی ، کم ، کمی ، کمتر ، چند ، چندان ، چندین ، این اندازه ، اینقدر ، بقدری ، چه اندازه ، بس ، بسا ، بسی ، بیش ، بیشتر ، پاک ، کمابیش ، سراسر ، یکسر ، لختی ، همه ، برخی ، هیچ ، جو به جو ، فراوان ، خیلی (خیل «عربی» + ی) پر ، افزون ، لخت‌لخت ، چشمه به چشمه ، کوه تا کوه ، نکته به نکته ، مو به مو ، همسنگ ، بسیار . واژه‌های عربی در زبان پارسی که بصورت قید مقدار بکار می‌روند: تقریباً ، تخمیناً ، کثیر ، قلیل ، کلاً ، کلیه ، کلی ، جزء ، زیاده ، من حیث‌المجموع .

- قید نفی:

نه ، هیچ ، خبر ، هرگز ، نی ، نی ، بهیچ رو ، به هیچوجه ، هیچگاه ، نخیر ، بهیچ سان . واژه‌های عربی در زبان پارسی که بصورت قید نفی بکار می‌روند: اصلاً ، ابداً ، مطلقاً ، حاشا و کلاً . - قید حالت و چگونگی: خوب ، نیک ، راست ، درست ، تند ، کند ، آهسته ، خندان ، شادان ، نالان ، پیاده ، سواره ، سر بسته ، نهفته ، عاقلانه ، مردانه ، آشکارا ، پنهان ، مردوار ، دیوانه‌وار ، گران ، ارزان ، پرسیان پرسیان ، لنگ لنگان ، افتان و خیزان ، نشسته ، ایستاده ، دو روزه ، همه ساله ، نیزه بدست ، جز آن . - صفت چه جامد و مشتق و چه ساده و مرکب هرگاه متمم اسم قرار گیرد صفت است و اگر کیفیت و حالت فعل را بیان کند قید است مانند: مرد

سواره (سواره چون حالت اسم ا بیان میکند صفت است . پرویز سواره رفت (سواره چون حالت فعل را بیان میکند قید است . - هرگاه بر سر اسم و اسم مصدر «یایی» که با صفت جامد بنا میشود حرف «با ، به» افزوده گردد بصورت قید در آید مانند: بخیره ، بتنهایی ، بدرد ، براستی ، بدرستی ، بتندی ، به آهستگی ، بکندی . یکی نامه سوی برادر بدرد نشست و سخنها همه یاد کرد (فردوسی) «بایی» که در بنای قید بکار می‌رود متصل به کلمه نوشته می‌شود مانند: او بتندی گذشت ، باهستگی سخن میگفت . واژه‌های عربی در زبان پارسی که بصورت قید حالت و کیفیت بکار می‌روند: عالماً ، عامداً ، صراحةً ، عنقاً ، قهراً ، شفاهاً ، کتباً ، معجلاً ، سهواً ، عمداً ، قصداً ، غفلةً ، سرأً ، جهراً ، فقط .

- قید ترتیب:

نخست ، یکان یکان ، فوج فوج ، دسته دسته ، سرانجام ، سرآغاز ، یکباره ، دوباره ، باز ، پیاپی ، دمامد ، در بدر . واژه‌های عربی در زبان پارسی که بصورت قید ترتیب بکار می‌روند: اولاً ، ثانیاً ، ثالثاً ، واحداً ، بعد واحد ، بعدها .

قید تأکید و ایجاب:

بلی ، چشم ، آری ، بی‌گمان ، بلکه ، بی‌گفتگو ، بدرستی ، راستی ، ناچار ، هرآینه ، بی‌چون و چرا ، نیز ، بی‌چون و چند . واژه‌های عربی در زبان پارسی که بصورت قید تأکید و ایجاب بکار می‌روند: حتماً ، البته ، مسلماً ، واقعاً ، لاجرم ، لابد ، یقیناً ، جداً ، مطمئناً ، بل ، قطعاً ، یقین .

- قید شرط:

هرگاه ، هروقت .

- قید تکرار و تجدید:

دگر ، دیگر ، دیگر بار ، باز .

- قید استثناء:

مگر ، جز که ، بغیر ، وگرنه . واژه های عربی : الا ، سوی ، غیر .

- قید استفهام:

برای چه ، آیا ، مگر ، چون ، چسان ، کی ، تاکی ، تاچند اسم چرا اسم چه مایه ، کدام ، چطور ، چگونه .

- قید شک و گمان:

بوکه ، شاید ، نگر ، گویا ، گویا ، گویا ، گفتمنی ، پنداری .

- قید سوگند:

بخدا ، بجان ، خدارا ، برای خدا .

- قید تشبیه:

چونین ، چنانچون .

- قید تمنا:

کاشکی ، کاش (کاج) ، ای کاش ، آیا ، بشود .

قید نیز چون کلمه‌های دیگر هم بصورت ساده و هم مرکب بکار می‌روند .

- قید ساده:

همیشه ، هرگز ، هنوز ، چون ، دیر ، زود .

- قید مرکب:

چنانچون ، هیچوقت ، هرگاه ، پیرانه سر ، همه روزه .

حرف

حرف کلمه‌یی است که معنی و مفهوم مستقلی ندارد و برای پیوستن اجزای جمله و یا ارتباط جمله‌ها به یکدیگر به کار می‌رود . چند دسته حرف وجود دارد بدین‌تقرار:

۱- حرف اضافه (پیشین):

کلمه‌یی است که پیش از اسم یا ضمیر یا عبارتی می‌آید و آنرا مفعول بواسطه قرار می‌دهد . مشهورترین حروف اضافه که هر یک مورد استعمال و معانی گوناگون دارند عبارتند از:

- الف: حرفهای اضافه ساده: به ، با ،

از ، بی ، بر ، تا ، دیر ، اندر ، نزد ، پیش ، پس ، جلو ، بالا ، سو ، پهلو ، دنبال ، کنار ، زیر ، زبر ، برای ، میان ، زی ، پی . - حرف اضافه مرکب: بدون از برای از بهر درباره بکردار از بی در بی بگرد در بر از دنبال در کنار در باب در لب از پس در نزد از روی . - اندر ، در ، اندرون بمعنی « در » بکار رفته‌اند

- « با » ، « بی » ، « بی » « بر » که بصورت « ابا » ، « ابی » ، « ابر » بکار رفته‌اند در زبان پهلوی « ابا » ، « اپی » و « ابر » بوده‌اند .

- واژه‌هایی که میان اسم و قید و حرف اضافه (پیشین) مشترک‌اند هرگاه به اسم افزوده گردد و آخرشان کسره گیرد از حروف اضافه‌اند اما گاه ممکن است یکی از این واژه‌ها در حالت اضافه باشد و کسره گیرد که البته در اینصورت حرف اضافه نیست مانند:

تا توانی درون کس مخراش کاندرین راه خارها باشد (سعدی) « درون » در این بیت اسم و مضاف است .

- تکرار حروف اضافه در آثار پیشینیان غالباً برای تأکید بوده و امروزه معمول نیست .

گاه حرف اضافه حذف گردد مانند: که از تو نیاید به جانم گزند نه آنکس (بر آنکس) که بر من بود ارجمند (فردوسی) ۲- حرف ربط (پیوند): کلمه‌یی است که دو کلمه یا دو جمله را بیکدیگر پیوند دهد و عبارت است از: - الف: حرف پیوند ساده: یا ، مگر ، و ، نه ، چون ، چه ، پس ، تا ، هم ، نیز ، زیرا ، باری ، آخر ، بلکه ، اما ، لیکن ، که .

ادامه دارد

رابطه پرکاری غده تیروئید و قلب

در پرکاری غده تیروئید Hyperthyroidism مقدار زیاد هورمون تیروئید تولید می‌گردد. زیادی این هورمون در بدن سبب پرکاری و سرعت کار همه اندام‌ها می‌شود.



علائم بیماری عبارتند از: طپش قلب ناشی از سریع تر شدن ضربانات قلب، قوی تر شدن انقباضات عضله قلب و ازدیاد فشارخون. اختلال دیگر عبارت است از درد قفسه سینه به سبب نیاز قلب به اکسیژن بیشتر.

ترکیب لیکوپن برای کاهش خطر سگته

لیکوپن Lycopene رنگ دانه طبیعی است که رنگ قرمز میوه‌هایی مانند گوجه فرنگی، پاپایا، زردآلو و هندوانه را سبب می‌گردد. یک پژوهش در فنلاند به مدت ۱۲ سال بر روی ۱۰۳۱ نفر مردهای بین ۴۶ و ۶۵ سال نشان داد که مصرف مقدار زیاد لیکوپن خطر بروز سگته را ۵۵ درصد کمتر می‌کند.

دانشنی های پزشکی



لیکوپن نوعی کاروتنوئید با اثر ضد اکسیدان می‌باشد. مطالعات قبلی نیز آشکار ساخته بود که این ترکیب همچنین در کنترل کلسترول خون ، کاهش فشارخون و مقابله با واکنش التهابی مؤثر است. پختن گوجه فرنگی با روغن بمدت کافی اثر لیکوپن موجود در آن را بیشتر می‌کند.

راهکارهایی برای پیشگیری سگته

* پائین آوردن فشارخون: افزایش فشارخون خطر بروز سگته را درزنها و مردها دوبرابر و حتی چهاربرابر بیشتر می‌کند. میزان فشارخون مطلوب سیستولیک ۱۲۰ و دیاستولیک ۸۰ یا کمتر است. برای پائین آوردن فشارخون روش‌های زیر را می‌توان بکاربرد: ۱- کاهش میزان نمک مصرفی در غذاها. حداکثر مقدار لازم ۱۵۰۰ میلی یا نصف قاشق مربا خوری.

۲- خودداری از خوردن غذاهای محتوی چربی‌های اشباع شده ۳- خوردن ۴ تا ۵ فنجان میوه و سبزی‌ها در روز، ماهی ۲ یا ۳ بار در هفته، مصرف غذاهای دانه کامل یا whole grain و لبنیات کم چرب. * کاهش وزن: چاقی احتمال بروز سگته را افزایش می‌دهد. حتی ۱۰ پوند کاهش وزن * اعتدال در نوشیدن مشروبات الکلی: مطالعات نشان داده است که مصرف مشروبات الکلی یکبار در روز (۵ اونس شراب قرمز یا ۱۲ اونس آبجو) محافظ قلب و مغز می‌باشد. ترکیب مؤثر در شراب قرمز روزوار تول است. * درمان بیماری قند: ازدیاد پیش از حد قندخون به تدریج سبب آسیب رگهای خون و ایجاد لخته در درون آنها می‌گردد. پیروی از نحوه غذائی مناسب، تحرک جسمی (ورزش کردن) و در صورت لزوم مصرف داروهای



علائم سگته

- ضعف در یک طرف بدن
- احساس کرختی صورت
- سردرد غیرعادی و شدید
- ازدست دادن بینائی
- عدم تعادل در راه رفتن



راحل

« داستان فتنه با شعار مزخرف زن زندگی آزادی از همون اول برنامه‌ریزی شده بود. مهسا امینی آموزش دیده بود.»

از فاضلاب مغز ابلهی به اسم سردار سعید قاسمی، یکی دیگر از تکخالهای برنده حاصل از تمدن و فرهنگ بی‌همتای اسلام عزیز اونم از نوع مرغوب شیعهٔ جعفری.

اینروزها سالگرد رحلت امام خمینی است، آفتابه بدستی که تگری زد به ایران و ایرانی و همچنین پس لرزه های آنهم اوضاع دنیا را بهم ریخت. کفار هم که منتظر بهانه بودند، دانسته یا ندانسته هیمه به این آتش انداختند و همان آتش به جان خودشان افتاد و تف سربالا شد. چون از اون طرف هم خوشگلها و خوش تیپ‌های وهابی برای اقامهٔ نماز خودشان به تلاش و تقلا افتادند و پارتی مرگ و بدبختی منطقه و بقیه دنیا کامل شد. حالا برخی دانشمندان بر این باورند که این یک دید دیگری از اسلام است و توسط آخوندها و ملایان و مفتی‌ها و امامان مساجد ساخته و پرداخته شده و اصلا ربطی به اسلام اصیل ندارد. قضاوتش با خودتان است. ما فقط آنچه می‌بینیم میگوییم نه کمتر بلکه خیلی بیشتر. رفتار این امت بی‌هویت و بی‌ملیت و بی‌وطن ، کاملاً مشابه با لشکریان صدر اسلام است. غارت و چپاول و قتل و سرکوب و زور و ستم. قادسیهٔ دوم در دنیای مدرن امروزی. رفتار و کردار وپندار اعراب مسلمان فاتح ایران با امت امروزی که قاطی پاطی شده، هیچ تفاوتی ندارد. دشمنی با بشریت و هر چه که غیر خودشان است. اگر مسلمان نشوند یا باید مالیات سنگین بدهند و یا کشته میشوند. امروز هم همین حرف را میزنند. دشمنی با نیمهٔ دیگر بشریت، بر مبنای قوانین بجا مانده از دورهٔ پیغمبر اکرم که هیچ همخوانی با حال و روز بقیه دنیای خارج از شبه جزیره عربستان را ندارد. این سردار سعید قاسمی ابله هم درست



راحل در یک بازار محلی در تهران

راحل در یک بازار محلی در تهران

راحل در یک بازار محلی در تهران

راحل در یک بازار محلی در تهران

راحل در یک بازار محلی در تهران

مثل همان راهزنان و شترچرانان آندوره‌است. جنبش زن زندگی آزادی حرف از حقوق بشریت و شهروندی و همزیستی مسالمت آمیز میزند، منتهی سردار ما در دایره فهم و شعورش این حرفها نمی‌گنجد. فوری داغ می‌کند و جوش می‌آورد.البته ایشان تنها نیستند، به حول و قوه الهی تعدادشان چند میلیون شده‌است. اینها همه از میراث امام راحل است که هر کسی از سیاره میمونها و پشت کوه قاف و زیر سنگ بیابان بود را بیرون آورد، اگر قرار باشد که میراث امام را بشماریم ، در حول و حوش بیست سی ورق میشود پس فقط با یکی دوتا خط آنرا خلاصه می‌کنیم. همه قیافه ها تصادفی و درب و داغون، زانثشان همه ضد زن ، همه دروغگو و حقه باز، در وقاحت و دریدگی بی‌همتا، در سرکوب و کشتار بی رقیب، در دزدی و چپاول همه استاد. جنبش مهسا برای پیشرفت و بهروزی همه شهروندان مرز و بوم ایران است ، برای شکستن دایره سخت مینای خرافات و موهومات است. بلاخره این دوگانگی فرهنگی می‌بایست در یک جایی و زمانی تمام و تکلیفش معلوم میشد. امام دجال تابلوی شکوفایی تمامی عادات و اخلاقیات پلید و اهریمنی بود. یعنی بطور همگانی همه این معتقدات در این طایفه و امت مقلد موجود است منتهی امام تافته جدا بافته بود. آنچه که امروز به اسم جمهوری اسلامی داریم یادگاری امام راحل است . البته فقط ما تنها نمی‌گوییم. بشنوید از نوهٔ ایشان حسن آقا که در سالگرد معراج ایشان بالای منبر رفت و چنین گفت: « … باید از بسیاری از نهادهای فرهنگی کشور گله کرد که نسبت به امام یا بی‌توجه هستند یا کم‌توجه، نمی‌خواهم نام بیاورم اما این نهادها یا تحلیل غلط دارند و یا توجه ندارند. بحث بر سر فرد یا شخص نیست، بلکه امام هویت تمام جمهوری اسلامی است…»

خاک ایران زنده‌است. فرهنگ احمق پرور کارش ترویج حماقت است و طبق شواهد تاریخی واجتماعی تا بحال تداوم داشته چون اصولاً هر نقدی به این مرام ضد انسانی از دید شرع مبین مردود است و جرم و زندان و اعدام دارد. جای بحث و مبادله و شورا و آزادی گفتار نیست ، همه باید مثل گوسفند دنبال آخوند و ملا بروند. برای شناسایی امت لایشعر نیازی نیست راه دور برویم. روی هر کدامشان که دست بگذاریم همه از بیخ و بن ناخرد و ندانم کار میباشند. برای نمونه همین دولت عالیجناب پرفسور رئیسی. یکی از یکی نخاله‌تر. برای حل مشکلات مردم نه هیچ راهی دارند و نه هیچ کسی که توانایی آنرا داشته باشد. بعدش فکر میکنند که اگر این برود و آن بیاید ، اوضاع درست میشود. مگر وزیر ابله آموزش و پرورش قبلی چه اشکالی داشت که اورا استیضاح کردند؟ حالا هم یک عقب افتادهٔ ذهنی دیگری را از اتوبوس پیاده کردند و قبلی را به اتوبوس فرستادند تا درایستگاه دیگری پیاده‌اش کنند. طبق گزارشات رسیده، نمایندگان طویلهٔ شورای اسلامی در جلسه علنی سه‌شنبه ۹ خرداد ۲۰۴۱ به بررسی صلاحیت رضامراد صحرایی وزیر پیشنهادی آموزش و پرورش پرداختند که در نهایت با اعتماد نمایندگان، ایشان وزیر مملکت شد. این وسط هم طبق معمول کلی جنگ زرگری راه انداختند و مثلاً خواستند ادای نمایندگی در بیاورند و بحث و گفتگو کنند. انگاری اصلا اختیاری دارند که بتوانند در این مسائل تصمیم بگیرند. ولی در همین حول وحوش هم حرفهایشان زیاد خالی از حقیقت نیست منتهی حتی حرف راست هم در این آشفته بازار آخوندی جایی برای نشستن ندارد. علی خضریان یکی از نمایندگان انتصابی تهران در مخالفت با وزیر پیشنهادی آموزش و پرورش گفت: «… با آمدن یک فرد و یک وزیر مشکلات عدیده وزارت آموزش و پرورش قابل حل نیست. با رفتن آقای نوری و آمدن فرد دیگری



نیمور شهبابی

درام القدرای اسلامی چه خبر؟

اگر بنا باشد ساختارها حفظ شود مشکلی از این وزارتخانه حل نمی‌شود و اگر قرار باشد همین مسیر طی شود چاره‌ای جز تغییر وزرا در مجلس شورای اسلامی وجود ندارد…»
بعله یعنی همین شیوهٔ مرضیه‌یی که تا بحال داشته‌اند. یا اینکه سیدعلی موسوی نماینده ملکان چنین گفت: «… آقای صحرایی از بدنه آموزش و پرورش نیست و نمی‌تواند درک درستی از این وزارت‌تخانه داشته باشد. حال این که مدیریت و سکانداری مستلزم داشتن قابلیت و توانمندی بالایی است که وزیر پیشنهادی چنین سوابقی ندارد و شباهتی به نوری وزیر سابق آموزش و پرورش دارد…»

البته از جهت ظاهری که همه از سیاره میمونها و شبیه به هم هستند و این تنها وجه اشتراکشان نیست. استاد نوری همانیست که در مورد مسمومیت فرزندان ایران گفته بود اینها همه بزرگنمایی است و مردم بیخود داد و بیداد راه انداخته‌اند، اصلا خبری نیست. اینجوری که معلوم است هیچ یک ازاین امت عزادار قابلیت و توانمندی هیچ کاری را ندارند چه برسد به وزارت و وکالت. ولی استاد رضامراد کوننده‌یی به مخالفان خود داد وپس از اخذ رای اعتماد با حضور در مرفد مطهر امام خمینی با «… آرمان‌های امام راحل و انقلاب اسلامی تجدید میثاق کرد وبا حضور بر سر مزار شهیدان رجایی و باهنر، به مقام شامخ این شهیدان ادای احترام کرد تا بار دیگر نشان دهد ، ادامه‌دهنده و تکمیل‌کننده راه و روشی است که معلمان شهید، رجایی و باهنر در راستای تربیت اسلامی و انقلابی دانش‌آموزان این مرز و بوم ، بنیان نهاده‌اند…» که شامل زندان و تبعید و آزار است. و چنین است میراث امام راحل.

دست مهر ایزد بر فرزندان دلیر ایران، روح جانباختگان شاد و آرام ، یادشان جاودانه باد. به امید آزادی ایرن از دست ضحاکان و دشمنان.

راحل

فرنجشک (**نام علمی:** **Melissa**) یا وارنگ‌بوژانام یک سرده از تیرهٔ نعناعیان است که شامل گیاهان علفی چندساله با ساقه‌های چهارگوش و پوشیده از کرک‌های غده‌دار یا کرک‌های ساده است.«در زمان باستان از این گیاه برای بیماری های عصبی، قلبی یا احساسی استفاده می شد. همچنین فرنجشک برای باروری نیز استفاده می گردید. این گیاه از ترکیبات اصلی برای تهیه آب مقدس در معابد از سوی راهبان نیز بوده است.بر طبق تحقیقات انجام شده درمرکز پزشکی دانشگاه مریلند گیاه فرنجشک در کاهش دادن استرس و اضطراب نقش بسزایی دارد. از سوی دیگر این گیاه برای بی خوابی، بهبود اشتها، کاهش درد و مشکلات گوارشی توصیه می شود.



بر اساس یک ضرب المثل عربی «به دنبال مرهم دل باش تا رحمت و شادی به سراغت آید» فرنجشک گیاهی است که منجر به کاهش اضطراب و استرس می شود و مرهم بسیار خوبی برای بیماری ضد ویروسی و فعال کردن حافظه در یادگیری مفید است.
کاربرد پزشکی:فرنجشک دارویی برای بیماری ضد ویروسی و فعال کردن حافظه در یادگیری مفید است.

استفاده کنندگان:کسانی که دچار التهاب مفاصل، افسردگی، بی خوابی و اضطراب هستند، می توانند از فرنجشک استفاده کنند.

استشمام اسانس : رایحه فرنجشک آرامبخش و منجر به تعادل روح و روان افراد می شود.

اسانس فرنجشک در یک بطری شیشه‌ای

می توان روزی سه بار به مدت یک ساعت در فضای خانه یا به‌طور مستقیم پخش و استشمام نمود.

کاربرد موضعی: دو تا چهار قطره روغن فرنجشک را می توان به طور مستقیم بر روی نقاط مورد نظر، چاکرا و مناطق انعطاف پذیر بدن استفاده کرد.

نکته: رقیق کردن روغن فرنجشک به غیر ازبرای پوست های خیلی حساس ضروری نیست.

دستورالعمل غذایی: دو قطره روغن فرنجشک را در داخل یک کپسول ریخته و روزانه سه مرتبه و در صورت نیازاستفاده کنید.

روش استخراج : قسمت هایی از گل های فرنجشک را تقطیر کرده و از آن عرق گیری میشود.

اجزای تشکیل دهنده: گرانیاال

کاربرد پزشکی؛ صمغ رزینی درختچه مرّ قوی ترین ضد پیری شناخته شده است، همچنین دارویی برای ضد تومور، ضد ویروس،ضدباکتری،ضد التهاب،ضدعفونت وضددرد توصیه می شود.

استفاده کنندگان:کسانی که دچار بیماری دیابت،سرطان،هیپاتیت،عفونت قارچی،عفونت دندان و لته و مشکلات پوستی هستند، می توانند از صمغ رزینی درختچه مرّ استفاده کنند.

استشمام اسانس : رایحه صمغ رزینی درختچه مرّ آرامبخش و منجر به آگاهی معنوی افراد می شود. همچنین رایحه این گیاه منجر به فعال شدن هیپوتالاموس مغز می شود.به طوری که منجر به تولید هورمون های بدن، هورمون رشد و حیاتی می گردد.

استشمام عطر: اسانس رایحه صمغ رزینی درختچه مرّ ، را می توان روزی سه بار به مدت یک ساعت در فضای خانه یا به‌طور مستقیم پخش و استشمام نمود.

کاربرد موضعی: دو تا چهار قطره روغن صمغ رزینی درختچه مرّ را می توان به‌طور مستقیم بر روی نقاط مورد نظر، چاکرا و مناطق انعطاف پذیر بدن استفاده کرد. نکته؛ رقیق کردن روغن صمغ رزینی درختچه مرّ به غیر از پوست های خیلی حساس ضروری نیست.

روش استخراج : صمغ درختچه مرّ را تقطیر کرده و از آن عرق گیری شود.

اجزای تشکیل دهنده:لیندستربینی(۷-۱۶درصد)،کیورزینی(۹-۳۲درصد)، فیورانوند یسما ۱ و ۳-دینی (۲۵-۵۰ در صد) ، میتو ا کسی فیورانوگراماسربینی(۱-۱۰درصد)بتا-ایلمینی(۱-۹درصد)



اسانس فرنجشک در یک بطری شیشه‌ای

ترجمه : روحپرور شیرانی

نرولی «یا درخت نارنجی تلخ از مشتقات مرکبات aurantiumsubsp. آمارا یا Bigaradia) است. بوی آن شیرین، عسلی و تا حدودی فلزی با صورت های سبز و تند است. شکوفه نارنجی نیز از همان شکوفه استخراج می شود و هر دو عصاره به‌طور گسترده ای در عطرسازی مورد استفاده قرار می گیرند.



شکوفه‌ها، معمولاً با دست، در اواخر آوریل تا اوایل ماه مه جمع می‌شوند. روغن با تقطیر بخار استخراج می‌شود. تونس، مراکش و مصر تولیدکنندگان اصلی نرولی هستند» در مصر باستان معقد بودند؛ این گیاه قادر است فکر، روح و بدن را درمان کند.

کاربرد پزشکی: نرولی «یا درخت نارنجی تلخ » دارویی برای ضدعفونت ،ضد افسردگی ، محرک گوارش و کاهش فشار خون توصیه می‌شود.

استفاده کنندگان؛کسانی که دچار بیماری فشارخون، ضد افسردگی،ضد اضطراب،بی‌خوابی و مشکلات پوستی از جمله چین و چروک هستند، می توانند از نرولی «یا درخت نارنجی تلخ » استفاده کنند.

استشمام اسانس : رایحه نرولی «یا درخت نارنجی تلخ » برای درمان افسردگی واضطراب بسیار موثر است و قدرت احساسات را به‌طور چشمگیری افزایش می دهد. همچنین رایحه این گیاه الهام بخش امید، جرات، اشتیاق ،صلح و اعتماد به نفس می شود. به طوری که شخص در لحظه بر روی هر چیزی تمرکز می کند.

استشمام عطر:اسانس نرولی «یا درخت نارنجی تلخ » ، را می توان روزی سه بار به مدت یک ساعت در فضای خانه یا به‌طور مستقیم پخش و استشمام نمود.

بقیه درصفحه ۴۸

راحل

راحل

راحل

کوتاه و خواندنی

چشمه کم نظیر

چشمهٔ کم نظیر هفت رنگ مُجن از توابع شهرستان شاهرود از نوع چشمه های گوگردی است که در ۲۵ کیلومتری شمال شاهرود در میان شکاف دره های دامنه قله ۴۰۰۰ متری شاهرود واقع شده است!



مرگ چتر ساز

در سال ۱۹۱۲ " فرنز ریشلت" خیاط و مخترع اهل اتریش که کت چتر نجات را اختراع کرده بود برای آزمایش خود را با آن از برج ایفل به پایین پرتاب کرد.

در این پرش مرگبار چتر او عمل نکرد و باعث مرگش شد.



میوهٔ عجیب

لیچی یکی از عجیب‌ترین میوه‌های جهان است که زادگاهش چین، هند و تایوان می‌باشد. پوست این میوه مانند پسته سخت، گوشتش شبیه تخم مرغ و مزه اش شبیه انگور است. قدمت این میوه به ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد برمی‌گردد. این میوه منبع غنی از ویتامین C، کلسیم، پتاسیم و فسفر است و برای درمان سرفه، زخم‌های گوارشی و استحکام بدن پیشنهاد می‌شود.

تن فروشی بخاطر وطن

در خلال جنگ جهانی دوم و تا پایان سال ۱۹۴۵، حدود ۳۵۰۰۰۰ سرباز آمریکایی ژاپن را اشغال کردند. در همان سال نیروی هوایی ایالات



متحده شهر هیروشیما و ناگاساکی را مورد بمباران اتمی قرار داده بود در همین شرایط، دولت نایبغه ژاپن یک سازمان به نام انجمن تفریح و سرگرمی برای اشغالگران ایجاد کرد و ذیل آن، فاحشه‌خانه‌های زیادی را راه‌اندازی کرد. بعد از زنان وطن‌پرست ژاپنی خواست که خودشان را به عنوان «زنان آسایش» به سربازان آمریکایی ارائه کنند! با این حيله ده‌ها هزار زن ژاپنی برای خدمت به کشور، بدن خودشان رو تقدیم دشمن کردند. البته دولت ژاپن در سال ۱۹۹۳ به خاطر نقضش در اداره فاحشه‌خانه‌ها و مجبور

کردن زنان برای خدمت به سربازان عذرخواهی کرد، ولی به هرحال این اتفاق تلخ یکی از عجیب‌ترین انواع سوء استفاده جنسی از زنان در طول تاریخ جنگ و به نحوی ظلم دولتی بود!

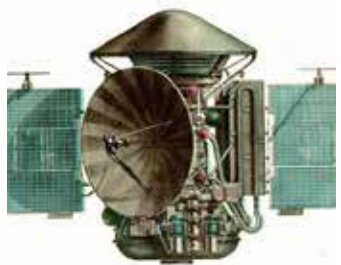
در تایلند لباس تمیز بپوشید!



تایلندی‌ها به نظافت بسیار اهمیت می‌دهند و لباس‌هایشان همیشه تمیز و مرتب است. حتی کارگرهایی که مجبورند در آب‌وهوای گرم تایلند کار کنند نیز به نظافت لباسشان اهمیت بسیاری می‌دهند. اگر با لباس کثیف در محیط‌های عمومی تایلند رفت‌وآمد کنید، کاری خلاف عرف این جامعه انجام داده‌اید و این کار شما به چشم تایلندی‌ها خوب نخواهد آمد.

اولین فضاپیمادر مریخ

در ۲۸ مه ۱۹۷۱ فضاپیمای مارس ۳ شوروی توسط یک راکت پروتون_کا به سمت مریخ پرتاب شد. هفت ماه بعد ، در دسامبر ۱۹۷۱ ، این فضاپیما برای اولین بار در تاریخ (و تنها مورد در تاریخ فضایی شوروی) بر سطح سیاره مریخ فرود آمد.



فیلیپینی در ماه می ۲۰۱۸ حدود ۱۸۸ هزار نفر بوده است.



در تصویر بالا ازدحام در یکی از زندانهای فیلیپین را می بینید.

روز « اتر»

ماساچوست جنرال (مس جنرال) اولین بیمارستان جهان در آمریکا بود که از بیهوشی استفاده کرد. «روز اتر» سالگرد این رویداد به مدت ۱۷۰سال است که در این بیمارستان درروز ۱۶ اکتبر هر سال برگزار می شود .

ایران و محصول بنز

در سال ۱۹۷۰ به پیشنهاد محمدرضا شاه که سهام دار ۲۰ درصدی کمپانی بنز بود، نوعی خودرو نظامی چند منظوره طراحی شد. این خودرو که از کلاس G بودبه حالتی جعبه مانند، اسپرت، قدرتمند و با حداکثر امنیت ساخته شد. خود ایران که پیشنهاد دهنده چنین طرحی بود به واسطه انقلاب ۵۷ نصیبی از آن نبرد، ولی در حال حاضر نیروهای مسلح ۶۳ کشور از جمله آلمان، کانادا و آمریکا از این خودرو استفاده میکنند!

آخرین مدل این خودرو مرسدس بنز ۳۰۰-GD نام دارد که تصویر آن را در گیتزبرگ مرلند واقع در آمریکا مشاهده می کنید.

در زمان حکومت شاهنشاهی ایران علاوه بر مرسدس بنز در شرکت



کروپ آلمان و همچنین پان امریکن آمریکا وبسیاری از شرکتهای صنعتی جهان سهم خریده بود که همگی بنام دولت ایران بود و نه افراد رانت خوار(بقول امروزی ها) پس ازانقلاب معلوم نشد برسر این سهام چه آمد. بعضی فروخته و برخی ملاخورشد

روستایی در بین تخته‌سنگ‌ها

مونساتو در پرتغال، بنایی است که برخلاف میلیون‌ها خانه دیگر از درون به بیرون ساخته نشده و تنها به وسیله یک سنگ به شکل خانه درآمده است. این خانه در یک منطقه کوهستانی زیبا و نه چندان دور از شهر و در سال ۱۹۷۴ ساخته شده است. سازندگان



آن تصمیم به صرفه‌جویی در هزینه‌های خود کردند و از این رو از سنگ برای ساختمان خود استفاده کردند. در حال حاضر این مکان خالی از سکنه است،

هر روزه گردشگران بسیاری از این روستا بازدید می‌کنند.

بیشترین مصرف سیب زمینی

کشور بلاروس کشوری است که مردم آن بالاترین سرانه مصرف سیب زمینی را در جهان دارند. این سبزی پرمصرف و پرکاربرد در بلاروس بسیار محبوب بوده و هر شهروند سالانه ۱۸۰ کیلوگرم از آن را مصرف می‌کند.

اگر چه مردم بلاروس از سیب زمینی غذاهای متنوعی درست می‌کنند اما پنکیک سیب زمینی محبوب‌ترین غذایی است که مردم این کشور می‌خورند. این غذا که در زبان بلاروسی «درانیک» نام دارد بسیار شبیه پنکیکی است که در دیگر کشورها یافت می‌شود اما در بلاروس انواع مختلفی با طعم‌های متنوعی از آن وجود داشته و معمولاً با یک سس

خامه‌ای ترش سرو می‌شود.



بادمجان ارمنی

تهرانی‌ها تا مدت‌ها به گوجه‌فرنگی می‌گفتند (بادمجان ارمنی) چون از ارمنستان به ایران آمده بود مردم هنوز از نامگذاری آن هم بی‌خبر بودند، کمی بعد که خبر از سوغاتی فرنگ پخش شد نام آن را گوجه‌فرنگی گذاشتند همان نامی که ماندگار شد و همه این میوه را به‌نام گوجه‌فرنگی می‌شناسند!

لباس پارس ها

لباس پارس ها ااشیا قیمتی در جهان محسوب می شد.

یونانیان همواره از لباس پارس ها به منزله اشیا بسیار قیمتی یاد کرده اند و لباس پارسی بزرگترین و گرانبها ترین هدیه شاهانه بشمار می رفت.

شهاب سنگ فوکانگ

شهاب سنگ فوکانگ در ابتدا کوچکترین نشانه‌ای از زیبایی نداشت اما برش دادن این شهاب سنگ باعث شد منظره‌ای زیبا در برابر چشم ظاهر شود. درون این سنگ آسمانی «کریستالی» شفاف و طلایی رنگ پنهان بود که از جنس ماده‌ای معدنی به نام اولیوپین ساخته شده است و از زیر، ساختاری لانه زنبوری و نقره‌ای از جنس نیکل و آهن داشت.



مادری که قاتل نبود!

کاتلین فولبیگ به عنوان «منفورترین قاتل استرالیا» شناخته می‌شد. او به اتهام قتل چهار فرزندش به زندان محکوم شده و بیست سال گذشته را در حبس سپری کرده بود تا اینکه روز ششم جون ۲۰۲۳ از زندان آزاد شد! چون مشخص شد اصلا قاتل نبوده است

فرزندان خانم فولبیگ در سنین مختلف بین ۹ هفتگی تا سه سالگی جان خودشان را از دست دادند و این ظن ایجاد شد که این مادر فرزندان خودش را خفه کرده است. با وجود اصرار بر بی گناهی، دادگاه او را به ۴۰ سال زندان محکوم کرد.



اما تحقیقات یک دانشمند اسپانیایی با کمک گروهی دیگر از پژوهشگران منجر به کشف یک جهش ژنتیکی به نام CALM2 شد و بعدا مشخص شد حداقل دو فرزند کاتلین فولبیگ بر اثر ایست قلبی ناشی از این جهش جان خودشان را از دست داده‌اند.

دو کودک دیگر این مادر هم دارای یک جهش دیگر به نام BSN بوده‌اند که از پدر به ارث می‌رسد و این هم یک جهش بالقوه کشنده است.

شغل نگهبانی زنان ادویشا

روستای ادویشای هند به دلیل نوع شغل زنان ساکن در آنجا به یکی از عجیب‌ترین مناطق جهان تبدیل شده است.

زنان این روستا از دهه ۸۰ میلادی تا به امروز با فعالیت دسته‌جمعی در شغل نگهبانی از جنگل، تعجب بسیاری از مردم جهان را برانگیخته‌اند. دلیل اصلی انتخاب این شغل از سوی زنان روستا، تمایل آنها به حفاظت از جنگل‌های منطقه است.



شتاب‌پیشرفت هوش مصنوعی

مدیرعامل دیپ‌ماینده می‌گوید: هوش مصنوعی در سطح انسان تا چند سال آینده از راه می‌رسد به گفته‌ی رئیس آزمایشگاه هوش مصنوعی دیپ‌ماینده گوگل، اولین سیستم‌های هوش مصنوعی با قابلیت‌های هم‌تراز با مغز انسان احتمالاً در سال‌های آینده از راه خواهند رسید.

دمیس حسابیس، مدیرعامل *DeepMind* توضیحاتی درباره‌ی سرعت دستاوردها در توسعه‌ی هوش عمومی مصنوعی ارائه داد. او از *AGI* به‌عنوان سیستم هوش مصنوعی پیشرفته با توانایی‌های شناختی در سطح انسانی یاد کرد.

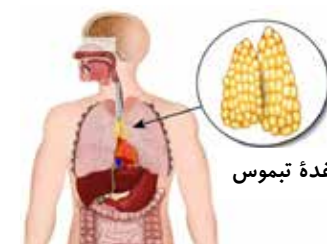


حسابیس می‌گوید: «پیشرفت هوش مصنوعی در چند سال اخیر بسیار باورنکردنی بوده است و هیچ دلیلی برای کاهش این روند نمی‌بینم. به نظر من، حتی امکان دارد سرعت رشد این روند شتاب بگیرد. بدین ترتیب، فکر می‌کنم فقط چند سال تا دستیابی به هوش مصنوعی در سطح هوش انسانی فاصله داریم.»

افزایش انرژی بدن

انرژی درمانگران معتقدند ضربه‌های آرام و متوالی روی غده تیموس، انرژی را افزایش می‌دهد. این نقطه که به نقطه شادی نیز معروف است،

باین تر از استخوان ترقوه و بالای قلب قرار دارد.



خواب و عملکرد مغز

اگر یک شب به طور کامل نخوابید مدت ۴ روز مختل خواهد شد خواب عمیق زخم‌ها و بیماری را بهبود میبخشد. در مرحله‌ی خواب عمیق، پروتئین داخل بدن برای از بین بردن هر گونه آسیب مانند سموم و مواد مضر فعالیت خواهد کرد و همین سبب می‌شود که زخم‌های تان سریع‌تر بهبود بیابند داشتن خواب عمیق می‌تواند حساسیت انسولین را افزایش دهد و به بدن کمک کند که قند خون را در خود کاهش دهد در نتیجه اگر خوب می‌خوابید احتمال کمی دارد که دیابت بگیرید.

مسواک و سرکه

میکروب‌ها و باکتریها به راحتی از مسواک آلوده به دهان راه پیدا میکنند.



در هفته یک بار مسواک خود را چند دقیقه در لیوانی پر از سرکه قرار دهید و سپس با آب داغ آبکشی کنید تا ضدعفونی شود.

قدیمی‌ترین DNA جانوری

دندان ماموت سیبریایی که بیش از یک‌میلیون سال پیش زندگی می‌کرد، حاوی قدیمی‌ترین DNA بازیایی‌شده‌ی جانوری است. رکورددار قبلی DNA هفتصد هزار ساله‌ی اسبی فسیلی بود. به گفته‌ی دانشمندان، یافته‌ی جدید نشان‌دهنده‌ی عمر بیشتر DNA است.



وحشتناک‌ترین بیماری قرن

وحشتناک‌ترین بیماری قرن یعنی «آلزایمر» که با حواس‌پرتی‌های کوچک شروع می‌شود، بر اثر مصرف شکر بوجود می‌آید!! بعضی از محققان معتقدند، تا ۲۵ سال دیگر نیمی از جمعیت میانسال کره زمین آلزایمر خواهند داشت و مرگ زجرآوری در انتظارشان است

فایده‌سیب و کرفس برای کبد

اگر کبد شما چرب شده کافی است هرروز صبح نصف لیوان آب سیب



سیرو سرطان

ترکیبات مفید در سیر می‌تواند از تشکیل مواد سرطان‌زا در بدن جلوگیری کند که این اثربخشی بر روی معده و روده بیشتر است. تحقیقات دکتر جان میلز از دانشگاه پنسیلوانیا نشان می‌دهد کسانی که به طور مرتب از سیر استفاده می‌کنند کمتر به سرطان معده و روده بزرگ مبتلا می‌شوند. براساس این تحقیق مصرف ۵ تا ۱۸ گرم سیر معادل ۲ تا ۵ قطعه کوچک از سیر خام یا پخته در هفته برای پیشگیری از سرطان مؤثر است. همچنین مصرف سیر برای سلامت قلب نیز مفید است، ترکیبات موجود در سیر می‌توانند میزان کل کلسترول خون



به ویژه کلسترول بد را کاهش دهند. این ترکیبات از تشکیل لخته خون در شریان‌ها جلوگیری می‌کنند و به این ترتیب خطر سکته‌های قلبی را نیز کاهش می‌دهند.

هلو دشمن سرطان

هلو دشمن سرسخت سرطان است. با مصرف آن از سرطان‌های سینه، پروستات، رحم و کبد جلوگیری کنید. هلو دارای ترکیبات آهن‌دار و برم می‌باشد لذا برای کبد بسیار نافع است و چهره را می‌گشاید و خوشرنگ می‌کند.

پاکسازی دستگاه گوارش

مصرف ۱۰ عدد سنجد در روز به ویژه صبح موجب پاکسازی دستگاه گوارش می‌شود. ۱۵ تا ۲۰ عدد سنجد در برنامه غذایی کودکان به خوبی موجب تقویت اسکلت بندی و مفاصل آن‌ها می‌شود.



هل سالم‌ترین مسکن دنیا

اگر کمر درد، درد عضلانی یا رماتیسم دارید هر وقت چای دم میکینید یا لای برنج یک دانه «هل» درست قرار دهید. جالب است بدانید هل ضد سرفه است، همچنین کبد و کلیه را تقویت میکند و یک مولتی‌ویتامین طبیعی به شمار می‌آید.

جنسیت جنین

اخیرا پژوهشگران یک روش جدید ارائه داده‌اند که می‌تواند جنسیت جنین را با احتمال ۸۰ درصد انتخاب کند. در این روش با بررسی چگالی اسپرم‌ها، جنسیت را تشخیص می‌دهند و اسپرم‌هایی که احتمالاً دختر یا پسر میشوند را وارد

رحم میکنند. فرق این روش با لقاح آزمایشگاهی



این است که در لقاح آزمایشگاهی جنین تا یک حدی پرورش داده میشود و بعد وارد رحم میشود. اینجا در واقع اسپرم‌ها را انتخاب می‌کنند و بقیه موارد، طبیعی انجام میشود. احتمال ایجاد نقص و بیماری هم در نوزادان خیلی کم میشود.

محکم‌ترین دندان در دنیا!!

حلزون‌ها دارای ۲۰ هزار دندان هستند و دندان‌های آنها از محکم‌ترین دندان‌ها در دنیاست که میتواند در برابر فشاری که کربن را به الماس تبدیل میکند مقاومت نماید. از مواد تشکیل‌دهنده دندان حلزون در صنعت برای محکم‌سازی بدنه کشتی‌ها و هواپیماها استفاده میشود

حلزون‌ها پا هم دارند، اما پای آنها به صورت یکسره و مانند بازو در کناره‌های بدنشان قرار دارد که دایما با تولید مواد روان‌کننده به راه رفتن آنها کمک میکنند. حلزون یکی از بهترین حیوانات خانگی محسوب میشود و برای نگهدارندگی نیاز به تراریوم و کمی صیفی‌جات به عنوان غذا دارید.

یادتان باشد حلزون از کوسه و شیر هم برای انسان خطرناک‌تر و کشنده‌تر است، چون یک ماده انگلی به نام شیتوزومیزیس دارد که سالانه ۱۰ هزار نفر را میکشد.



حلزون‌ها دوجنسیتی واقعی هستند و خودشان به تنهایی میتوانند تولید مثل کنند، ولی اکثراً به خاطر زایمان سخت میمیرند

تنهایی و بیماری‌های روحی

تنهایی، احساسی است که بیشتر مردم آن را تجربه می‌کنند؛ طبق تحقیقات اخیر پژوهشگران این پدیده با بیماری‌هایی در آینده از جمله افزایش خطر ابتلا به بیماری‌های روحی (مانند پریشانی روانی، افسردگی و آسیب به خود) یا جسمی (مانند بیماری‌های عروق کرونر قلب) در ارتباط است.

نتایج یک گروه از پژوهشگران دانشگاه لیمریک در ایرلند، نشان داده است که تنهایی، انزوای اجتماعی و زندگی مجردی می‌تواند سال‌ها از زندگی انسان‌ها کم کند. این موضوع به طور خاص در افراد سالمند نمود بیشتری دارد و افراد مسن و تنها بیشتر دچار بیماری‌های قلبی و عروقی و سکته شده و در خطر مرگ زودرس قرار دارند.



گیرنده‌های بویایی

گیرنده بویایی، نوعی پروتئین است که در غشای سلول عصبی بویایی قرار دارد و نقش اصلی را در حس بویایی انسان ایفا می‌کند. به این معنی که فعال شدن این گیرنده، سیگنالی را درون سلول بویایی به راه می‌اندازد و این روند، اطلاعاتی را به سمت مغز هدایت می‌کند و فرد بو را استشمام خواهد کرد.

موش‌ها دارای یکصد میلیون عصب بویایی هستند و سگ‌ها نیز ۲۰ میلیون گیرنده دارند، انسان فقط دارای ۵ یا ۶ میلیون گیرنده بویایی است. اما همین مقدار کافیهست تا کنترل همه زندگی خود

را بدست داشته باشد.



فیل‌های بی‌دندان می‌میرند

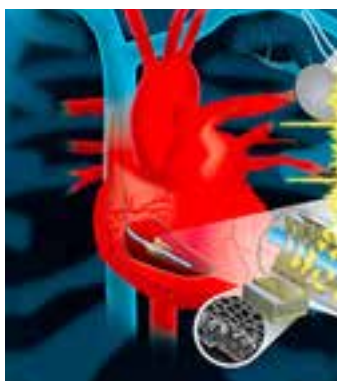
جالب است بدانید که فیل‌ها اغلب در اثر پیری و بیماری نمی‌میرند بلکه به دلیل نداشتن دندان از بین می‌روند. هنگامی که تمام دندان‌های یک فیل از بین می‌روند، او دیگر نمی‌تواند غذا را بجود، و غذا خوب هضم نمی‌شود و به همین دلیل حیوان می‌میرد.

فایده‌آه کشیدن

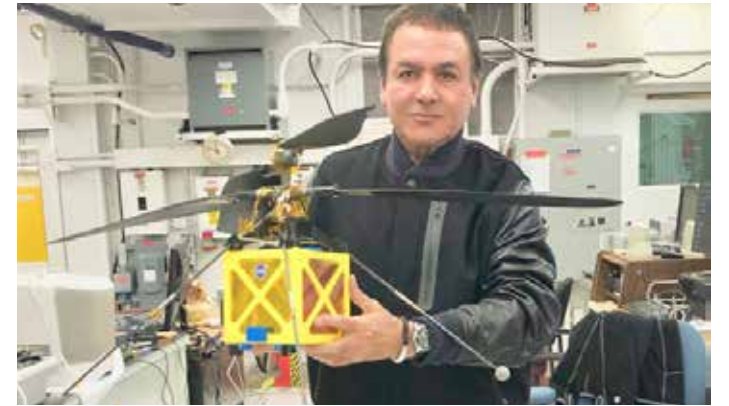
آه کشیدن فقط گاهی نشانه‌ی حسرت است و اغلب فعالیت‌های لازم و حیاتی برای بدن است که باعث بهبود عملکرد ریه میشود! هر فرد بطور ناخودآگاه در هر ساعت ۲۱ بار آه میکشد.

باطری قلب

باطری قلب از پرکاربردترین و حیاتی‌ترین ابزار در پزشکی است. «جان‌هایس» یک مهندس برق بود که تلاش می‌کرد تا هنگام سرمازدگی با فرکانس‌های رادیویی دمای بدن را به حالت طبیعی بازگرداند. طی همین فرآیند فهمید که میتوانیم از شبیه‌ساز مصنوعی برای ضربان قلب هم استفاده کنیم که همین موضوع به اختراع باطری قلب در سال ۱۹۹۱ انجامید.



مدیر پروژه های «روح» و «فرست» جاودانه شد



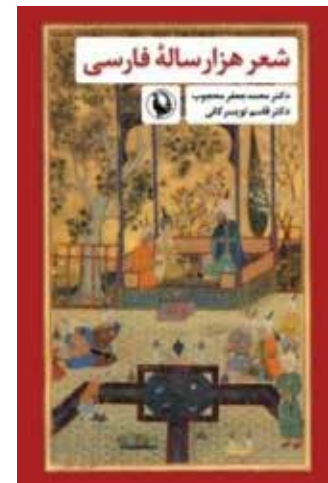
«من عاشق ایرانم؛ ریشه‌هایم به ایران بر می‌گردد و جایی است که یکی از قدیمی‌ترین و مغرورترین تمدن‌های بشری در آن شکل گرفته. از سوی دیگر بیش از دو-سوم عمرم را در آمریکا گذرانده‌ام و عاشق این کشورم. من همان‌قدر که ایرانی هستم آمریکایی هم هستم؛ این پیوند جدا شدنی نیست، درست مثل وقتی که زرده و سفیده تخم مرغ را هم زدید دیگر نمی‌توانید از هم تفکیک‌شان کنید. اما فارغ از این بحث‌ها یکی از چیزهایی که کار فضا به شما یاد می‌دهد این است که همه ما در انسان بودن‌مان مشترک و متحدیم. هر وقت که خیلی مغرور می‌شویم بد نیست برگردیم و خودمان را از فضا نگاه کنیم که فقط یک نقطه ریز در بی‌کران‌ها هستیم. از فضا همه ما زمینی هستیم و ملیت‌ها رنگ می‌بازند.»

اینها گفته‌های یکی از دانشمندان ایرانی آمریکایی است که در ۲۶ اسفند ۱۳۲۴ بانام فیروز نادری درشیراز متولد شد. در سال ۱۹۶۴ برای تحصیلات عالی به آمریکا رفت پس از گرفتن دکترا در رشته مهندسی الکترونیک در سال ۱۹۷۶ به ایران بازگشت. پس از خدمت سربازی در مرکز سنچس از راه دور ایران فعالیت کرد؛ در تابستان سال ۱۳۵۷ باز به آمریکا بازگشت و در همان سال بااستخدام ناسا درآمد.

فیروز نادری در مدت حضورش در ناسا سمت‌های مختلفی در زمینه‌های فنی و مدیریتی بر عهده گرفت. از ماهواره‌های مخابراتی متحرک، رادارهای دورسنج، رصدخانه‌های تحقیقاتی اختر فیزیک تا اکتشافات در مریخ و سایر اجرام منظومه شمسی همهمینه‌های کاری او در ناسا بودند.



کتاب «شعر هزارساله فارسی»



در نیمه نخست دهه ۱۳۴۰، دکتر محمدجعفر محبوب و دکتر قاسم تویسرکانی، دو استاد بسیار فاضل و شعرپژوه دانشسرای عالی (دانشگاه تربیت‌معلم، و دانشگاه خوارزمی بعدی) به‌اتفاق یکدیگر کوشیدند تا امکان رایزنی برای اختصاص بودجه بیشتر باز می‌شود و با چانه‌زنی‌های او پول بیشتری به پروژه تزریق می‌شود. از آن پس تا سال ۲۰۰۴ دو مریخنورد «روح» و «فرست» بر مریخ فرود می‌آیند. اوپروژه‌ی بعدی خود موسوم به آزمایشگاه علمی مریخ (MSL) را راهی این سیاره می‌کند. این آزمایشگاه که بعداً به مریخنورد کنجکاوی (Curiosity) تغییر نام داد، طبق برنامه قرار بود سال ۲۰۰۹ پرتاب شود، ولی به دلیل آماده نبودن، تاخیر خورد و نهایتاً در اواخر ۲۰۱۱ میلادی پرتاب شد و در ۶ اوت ۲۰۱۲ به مریخ رسید. نادری سرانجام بعد از ۳۶ سال فعالیت در ناسا در فوریه ۲۰۱۶ بازنشسته شد. در ۱۹ خرداد ۱۴۰۲ فیروز نادری در خیزش اخیر مردم ایران بارها از مردم حمایت کرد. اما متأسفانه آزادی ایران را ندید. فقدان او را به بازماندگانش و ملت ایران تسلیت می‌گوئیم. روانش شاد.

فرهنگ ایران عرضه می‌شود. این کتاب ازانتشارات مروارید در تهران است.

مرگ مشکوک پسر فروزان

سیامک ساجدی پسر فروزان روز ۲۳ خرداد به طرز مشکوکی از دنیا رفت و خبرهایی از سرقت اموالی همچون عتیقه‌جات به جا مانده از فروزان، لباس‌ها، کیف و زیورآلاتی که فروزان در فیلم‌ها از آن استفاده می‌کرده گزارش شده است. فروزان یکی از شاخص‌ترین زنان سینمای قبل از انقلاب بود که با بازی درخشانش در دو فیلم «دشنه» فریدون گله و «دایره‌مینا» داریوش مهرجویی تازه داشت حضور متفاوتی در سینما را تجربه می‌کرد که بعد از انقلاب ممنوع‌الکار شد و در سکوت زندگی کرد و ۶ سال پیش در سکوت هم از دنیا رفت. او تنها همین یک فرزند را داشته است. علت مرگ سیامک ساجدی تحت بررسی است.

زنان چینی در زورخانه ای در یزد



اخیراً تعدادی از توریست‌های چینی در شهر یزد به زورخانه ای رفتند تا ورزش باستانی را تماشا کنند. در بین این توریست‌ها تعدادی هم دختر وزن چینی بدون حجاب حضور داشتند. یکی از یزدی‌ها می‌گفت: « بسیار خوب است که خارجی‌ها بیایند و ورزش باستانی ما را از نزدیک ببینند. اما ترس من از این است که بدلیل ورود بانوان بی حجاب زورخانه را پلمب کنند.

لازم بیاد آوری است زنان ایرانی حتی با حجاب به هیچیک از ورزشگاه‌ها راه ندارند اما زنان چینی بدون حجاب به هر کجا که مایل باشند می‌روند و هیچکس خواستار حجاب گذاشتن

مذاکرات بی سروصدای آمریکا با ملاملاها



روزنامه آمریکایی «والاستریت ژورنال» در گزارشی اختصاصی روز چهارشنبه، ۲۴ خرداد نوشت که دولت آمریکا «بی سر و صدا» مذاکرات با تهران را در تلاش برای آزادی‌سازی زندانیان آمریکایی در بند ایران و مهار فعالیت‌های فزاینده هسته‌ای این کشور آغاز کرده است. این روزنامه در گفت‌وگو با چند مقام آمریکایی و عراقی نوشت که با از سرگیری تماس‌ها بین دو طرف، واشنگتن همچنین پرداخت ۲٫۵ میلیارد یورو معادل ۲٫۷ میلیارد دلار توسط دولت عراق برای واردات برق و گاز ایران را تصویب کرده است. این پول به دلیل تحریم‌های اقتصادی ایالات متحده نزد عراق مسدود شده بود.

جنگ سوم جهانی نزدیک است؟

رئیس جمهوری بلاروس هشدار داد در صورت شکست روسیه، همه جهان فرو خواهد پاشید. او افزود که اپوزیسیون بلاروس درصدد بهره‌برداری از شرایط حاصل از شورش یوگنی پریگورین، فرمانده گروه نظامی واگنر بودند.

لوکاشنکو اشاره کرد که تنش و اختلاف میان ارتش روسیه و گروه واگنر به طور کامل حل نشده است.

صدای آلمان: الکساندر لوکاشنکو، رئیس جمهوری بلاروس در پی شورش گروه نظامی «واگنر» علیه حاکمیت روسیه و افزایش تنش‌ها میان مسکو و غرب، احتمال آغاز جنگ جهانی را کاملاً جدی دانست.

لوکاشنکو، سه‌شنبه ۶ تیر، تصریح کرد که خطر جنگ جهانی هیچ گاه به اندازه حال حاضر قریب‌الوقوع نبوده است.



لوکاشنکو

آخرین دین و آخرت دین

آخرین دین و آخرت دین ادیان بزرگ را میتوان جدا از ادعای الهی بودن و سرچشمه در عالم غیب داشتنشان (که رد یا قبولش در محدوده این نوشتار نیست)، از جمله حرکتها و جنبشهای اجتماعی نیز به حساب آورد که باید پذیرفت در سراسر تاریخ جا پای ظهور و حضورشان به شدت پررنگ و نشان دار بوده است. یک جنبش اجتماعی بنابر دانسته ها دارای چند ویژگی است که آن را از اعتراضات و اغتشاشات و اقدامات پوچ انگار متفاوت میسازد. جنبش اجتماعی دارای آموزه ها و گفتمانهای مشترک میان طرفدارانی است که بسوی هدف خاصی حرکت میکنند. همچنین حرکتهای اجتماعی یا رو به جلو میروند و یا عقبگرد و بنیانگرا هستند. جنبش اجتماعی به ناگزیر نیازمند رهبری کاریزماتیک با عملکردی همزمان عقل گرا و یا گروهی از رهبران است که جنبش را به صورت منسجم هدایت نمایند و در آخر اینکه تضادها، تبعیضها و شکافهای اجتماعی هستند که جنبش را به وجود می آورند.

دست روزگار ما است که سران و طرفدارانش اگر به ماهیت پویایی و تغییرپذیری هر جنبش پی نبرده باشند، محکوم به فراموشی و بدنامی میشوند و آنانکه به حرکت های نوین و کارآمد پیوستند و براساس درک درست از جریان پوست اندازی جنبش ها حقیقتاً و نه از روی تلون مزاج و منفعت جویی، راه خود را تصحیح کردند در حافظه تاریخی و اجتماعی ایران تاثیر و نام مناسبی خواهند داشت.

از سوی دیگر همانگونه که گفته شد جوامع دینی نیز در ابتدای ظهور آن دین، به نوعی ویژگیهای یک جنبش و حرکت اجتماعی را از دید جامعه شناسختی و نه صرفاً دینی، از خود نشان میدهند و به همان ترتیب قصد دارند به هدف خود دست پیدا کنند و ماموریتی را به انجام برسانند. این اهداف را تا جاییکه به بحث های استدلالی و غلط یا درست بودن آن نخواهیم وارد شویم میتوان در دو دسته بندی: رستگاری روحانی فرد و خوشبختی دنیوی انسان قرار داد. در تاریخ همه ادیان میتوان کمابیش به شواهدی برخورد و اشاره نمود که این خواسته ها در مقاطعی از زمان و به طور نسبی به انجام رسید و گرچه میشود با استفاده از ضرب المثل «با یک گل بهار نمیشود» به مخالفت با این ادعا برخاست ولی منصفانه این است که بپذیریم ادیان نشان دادند در خیلی موارد میتوانند در زندگی بشری و روند تکامل آن ولو به قدر نمونه هایی اندک ولی درخشان نقش موثری داشته باشند. اما از مهمترین دلایل در عدم توفیق ادیان در بلند مدت، ریشه اش در مخالفت رهبران دینی با دینامیزم جنبشهای اجتماعی و مراحلی است که برشمردیم و اصلی ترین آنها ماجرای متعصبانه واشتباه ابدی دانستن و بی زوال انگاشتن دین و تغییرناپذیری آن بوده است: آخرین دین.

انگیزه اصلی از اینگونه برداشت و توجیه غلط و ناموجه را میتوان میل به ادامه تسلط و حاکمیت بر دینداران و

سودجویی مالی و دنیوی و نیز شراکت در قدرت حاکمان توسط علما و روسای دینی دانست. جنبشهای اجتماعی دینی که به نام خداوند و با رهبری پیامبران، خواهان برابری، برادری، عدالت، محبت، اتحاد و دیگر سجایا و فضائل برای عالم انسانی بودند با این شبهه و تعبیر که آخرین دین هستند و یا موعودی «آخرالزمانی» دارند از کارایی و اثرگذاری و فرهنگ زایی ابتدایی به کلی دور افتادند و به خلاف وعده هایشان عمل نمودند. گمان نرود که این کجروی و عاقبت نافرجام منحصر به یک دین خاص بوده است بلکه همه ادیان در این مسیر افتادند و خود و جهانیان را به گرفتاری عظیم انداختند و دین را ناکار کردند: آخرت یک دین.

اما برای اثبات این ادعای گزاف یعنی آخرین دین بودن، چگونه استدلال و زمینه سازی میکردند؟ اولین شیوه مرسوم را «تحریر» مینامند که برخلاف تصور رایج عامه معنای آن تغییر دادن در متن کتب مقدسه نیست بلکه تحریف یعنی «دگرگون کردن یا برگرداندن معنی اصلی» به این ترتیب که روسای دینی با استفاده از اختیارات و مقام «عالم» یا «روحانی مقدس» بودن، گلام الهی را آن گونه که میخواستند برای مومنین توجیه و توصیف میکردند و پیروان هم بی گفتگو و تحقیق حرف ایشان را حجت میدانستند. این «تحریر» در مقابل روش دیگر از تفسیر قرار میگردد که «تأویل» نام دارد و بنابر اغلب دیدگاههای اصیل دینی تأویل کار هر شخصی نیست و ممکن است به تحریف کشیده شود. به هر حال مقصود آنکه با تحریف معانی آیات، دین خود را آخرین جلوه دادند تا دستگاه قدرت و منفعت پا برجا بماند. شیوه دیگر این بود که برای حمایت و تقویت این دیدگاه «دین نهایی» متوسل به جعلیاتی به نام «روایات» گشتند تا دیگر مجالی برای مخالفان

این تفکر باقی نماند و نیز باز چنانچه روایتی درست هم میبود آن را تحریف به دلخواه خود میکردند. روایات نیز در همه ادیان دیده میشود و مختص به یک دین نیست و ناگفته پیداست که چقدر میتواند نامعتبر و محل تردید و ابهام باشد. سومین راه برای اثبات آخرین دین بودن در نزد به ظاهر علما و روسای دینی، به آخر زمان کشاندن یا تأویل نادرست از نشانه ها یا آیاتی در کتب مقدسه بود که میتوانست به معنای استمرار ظهور ادیان و پیامبران بعدی در نزد مومنان باشد. درباره معنای آخرزمان، تفسیر و تعبیر ایشان آنچنان بود که با آمدن موعود به جهان، گویی دنیا به آخر رسیده و کسی به روی زمین باقی نمانده و آنگاه مردگان در پیشگاه خداوند زنده شده و به مجازات یا پاداش اعمال میرسند و عدالت ابدی جاری گشته و بنابراین دیگر نیازی به دین یا جنبش اجتماعی بعدی باقی نمیمانند و این در حالی است که مومنان دیانت بعدی با برداشتی منصفانه تر و عمیق تر از همان آیات میتوانند مفهوم آخر زمان را به پایانی بر دوره اثرگذاری دیانت قبل و ظهور جدید پیامبر خودشان تعبیر کنند. بدون آنکه بخواهیم وارد مباحث استدلالی دینی شویم تنها به این نکته میتوان اکتفا کرد که خوانش ها و تفسیرهای دین جدید نسبت به کتاب مقدس دیانت قبلی و اثرات آن به اندازه کافی قوی و جذاب بوده است که بر عدد مومنان دیانت جدید بیفزاید و به عنوان مثال جامعه وسیع مومنان مسیحی را پس از دیانت یهود خلق کند و یا جامعه گسترده بهایی را پس از اسلام، زنده و پویا نگاه دارد.

به هر روی، درک این مفهوم که جهان و آنچه در اوست به اصطلاح حکمای قدیم حرکتی جوهری و ذاتی دارد و ایستایی و عقبگردی در کار نیست، در هر شاخه از زمینه های انسانی همچون تربیت، هنر، سیاست بقیه در صفحه ۴۸



تایتانیک استرالیایی

در سال ۱۹۰۹ میلادی، ۳ سال پیش از غرق شدن کشتی تایتانیک، یک کشتی عظیم استرالیایی که بعدها لقب تایتانیک استرالیایی گرفت، با ۲۱۱ سرنشین از شهر سیدنی به مقصد لندن حرکت کرد و بنا بود اول به کیپ تاون برودولی این کشتی در بین راه به علت توفانهای شدید ناپدید شد. لاشه این کشتی ۹۰ سال بعد در سال ۱۹۹۹ در اعماق دریا پیدا شد. اینشان آنچنان بود که با آمدن موعود به جهان، گویی دنیا به آخر رسیده و کسی به روی زمین باقی نمانده و آنگاه مردگان در پیشگاه خداوند زنده شده و به مجازات یا پاداش اعمال میرسند و عدالت ابدی جاری گشته و بنابراین دیگر نیازی به دین یا جنبش اجتماعی بعدی باقی نمیمانند و این در حالی است که مومنان دیانت بعدی با برداشتی منصفانه تر و عمیق تر از همان آیات میتوانند مفهوم آخر زمان را به پایانی بر دوره اثرگذاری دیانت قبل و ظهور جدید پیامبر خودشان تعبیر کنند. بدون آنکه بخواهیم وارد مباحث استدلالی دینی شویم تنها به این نکته میتوان اکتفا کرد که خوانش ها و تفسیرهای دین جدید نسبت به کتاب مقدس دیانت قبلی و اثرات آن به اندازه کافی قوی و جذاب بوده است که بر عدد مومنان دیانت جدید بیفزاید و به عنوان مثال جامعه وسیع مومنان مسیحی را پس از دیانت یهود خلق کند و یا جامعه گسترده بهایی را پس از اسلام، زنده و پویا نگاه دارد.



اولین پاپ غیر ایتالیایی

پاپ جان پل دوم، اهل لهستان، نام واقعی، کارول و جیتلا بود، و در سال ۱۹۷۸ به مقام پاپ نایل شد پس از ۴۵۵ سال این اولین بار بود که یک غیر ایتالیایی به این مقام دست مییافت

در سال ۱۹۸۱ یک فرد ترک تبار بنام مهمت علی آکا او را در میدان سنت پیترز ترور میکند ولی پاپ فقط زخمی میشود و پس از شفا یافتن با مهاجمش ملاقات کرده و او را مورد عفو قرار میدهد.

وی در سال ۱۹۸۴ میلادی در سن ۸۵ سالگی در گذشت.



قرآن کم حافظ

* اول آسمان را آفریدیم، بعد زمین را (نازعات / ۲۷-۳۰)
* اول زمین را آفریدیم، بعد آسمان را (سوره بقره - / ۲۹)
ما نفهمیدیم بلاخره کدامشان اول آفریده شدند.

میان ماه من با ماه گردون

کره ماه تقریباً ۵۰ برابر کوچکتر از زمین است. بخش بزرگی از ماه برای ما همیشه تاریک و ناشناخته است. فاصله زمین تا ماه ۳۸۲ هزار کیلومتر و در نزدیکترین فاصله ۳۶۰ هزار کیلومتر میباشد. بخاطر نبودن اتمسفر، در ماه باد و باران و برف وجود ندارد ولی در برخی جاهای آن مقدار کمی آب یافت شده است.



ترجمه و تدوین: بهمن چهاردهی - لندن

جسته و گریخته

قصاب ناب محمدی

نشریات ایران اخیراً «خبر دادند» که یک قصاب مشهور ایرانی و ظاهراً خیلی مذهبی، به نام حاج ابوالفضل که چند بار به حج سفر کرده بود، به علت فروش گوشت الاغ به جای گوشت گاو دستگیر شد و بزودی محاکمه خواهد گردید.

بزرگترین موجود کره زمین

بزرگترین موجودی که در کره زمین میزیسته، نوعی دایناسور بود بنام «تیتانوسور» (Titanosaurus) که قامت آن حدود ۴۰ متر و وزن آن ۷۷ تن یعنی ۷ برابر فیل های غول پیکر آفریقایی بوده است. تیتانوسور گیاهخوار با گردن بسیار دراز و کله ای کوچک، حدود ۷۰ میلیون سال پیش در کره زمین زندگی میکرد.



تا ۳ نشه

* شی چین پینگ، رهبر قدرتمند چین در انتخابات چندی پیش برای سومین بار متوالی، رییس جمهور چین شد.
در این انتخابات یکنفره وی بدون رای مخالف و ممتنع، با ۲۹۵۲ رای موافق به این مقام رسید.

یعنی چین با جمعیت بیش از ۱/۵ میلیارد نفری حتی یک رقیب نمایشی و مصلحتی برای او جور نکرد.



آخرین اعدام

بزودی زندگی یک زن انگلیسی بنام «روت الیس» با نام رقص با بیگانه، فیلم سینمایی خواهد شد.
روت الیس زنی با موهای نقره ای، آخرین زنی است که در انگلستان اعدام شد.
او که در یک دیسکوتک کار میکرد، دوست پسر خشن و بیرحمش را با گلوله کشت و در ۱۳ ژوئیه سال ۱۹۵۵ در ۲۹ سالگی به دار آویخته شد.
قانون اعدام در انگلستان در سال ۱۹۶۶ میلادی لغو شد.

گفته های شنیدنی

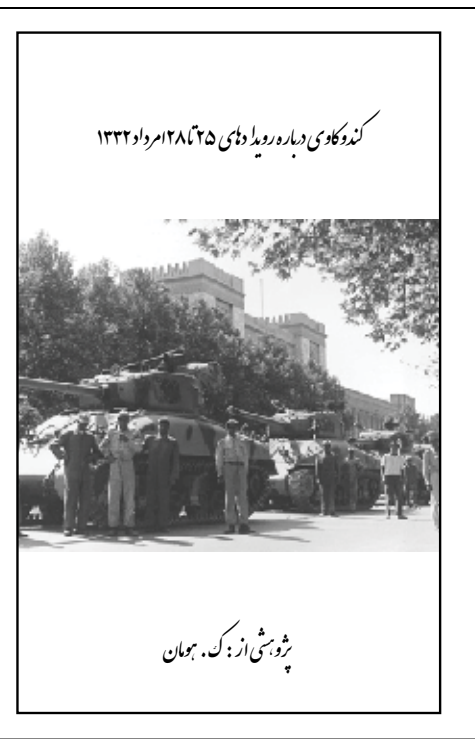
* علم اگر اشتباه کند، اشتباهش را میپذیرد، اما مذهب یون شما را میکشد تا ثابت کنند که دین هرگز شتباه نمیکند.

برتراند راسل

* دروغی که یکبار گفته شود، همیشه دروغ نامیده میشود ولی دروغی که ۱۰۰۰ بار گفته شود، واقعیت شمرده میشود.

ژوزف گوبلز - رییس تبلیغات آلمان نازی

معرفی برخی از کتاب‌هایی که همکارمان آقای ک. هومان منتشر کرده‌اند و برای آشنائی جوانان ایرانی با پیشینه تاریخی خود بسیار مفید است



کندوکاوی دپاره رویه دای ۲۵ تا ۱۲۸۱ هجری و ۱۳۳۲

پژوهشی از: ک. هومان



رضاشاه

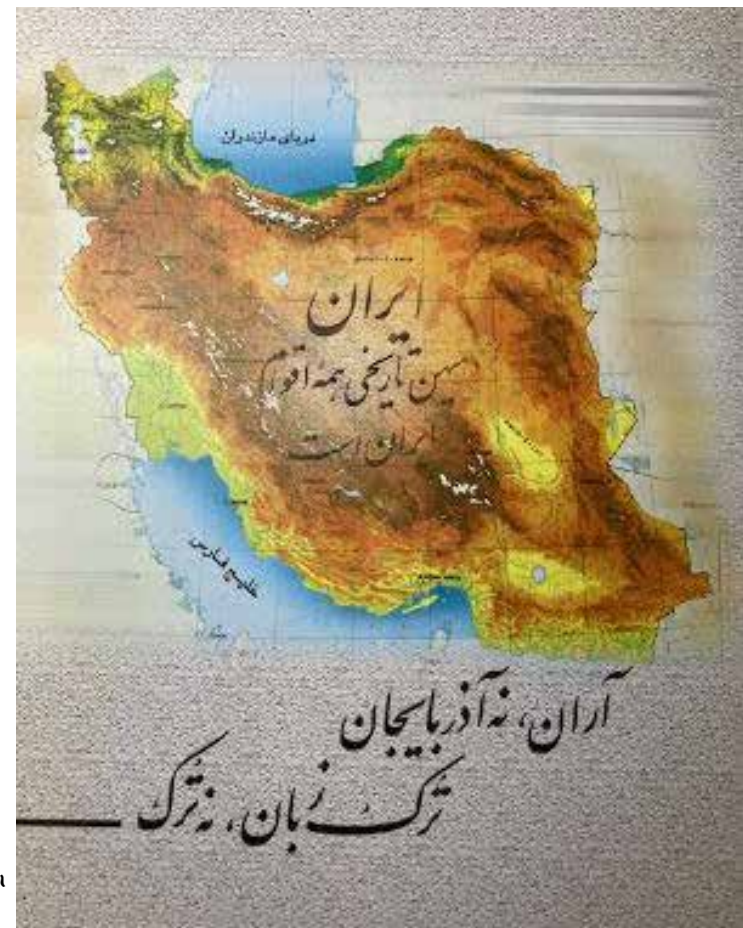
آینه‌ی اسناد

تکاش: ک- هومان



برآیند انقلاب های خنجر

پژوهشی از: ک- هومان



برای خرید کتابهای پژوهشگر تاریخ ایران آقای ک- هومان می‌توانید با ایمیل ایشان به آدرس زیر تماس بگیرید:

khooman209@gmail.com



از: ک- هومان

تالبه پرتگاه

داستانی با بُن مایه ای از رویدادی راستین

قسمت شانزدهم

است بامن بی ستاره ویی نام و نشان ازدواج کند، نکند آنقدر زشت رواست که تاکنون کسی حاضر نشده همسر او شود و یا عقل باخته ای است که به من رو آورده است، وانگهی این جوان ثروتمند چگونه در این بازار گرم زیبا رویان با داشتن خانواده های سرشناس، من یک لاقبا را با آنهمه پیشینه پیدا کرده و به خواستگاری من آمده است!؟

-- اتفاقاً این جوان هم خوش بروروست و هم خوش اندام و هم خوش پوش . -- مادام شمارا به هرکسیکه دوست دارید، این وقت شب بامن شوخی نکنید، میدانم که می خواهید دلم را در برابر آنهمه ناراحتی ها ورنجها بی که کشیده ام، خوش سازید، شما را خدا اینطور نیست؟

-- نه دخترم، نه عزیزم، باتو شوخی نمی کنم که آنهم اگر شوخی باشد، شوخی بسیار بی موقع و خنکی است، بگذار این حقیقت را نیز به تو بگویم ، اگرچه باز ازدواج تو، من گل سرسبد کارکنانم را از دست خواهم داد، اما به خاطر تعهد و دبستگی که نسبت به تو پیدا کرده ام خوشبختی و آینده ی روشن تورا از ته قلب خواهانم، خیال نکن که در تو مزایایی نیست، توهم دارای مزایای زیاد می باشی که پول و ثروت در برابر آن کم مقدار است، همه اش به خود نیچ که پیشینه ی مطلوبی نداری، آنچه که بر سرت آمده یک تضاد نامطلوب بود که تو در رخدا د آن هیچ نقشی نداشتی، صداقت و رفتار خوب و اندام موزون چهره ی زیبا و دوست داشتنی تو که هر مرد گوهر شناسی را مجذوب میکند، از مزایایی هست که توداری و تورا شایسته ی دسترسی به یک زندگی آرام و دلخواه کرده است، خودت را دست کم نگیر.

-- شما را خدا اینهمه مرا شرمنده لطف تان نکنید، حُسن نظر تان را نسبت به خودم به خوبی میدانم، اما بالاخره نگفتید این جوان دارای همه جور محسنات کیست، -- آری درستی شنیده ای، همینطور است.

-- فکر میکنم دارید سربه سر من می گذارید، آخر کدام جوان ثروتمند که دارای سجایای اخلاقی هم باشد، حاضر

بیبی و سر و سامانی بگیری؟ -- مسلماً اگر کسی را بشناسم و یا کسانی را که شما می شناسید و مطمئن شوم که برای باردیگر به دام فریب نخواهم افتاد، چرا نه؟ نمی دانید وقتی که بچه ای را در آغوش مادرش و یا همراه او می بینم، چقدر متأثر و متأسف می شوم از اینکه چرا من این چنین بختی ندارم، با همه ی اینها اگر بتوانم به تحصیلاتم ادامه بدهم که قرار است یکماه دیگر در یکی از دانشگاه های این شهر نام نویسی کنم، بهتر خواهد بود .

-- به شرط اینکه خواستگارت با ادامه تحصیل تو موافق باشد چه میگویی؟ -- اگر کسی باشد که بتواند نظرم را جلب کند و پس از ازدواج با ادامه تحصیل من موافق باشد، فکر میکنم یکی از خوشبخت ترین زنان جهان خواهم بود!

-- نه نه ، هرگز، در کنار شما بودن یکی از بهترین دقایق زندگی من است، نگرانی من از برای شماست که در پی کار سخت روزانه از بامداد تا نیمه های شب، به جای استراحت می خواهید با من صحبت کنید، یقیناً باید مطلب بسیار مهمی باشد که بدون حضور دیگران می خواهید با من در میان بگذارید، شاید شکایت یکی از مشتریان امزن باشد که نخواستید در حضور دیگران مطرح کنید.

-- او، نه نه ، عجله نکن، قرار بود ضمن نوشیدن قهوه با هم گفتگو کنیم، اجازه بده نخست قهوه را آماده کنم و پس از آن ابراز مطلب کنم.

-- امیدوارم خبر خوبی باشد، نکند از سوی مختار پیامی دریافت کرده اید. -- البته خبر خوبی است ولی نه درباره مختار.

مادام دقایقی بعد، فنجانی پراز قهوه را در برابر پروانه روی میز قرار میدهم و میگویم: حال برویم بر سر بیان مطلب، اگرچه دیر وقت شب است و پس از کار سخت و سرپایی روزانه نیاز زیاد به استراحت و خوابیدن داری، شاید خوردن قهوه برای بیدار ماندن کمک کند.

-- نگران خواب و خستگی من نباشید، همانگونه که قبلاً گفته ام لحظاتی را که در کنار شما باشم از بهترین ساعات عمرم خواهد بود، بفرمایید بگویم تا هر چند مدت که به درازا بکشند، تظاهر فردا برای خوابیدن وقت دارم .

-- آیا دلت می خواهد ازدواج کنی، و از این زندگی سرد و غمگین بیرون

کارکنان از جمله پروانه پس از خداحافظی با مادام در حال ترک کردن رستوران بودند، مادام به پروانه گفت عزیزم چند لحظه تأمل کن مطلبی است که باید با تو در میان بگذارم، اما اجازه بده برای رفع خستگی هر دو توی مان از کار روزانه قهوه ای دم کنم، شاید حرفمان کسی به درازا بکشد، امیدوارم از اینکه دارم وقت استراحتت را می گیرم ناراحت نشده باشی.

-- متأسفم و باتو همدردی می کنم، یکاش علت رفتنت را به امریکا به من می گفتی، آنچه را که درباره ی آقای شایان گفتی دلم می خواهد با این انسان روشن بین و فرهیخته روابط خانوادگی داشته باشیم، مصاحبت با این چنین کسان غنیمت است.

-- راستش چندبار تصمیم گرفته بودم علت رفتنم را با تو در میان بگذارم اما با آن حال و هوایی که داشتم ترسیدم با اصرار خودت مرا از سفر منصرف کنی، وگرنه من ویدر و مادرم با شماها از این حرفها نداشتیم و نداریم، به هر حال اگر فکرمی کنی اشتباه کرده ام باز هم پوزش می خواهم . ضمناً یکی دوروز دیگر در دیداری که قرار است با آنان داشته باشم، اگر خواسته باشی می توانی همراه من باشی و برای روابط تان با هم صحبت کنید، اتفاقاً رأی تورا می پسندم، منم آنچه را که باید درباره ی شماها بگویم خواهم گفت، حال برویم بر سر داستان شوکت خانم.

-- اجازه بده اول شام بخوریم ، چون احتمال دارد چند لحظه دیگر بانو جان بیاید و بگوید: آقا فرامرز خانم می گوید بفرمایید شام، بعد از خوردن شام به دنباله ی داستان پروانه را عرض خواهم کرد.

-- جالب اینکه تا این عبارات از دهان فرامرز خارج شد، صدای بانو جان را از پشت در اتاق شنیدیم که گفت: آقا فرامرز خانم می گوید بفرمایید شام، که سبب خنده ما برای لحظاتی شد .

-- پس از خوردن شام و شب به خیر گفتن پایدر و مادر و خواهر فرامرز، هر دو به اتاق کذا رفتیم و فرامرز در دنباله ی داستان پروانه گفت: مادام هلن شب روز بعد از دیدار با جمیل ، زمانیکه رستوران تعطیل شده بود زمانی که

آقای شایان باز نشسته شده و خواهر روایا نیز پس از دریافت دانشنامه در رشته ادبیات ازدواج کرده و با همسر و بچه اش به خاطر کار همسرش ، در اصفهان زندگی می کند.

-- به راستی عجب سر نوشتی، آدم دلش خیلی می سوزد، که یک جوان شایسته با آنهمه آرزوها، ناکام به زیر خاک برود، من که حالم از این داستان سخت گرفته شد، وای به حال تو از این بدبختی و ولطمه بزرگ، خوشحالم که دوام آوردی!

-- دوست خوبم قرار بود ازدادستان شوکت خانم بگویم، اما ما را کشانندی به شرح داستان غم انگیز خودم!

-- متأسفم و باتو همدردی می کنم، یکاش علت رفتنت را به امریکا به من می گفتی، آنچه را که درباره ی آقای شایان گفتی دلم می خواهد با این انسان روشن بین و فرهیخته روابط خانوادگی داشته باشیم، مصاحبت با این چنین کسان غنیمت است.

-- راستش چندبار تصمیم گرفته بودم علت رفتنم را با تو در میان بگذارم اما با آن حال و هوایی که داشتم ترسیدم با اصرار خودت مرا از سفر منصرف کنی، وگرنه من ویدر و مادرم با شماها از این حرفها نداشتیم و نداریم، به هر حال اگر فکرمی کنی اشتباه کرده ام باز هم پوزش می خواهم . ضمناً یکی دوروز دیگر در دیداری که قرار است با آنان داشته باشم، اگر خواسته باشی می توانی همراه من باشی و برای روابط تان با هم صحبت کنید، اتفاقاً رأی تورا می پسندم، منم آنچه را که باید درباره ی شماها بگویم خواهم گفت، حال برویم بر سر داستان شوکت خانم.

-- اجازه بده اول شام بخوریم ، چون احتمال دارد چند لحظه دیگر بانو جان بیاید و بگوید: آقا فرامرز خانم می گوید بفرمایید شام، بعد از خوردن شام به دنباله ی داستان پروانه را عرض خواهم کرد.

-- جالب اینکه تا این عبارات از دهان فرامرز خارج شد، صدای بانو جان را از پشت در اتاق شنیدیم که گفت: آقا فرامرز خانم می گوید بفرمایید شام، که سبب خنده ما برای لحظاتی شد .

-- پس از خوردن شام و شب به خیر گفتن پایدر و مادر و خواهر فرامرز، هر دو به اتاق کذا رفتیم و فرامرز در دنباله ی داستان پروانه گفت: مادام هلن شب روز بعد از دیدار با جمیل ، زمانیکه رستوران تعطیل شده بود زمانی که



انسان گرایی در ایران و جهان

*شعر شیمبورسکا، نمونه مکتب مدرنی است به نام لیبرال هیومنیسم (*Liberal Humanism*) که انسان جایگاه خویش را پیدا می کند. به حدی که کوچکترین موضوعاتی که او را خوشحال می کنند در اثرش بیان می کند

- من دوست دارم مهر و محبت را همیشه ارج نهم نه هنگامی که سال روزی در پیش است.
- فلاسفه اخلاق که به من هیچ نوع قولی را نمی دهند من مقدم می دانم...
- من دوست ندارم بپرسم « چه وقت» و «چه مدت دیگر»
- من دوست داشتن با زیر کی را به دوست داشتن با سادگی ترجیح می دهم.
- من زندگی را بدون یونیفرم دوست دارم
- من کشور های فتح شده را بر کشور هایی که فتح می کنند ارج می نهم
- بهتر است انسان کمی محتاط باشد
- شلوغی خیلی بهتر از نظم و ترتیب است
- داستان های گریمز * (۵) بهتر از اخبار صفحه اول روز نامه ها هستند
- من برگ بدون گل را از گل بدون برگ بیشتر دوست می دارم.
- سگی که دمش کوتاه نشده جذاب تر است.
- چشم رنگ روشن خوب است زیرا چشم خودم تیره رنگ است.
- من ترجیح می دهم میز کارم کشوداشته باشد.
بسیار چیز های دیگر هستند که دوست دارم ولی در اینجا نوشتنم و این ها را ترجیح می دهم به خیلی نا گفته های دیگر
- عدد صفر عدد خوبی است تا زمانی که برای کاری مخفی مثل

«گد» به کار نرفته باشد
- زندگی حشرات جالب تر از زندگی ستاره ها هستند
- من دوست دارم بزنم به تخته از پرسیدن «چه مدت دیگر» و «چه موقع» دوری می کنم
- من دوست دارم به خاطر داشته باشم که زندگی دلیلی برای وجود داشتن دارد.

زمانی که شونگن از موضوعات شخصی می نوشت زمانی بود که انسان و فکرش بی اهمییت بودند. تنها موضوع مهم دین و ستایش خدایگان چند گانه و بعد ها خدای یکتا بود. کلیسا و مسجد ذهن انسان ها را در قرون وسطی پر می کرد. تا اینکه در سده سیزدهم و بعد ها در سده شانزدهم میلادی «رنسانس» اروپا اهمیت را به انسان داد و ادبیات از انسان ها و احساسات و روابط آن ها نوشت. برای مثال نمایشنامه های شکسپیر هیچ ربطی به دین ندارند و احوال انسان ها را مطالعه می کنند.

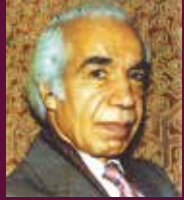
اکنون پرسش این است که چگونه شونگن نوشته های شخصی در سده دهم داشت؟ چگونه آن ها به دور ریخته نشدند و جمع آوری شدند؟ در دوره رمانتیک ادبیات در انگلستان (سده نوزدهم) فیلسوف و شاعر و منتقد فرهنگ به نام متیو آرنولد (*Mathew Arnold*) آزادی بر رسی انسان ها را تشویق می کند زیرا اینگونه جستجو را واقعی می بیند. او جستجو در مقدسات را کاری بیهوده و افسانه ای می نگیرد

که از آن به بعد پرسش ها در مورد وجود مقدسات آغاز شده و بسیاری با پژوهش به راه افسانه ای پایان داده و به دانستن واقعیاتی چون خود، محیط زیست و طبیعت می پردازند. علم راهبر آنان می شود. شاعران دوران رمانتیک مانند وردزورس خدا را در طبیعت می بینند و نه در کلیسا و مسجد. این عشق به فرد شناسی از آن پس جان می گیرد و روز بروز برای بسیاری جذاب تر می گردد.

شعر شیمبورسکا نمونه چنین مکتب مدرنی است به نام لیبرال هیومنیسم (*Liberal Humanism*) که انسان جایگاه خویش را پیدا می کند. به حدی که کوچکترین موضوعاتی که او را خوشحال می کنند در شعرش بیان می کند. سده بیستم و بیست و یکم انسان ها را جشن می گیرد و به احساساتشان اهمیت می دهد. شعر افشین حاجی پور «برای» دنیا را در ۲۰۲۲ دگرگون کرد و هنوز آن دگرگونی شعله ور است. او خواسته های مردمش را با روشنی بیان کرد و در سراسر جهان به زبان های گوناگون خوانده شد. شعر حاجی پور حرکت زنان ایران را نیرو داد و جایزه گرمی را در ششم فوریه ۲۰۲۳ از آمریکا دریافت نمود. حرکت «لیبرال هیومنیسم» در این شعرها و در جنبش زنان ایران واقعییت درون انسان ها را به زبان می آورد.

شیمبورسکا شاعره لهستانی در ۱۹۹۶ جایزه نوبل برای ادبیات بقیه در صفحه ۴۹

یادی از استاد نظام وفا



تادلی آتش نگیرد حرف جانوزی نگوید
حال ما نخواستی اگر از گفته ما بچوکن

شادروان استاد نظام وفا

هنگامیکه در دبیرستان بدریه واقع در خیابان عین الدوله تهران به تدریس اشتغال داشتم مفتی ای دوروز استاد نظام وفا در آن دبیرستان برنامه داشتند و ادبیات تدریس می کردند. برای من بسیار باعث خوشوقتی و افتخار بود که زنگ تفریح را در دفتر دبیرستان در حضور معلمین بخصوص استاد نظام وفا مصاحبت ایشان را داشته باشم. همانطوریکه مرسوم بود زنگ تفریح دبیرستانها بیش از ده دقیقه بطول نمی انجامید و آن هم برای اینکه معلمین فقط بتوانند نفسی تازه کرده و یک استکان چای بنوشند و بعد آماده کلاس دیگری شوند.

روزهائی که استاد نظام وفا پس از کلاس هنگام زنگ تفریح به دفتر دبیرستان می آمدند محضر استاد بقدری دلنشین و آموزنده بود که زنگ تفریح به نیمساعت یا بیشتر ادامه می یافتو خانم صفا ریاست دبیرستان هم باآنکه مدیری منظم و در اجرای مقررات مدرسه بسیار سخت گیر بود با احترام استاد نمی توانست سخنی ابراز دارد و شاگردان دبیرستان هم از این موقعیت استفاده می کردند و برای نو باوگان هم فرصتی بدست می آمد که دور از مقررات کلاس و درس، زمان بیشتری را در صحن دبیرستان به تفریح بگذرانند. همچنین برای معلمین هم وقت بیشتری می گذشت که در محضر استاد نظام وفا بمانند و از وجود ایشان کسب فیض نمایند. بگفته شاعر:

درس معلم ار بود زمزمه محبتی
جمعه به مکتب آورد طفل گریز پای را
نظام وفا فرزند ارجمند مرحوم شکست. اما این سوزوساز گرمی

میرزا محمود خان امام جمعه کاشان در سال ۱۲۶۶ شمسی در «آران» کاشان متولد شد. در آن موقع آن مرد شریف که خود عالم و دانشمندی گرانمایه بود، هیچگاه نمی توانست بیاندیشد که فرزند او روزی از استادان بنام و ادبای بلند مرتبت و مایه افتخار ایران خواهد شد.

مدت هشت سال از تولد این پسر گذشت. در این مدت کم وی با همان روح کوچک و مصفا، با همان احساس پاک و صافش که چون آینه روشن و مثل چشمه زلال و مانند آفتاب نورانی بود به دختر عمیش که همدم و شریک بازیهای کودکانه اش بود دل بست. هر وقت که این کودک نارس که جز پیروی از امیال کودکانه اش کاری نداشت روی «فریده» کوچک دختر عمیش که سه سال با او اختلاف سن داشت مهر ورزید و با او پیمان عشق بست و حس میکرد که قلبش می طپد و دست و پای خود را گم می کند، داستان شوریدگی و محبت این دو یعنی یک پسر هشت ساله و یک دختر پنج ساله اینقدر لطیف و بی نظیر بود که دهان به دهان و سینه به سینه نقل می شد. داستان این دو عاشق و معشوق کوچک بصورت سرگذشت شیرین و جذابی در آمده بود که ذکر نکات و ریزه کاریهای آن باعث تفریح و درس صفا و یک رنگی بزرگسالان بود. آنکها نمودار زنده ای از داستانهای عشقی «لیلی و مجنون»، «وامق و عذرا»، و «ویس و رامین» بودند.

پسر، هیجده ساله شد و دخترک سیزده ساله. اما دست تقدیر و حادثات با تند باد نیستی شمع کوچکتر را خاموش کرد و «فریده» را برد. و جوان شوریده هیجده ساله در آتش حسرت و سوز گداز گذاشت و دل نظام را درهم شکست. اما این سوزوساز گرمی

زندگی او شد. برای او «فریده» نرفته بود بلکه وی تا پایان زندگی خاطرات او را بیادداشت. متدر نظام، «منور» دختر مهدی وفا و خواهر میرزا علی اکبر نقاش باشی از اساتید مسلم موسیقی، زن فاضله ای بود. «حیا» تخلص می کرد. وی زمانی که نظام نه ساله بود در گذشت.

نظام رفته رفته بزرگ شد و فقط دل به کسب دانش بست. لحظه ای با کتاب و دمی با یاد «فریده» کوچک سرگرم بود. نظام علوم ادبی را تا سرحد کمال آموخت. مدت هفت سال در نجف تحصیل را دنبال کرد و مدتی نیز بدریافتن طب مقدماتی و فلسفه و وفقه و اصول پرداخت.

در این موقع باو پیشنهاد کردند که خواهر فریده محبوب گمشده خویش را به زنی اختیار کند و باصطلاح «بوی گلاب» را از «گل» بجوید. اما مثل اینکه روزگار خواب خوش و راحت را برای «نظام» دل سوخته و آتش گرفته حرام کرده بود زیرا دست اجل، خواهر «فریده» را هم بدنال گلی که قبل از وی ربوده بود به یغما برد.

بالآخره نظام را پای بند همسر کردند. اما دیگر نظام دلی نداشت تا بکسی بسپارد. راستی روزگار بازیهای عجیبی دارد برای آنکه خرمن مستعد وجودی را به آتش بکشد و از شعله اش اجتماعی را گرمی و روشنی بخشد عزیزترین کس او را می گیرد. دلش را می شکنند. و به آتش می کشد و بالاخره او را شاعر می کند.

نظام در تمام عمر جز عشق و ناکامی، و فاکردن و جفا کشیدن، پروردن و فرسوده شدن و بالاخره قریب نیم قرن درس محبت و ادب گفتن و نهالهای علم و دانش ادبیات و جوانه های باغ اجتماع را بالاشک چشم و خون جگر آبیاری کردن کار

دیگری نکرد و گفت:

ای که مایوس از همه سوئی بسوی عشق روکن
قبله دلهاست اینچا هر چه خواهی آرزوکن
تادلی آتش نگیرد حرف جانسوزی نگوید
حال ما خواهی اگر از گفته ما جستجوکن

سروده های استاد متجاوز از بیست هزار بیت است. از نظام کتابهایی چاپ شده و بیادگار مانده است از آنجمله اند:

معراج دل و حدیث دل

یادگار سفر اروپا

پیوند دل

حبیب و رباب

ستاره و فروغ

آماج دل

روان شناسی

منطق

نمایشنامه فروز و فرزانه

گذشته ها

ماهنامه وفا

بقول خودش این کتب و سروده ها «طومار حیات ادبی» اوست و کیفیات و حالات دوره زندگانش از طفولیت تا پیری در آن نمودار گردیده است.

استاد نظام وفا روز پنجشنبه اول بهمن ماه ۱۳۴۳ به سکتة مغزی درگذشت یادش گرامی باد

درپند نیسلی شعرو غزل

بتول عزیز پور

خزان نمی افتد



زمین هی پلک می زند
خزان نمی افتد
زمزمه گوش می خواباند
ماه بیدار نمی شود
صندلی کنار فصلی نشسته است
که از فرمان شعر شانه خالی می کند
دیگر اهمیتی ندارد
ابری گم می شود
یافتاری پیراهن نو بپوشد
کلمات
دست به قلم نمی برند
تارنگ ها
از گمنامی بیرون بیایند.

حسن رضوی «شباهنگ»

هدیه به ایران



ذهن پاکیزه باران بابرگ
گاهگاهی غزلی می سازد
وین غزل تابن ادراک گیاه
می کشد دست نوازش از مهر
تا بروید از شوق
اینهمه شوق که در ریزش هرباران است
در صدای همه چلچله هاست
شبم روشن عشق
در چراغان شب جنگل هاست
یا که در خواهش دستان نسیم
از همه پنجره هاست
بازکن در، بازکن در که بهار
باغ را آینه باران کرده ست
این همه گل که سر آورده ز خاک
عشق را هدیه به ایران کرده ست

حافظ شیرازی

سادیار و دیار

نمازِ شامِ غریبانِ چو گریه آغازم
به مویه‌هایِ غریبانه قصه پردازم
به یادِ یار و دیار آن چنان بگریم زار
که از جهان ره و رسم سفر براندازم
من از دیارِ حیبم نه از بلادِ غریب
مهمنا به رفیقانِ خود رسان بازم
خدای را مددی ای رفیقِ ره تا من
به کویِ میکده دیگر علم برافرازم
خرد ز پیری من کی حساب بگیرد؟
که باز با صمنی طفل، عشق می‌بازم
بجز صبا و شمالم نمی‌شناسد کس
عزیز من، که به جز باد نیست دمسازم
هوایِ منزل یار، آبِ زندگانی ماست
صبا بیار نسیمی ز خاکِ شیرازم
سرشکم آمد و عیبم بگفت روی به روی
شکایت از که کنم؟ خانگیست غمازم
ز چنگِ زهره شنیدم که صبحدم می‌گفت
غلامِ حافظِ خوش لهجه خوش آوازم

هوشنگ ابتهاج (ه.ا.سایه)

چشمی کنار پنجره انتظار



ای دل بکوی او ، ز که پرسم که یار کو؟
در باغ پر شکوفه که پرسد بهار کو؟
نقش و نگار کعبه، نه مقصود شوق ماست
نقشی بلندتر زده ایم، آن نگار کو؟
جانا! نوای عشق، خموشانه خوشتر است
آن آشنای ره که بود پرده دار کو؟
ماندم در این نشیب و شب آمد، خدای را
آن راهبر کجا شد و آن راهوار کو؟
از بس ستم که بر سر مارت و کس نگفت
آن پیک ره شناس حکایت گزار کو؟
چنگی به دل نمیزند امشب سرود ما
آن خوش ترانه چنگی شب زنده دار کو؟
ذوق و نشاط را می و ساقی بهانه بود
افسوس ، آن جوانی شادی گسار گو؟
یک شب چراغ روی تو روشن شود ولی
چشمی کنار پنجره انتظار کو؟
خون هزار سرو دلاور به خاک ریخت
ای سایه های و های لب جویبار کو؟

زیبا کرباسی

غزل ۵

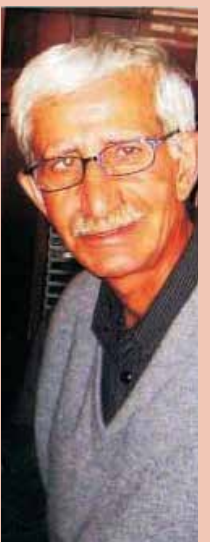
امشب بر آن سرم که سُرایم ترانه ای:
از دل بخوانم غزل عاشقانه ای
چشمان تیره تو و اندوه چون شبش
آمد بر این سُرایش شعرم بهانه ای
در جان من فشانده نگاه تو بذر شعر
من منتظر به ره به امید جوانه ای
دیگر زیبکرانه شب غربتم چه باک؟
جانی شکفته دارم و شعر شبانه ای
آبی ترین کرانه شعرم تویی تویی
ای آسمان آبی من! بی کرانه ای
سبزینۀ گیاهی و سُر خینۀ گلی
در دفتر بهاره من جاودانه ای



اصغر واقدی

غزل غروب

غروب دردل تنگ دوباره خانه گرفت
دلیم هوای می و گریه شبانه گرفت
به شهر خویش غریبم ولی چه خواهد کرد
کبوتری که به ویرانه آشیانه گرفت
از آن شبی که تو از شهر ما سفر کردی
به باغهای خزان دیده زاغ لانه گرفت
کنون حکایت تکرار و رنگ بیزاریست
دلیم از این همه آواز ابلهانه گرفت
در این قفس به فغانم کسی جواب نداد
به نام شب همه کس خواب را بهانه گرفت
بجز سیاهی و غم روزنی نمی بینم
ستاره گم شد و شب رنگ جاودانه گرفت.
پس از تو دل به چه بندم؟ شکایت از که کنم؟
زمانه از منت ای گوهر یگانه گرفت
به زیر گنبد شب ناله های من پیچید
دوباره دل هوس شعر عاشقانه گرفت



یزدان سلحشور

نمایشگاه



ول کن غروب را
که لباس سیاه پوشیده
ول کن آفتاب را
که مثل دکمه قرمزی
لباس سیاه را از ریخت انداخته
ول کن باد را
که در آستین لباس رفته و
مثل دستی ناپیدا
تکانش می دهد
این همه هول و هراس را
ول کن!
این همه رنگ و روغن پاشیده
روی نگاهت را
بیرون بیا!
نمایشگاه
تعطیل شده است!

هوشنگ فیلسوف

شمع

لحظه سرخ شهادت، شمع
روی دیوار بلند شب
همه باروشنی خویش نوشت
در شبی این همه تاریک و تهی
نور را یافتنش مسئله نیست
نور را ساختنش مسئله است.

داریوش مرزبان

یکمانگی

لحظه سرخ شهادت، شمع
روی دیوار بلند شب
همه باروشنی خویش نوشت
در شبی این همه تاریک و تهی
نور را یافتنش مسئله نیست
نور را ساختنش مسئله است.

محمد شهبازی دکترای زبان وادبیات فارسی

دگرگونی فرهنگ و زبان فارسی در عصر قاجار



بخش هیجدهم

چکیده

عصر قاجار، عصر تناقض و دگرگونی در ادبیات فارسی است. این سلسله که قریب به ۱۵۰ سال در ایران حکومت کرده بودند در کنار تحولات سیاسی در زمینهٔ فرهنگ و ادب نیز تحولاتی پدید آوردند. آقامحمدخان غیر از جنگ و سست عنصری چندان کمکی به فرهنگ نکرد. سبک نظم هم چنان همان سبک بازگشت ادبی بود. فتحعلی شاه نیز ایران را به عهدنامه‌های ننگین فروخت. عباس میرزا تحول بزرگی در فرهنگ بروز داد و با ارسال چندین تن دانشجو به اروپا سعی کرد در ترقی ایران قدمی بردارد. دانشجویان صنعت چاپ را به کشور ارمغان آوردند و عباس میرزا در جنگ با روس کشته شد. با روی کار آمدن امیرکبیر دارالفنون تاسیس شد.در پی آن رونامه نویسی رایج گشت و ناصرالدین شاه قاجار نیز در شعر و سفرنامه نویسی اثر آفرید. پس از این شاهان عصر مشروطه پیش آمد و ورق نظم و نثر دوباره برگردانده شد.

مقدمه

سلسلهٔ قاجاریه (۱۱۷۵– ۱۳۰۴ خورشیدی) مربوط به یکی از طایفه های ترکمان ایران به نام ایل قاجار بود که بر اثر یورش مغول از آسیای مرکزی به ایران مهاجرت کردند. آنان ابتدا در پیرامون ارمنستان ساکن شدند. ایل قاجار یکی از هفت ایل اصلی قزلباش بود که **شاه اسماعیل یکم** به یاری توان نظامی آن ها دودمان صفویان را بنیان نهاد.

ایران در واقع مقر حکم رانی خویش را در تهران نهاد در حالی که پایتخت وی هنوز ساری بود؛ او برای آبادانی تهران بسیار کوشید و مهاجرین بسیاری را در آن شهر اسکان نهاد و به امر وی کلیمیان مقیم تهران اجازه ساخت کشت و ارامنه نیز توانستند با آسودگی خاطر نسبت به تجدید بنای کلیساهای خود اقدام نمایند همچنین مؤبدکده و آتشکده برای زرتشتیان. پایگاه نظامی قوی در سواحل رود کن احداث نمود و دروازه‌های تهران خصوصاً دروازه دولاب را مرمت

داد نظامی اش با ناپلیون امپراتور فرانسه – آغاز شد. در زمان این سلسله و بعد کشمکش بسیار بین شاهان قاجار و آزادی خواهان، سرانجام ایران دارای مجلس (پارلمان) شد و بخشی از قدرت شاه به مجلس واگذار گردید. ظهور «بهایت» در عصر قاجار و کشته شدن بانی آن در عصر ناصرالدین شاه به دستور امیرکبیر موج عظیمی از فرهنگ را در مقطعی از تاریخ دچار تحول کرد. دیگر تأثیر مقطعی در فرهنگ و ادب ورود «لژ فراماسونری» به ایران بود.

این عصر به سبب ارتباط با دیگر ممالک در اغلب حیطه ها از جمله علمای دینی، خطاطی، نقاشی و مجسمه سازی، موسیقی، تصنیف سرایی، تأسیس ضرابخانه و وزارتخانه و پست و تلگراف، نظامی، ساخت کارخانه های متعدد، پیشرفت و ترقی کرد. نظم و نثر نیز در کنار این مؤلفه ها در حال تحول بود. در متن اصلی نخست به هریک از موارد فوق نیم نگاهی انداخته سپس به فرهنگ و ادب قاجار می پردازیم.

هنر و علوم در عصر قاجار

علمای معروف این دوره بیش از آن است که در این مختصر شمرده شود؛ ما تنها به چند نمونهٔ انگشت شمار اشاره می کنیم تا به اصل مقصود خود برسیم:

–**ملا احمد زراقی:** حکم جهاد در جنگ

ایران و روسیه داد. مثنوی «طاقدیس» را به تقلید از مثنوی مولوی سرود. تخلص شاعریش «صفایی» بود.

–**ملاهادی سبزواری:** دانشمند علوم اسلامی و فیلسوف و عارف و شاعر و فقیه ایرانی است. سبزواری غزل‌های حکمی و عرفانی سروده‌است و در شعر «اسرار» تخلص می‌کرد. «شرح منظومه» از اوست.

–**میرزای شیرازی:** مرجع تقلید شیعیان عصر قاجار بود که حکم حرام بودن تنباکو را صادر کرد.

–**آیت الله بهبهانی:** از مجتهدان شیعه و رهبران جنبش مشروطه ایران بود. دراستنباد صغیر پس از به توپ بستن مجلس دستگیر شد و به کرمانشاه تبعید گردید.

از آن روسی ها به این امر گمارده شدند. اولین پست و تلگراف نیز توسط **اشتال** روسی از قصر تا باغ لاله زار به وزارت **مخبرالدوله** انجام گردید.

تئاتر، شبیه خوانی، نمایش های روی حوض، خیمه شب بازی، نمایش های زنانه نیز در این دوره رایج بود.

فرهنگ و ادب در عصر قاجار

نظم این دوره را باید به دو دورهٔ زمانی قبل از مشروطیت و بعد از مشروطیت تقسیم کرد. قبل از مشروطیت شاعرانی همچون **«قاآنی** = صاحب پریشان»، **«دهقان سامانی** = صاحب شکرستان، داوودنامه»، **«سنجر تهرانی** = صاحب دستور سخن، رسالهٔ کلاه قلندری بر تاج فرخی»، **«فتح …خان شیبانی** = گنج گهر، فتح و ظفر، جواهر مخزون» و **«میرزا احمد کاشانی** = دیوان اشعار» بودند که آثار آنان به تقلید از گلستان، مثنوی مولوی، حافظ، خاقانی و سایر شاعران بزرگ بود.

در دورهٔ بعد از مشروطیت که به «عصر بیداری» مشهور است؛ زبان نظم تغییر یافت. از نظر کارکرد عمومیت یافت؛ به مقتضای زمان شکل گرفت؛ گروهی زبان تازه را با قالب کهن آمیختند مانند **بهار و ادب الممالک**؛ گروهی دیگر زبان کوچکه بازاری را به قالب کهن ریختند مانند **ایرج میرزا و عشقی و عارف**؛ تحیل تا حدودی تازگی یافت؛ درون مایهٔ شعر تغییر یافت و از آزادی، وطن، قانون، تعلیم و تربیت نوین و توجه به علوم و فنون جدید سخن به میان آمد (یاحقی، ۱۳۹۱: ۱۴–۱۸).

نثر این دوره با تحولات بزرگی روبرو بود. نثر منشیان دربار با نثر مطبوعاتی و روزنامه ای فرق داشت؛ از دیگر جهت نثر رمان با داستان کوتاه و ترجمه نیز متفاوت بود. در کل می توان چنین گفت که مختصات نثر این دوره همان درون مایهٔ نظم را داشت، ولی در لفظ ترکیب ها ساده؛ جملات کوتاه؛ ضرب المثل و حرف های کوچکه بازاری رایج، ورود لغات غیر فارسی به زبان و شتابزدگی نثر بود (رحیمیان، ۱۳۹۴: ۱۰–۱۲).

شاعران دورهٔ بیداری قاجار

–**بهار:** از شاعران و نویسندگان قاجار بود که در عرصهٔ سیاسی نیز مسنددار بود. برجسته ترین اثر او «دیوان اشعار» و «سبک شناسی» است.

–**ایرج میرزا:** از شاهزادگان قاجار بود که در شعر زبان کوچکه و بازاری را برگزید. برخی زبان او را رکیک می دانند؛ در

حالی که در اشعار او شیوایی و مهارت خود را نشان می دهد. منظومهٔ «زهره و منوچهر» از اوست.

–**میرزاده عشقی:** از نمایشنامه نویسان و شاعران مطرح عصر خود بود که «سه تابلو مریم» او در نشان دادن فساد عصر خود معروف است. به دست رحل حکومت کشته شد.

–**عارف قزوینی:** شاعر و تصنیف سرای معروف که «از خون جوانان وطن لاله دمیده» اثر طبع اوست.

–**دهخدا:** صاحب «چرند و پرند»، «لغت نامه» و «امثال و الحکم» که در عصر خود با اشعاری نغز و رسا به اوضاع جامعه می تاخت.

–**لاهوئی:** از پیشگامان شعر نو نیمایی که در قالب کهن نیز شعر سروده است. «ایران نامه» اثر گمنام اوست که چندان شناخته شده نیست. **«جعفر خامنه»** و **«بانو شمس کسمایی»** نیز در زمینهٔ شعر نو با او همکاری داشتند.

–**فرخی یزدی:** شاعر و روزنامه‌نگار آزادی‌خواه و دموکرات صدر مشروطیت، سردبیر نشریات حزب کمونیست ایران از جمله روزنامه طوفان که در زندان لبش را دوختند و با آمپول هوا به قتل رساندند. و خیل بسیاری از شاعران که در کتب تاریخ ادبیات می توان شرح جامع زندگی آنان را مطالعه کرد.

نویسندگان عصر قاجار

–**قائم مقام فراهانی:** برترین اثر وی «منشآت» است که به تقلید و به زبان فنی گذشتگان نگاشته است.

–**محمدباقر خسروی:** نخستین رمان نویس قاجار با اثر «شمس و طغرا» است؛ در این اثر به تبعید و اعدام و … اشاره دارد.

–**آخوند زاده:** او جزو نخستین کسانی است که به موضوع زن و مشکلات زنان ایرانی در آثارش می پردازد. رمان «ستارگان فریب خورده» از ایشان است.

–**صنعتی زاده:** وی به عنوان پدر رمان تاریخی ایران شناخته می‌شود. مجمع دیوانگان او مهم ترین اثر آرمانشهری است.

–**میرزا آقاخان کرمانی:** از نویسندگان متناقض نمای قاجار است که به سبب

ازدواج با دختر «صبح ازل» بهاییت را تبلیغ کرد و در «صدخطابه» و «سه

مکتوب» به رد آن کوشیده است. «نامه باستان» او به تقلید از شاهنامه است.

روشنفکران عصر قاجار

– **عباس میرزا:** فرزند فتحعلی شاه قاجار که شاهزاده ای ترقی خواه بود و ایران را در مسیر رشد هدایت می داد. اعزام دانشجویان به اروپا و تشویق به آوردن امکانات به ایران از جمله فعالیت او به شمار می رود.

–**امیرکبیر:** صدراعظم عصر ناصری که برای آبادانی ایرانی دارالفنون را تأسیس کرد و برای نخستین بار روزنامه «وقایع الاتفاقیه» را به چاپ رساند.

–**میرزا ملکم خان:** در دارالفنون معلم هندسه بود. در آنجا لژ فراماسونری (فراموشخانه) را در جهت اصلاح طلبی بنیان نهاد. در نويسندگی به گزينش واژگان و يکپارچگی عبارات و درستی سخن دقت بسیار می کرد و به این ترتیب نثرش در عین سادگی و روانی از فصاحت و بلاغت و حسن انشایی بهره نبود (آرین پور، ج ۱، ۱۳۸۷: ۳۲۰).

–**محمد علی فروغی:** از نخبگان عصر قاجار که در فراماسونری نیز عضویت داشت. نبوغ او در سامان دادن مجلس نوپای مشروطه به کار می آمد. تصحیح بوستان سعدی از او به یادگار مانده است.

برخی روزنامه های آن دوره

–**کاغذ اخبار:** این نشریه به‌طور ماهانه در دورهٔ پادشاهی محمدشاه قاجار توسط میرزا صالح شیرازی در تهران منتشر می‌شد. نخستین نشریهٔ ادواری ایران بود.

–**زهریری د بهرا:** نخستین نشریه غیرفارسی ایران و دومین نشریهٔ این کشور است. این واژه به معنای پرتو روشنایی است. سردبیر این نشریه یک کشیش و مبلغ مذهبی پروتستان به نام **جاستین پرکینز** بود. وی همان کسی است که نخستین مدرسه مدرن ایران را در عهد محمدشاه قاجار در ارومیه برای آسوریان بنیان نهاد. نشریه مطالبی در مورد مدرسه و آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان

داشت و از این رو بسیار مورد استفادهٔ دانش آموزان مدرسه آمریکایی ارومیه قرار می‌گرفت.

–**وقایع الاتفاقیه:** این نشریه به دستور امیرکبیر در تهران در دوران ناصرالدین شاه منتشر می‌شد. در این روزنامه، اخبار داخلی شامل خبرهای مربوط به پایتخت (اخبار دارالخلافه)، دربار و سفرهای ناصرالدین شاه، عزل و نصب ها و اعطای مقام ها، نشان ها و امتیازات چاپ می‌شد.

–**نسیم شمال:** نشریه ای اجتماعی و سیاسی و طنزآمیز بود که **سید اشرف الدین حسینی** در دوران جنبش مشروطه ایران ابتدا در رشت و سپس در تهران منتشر می‌کرد.

–**صوراسرافیل:** از نشریات مهم صدر مشروطه به سردبیری **میرزا جهانگیر خان شیرازی** بود. با بهره بردن از نفوذی که **میرزا قاسم خان تبریزی** به سبب وابستگی به دربار **مظفرالدین شاه** در دربار قاجار داشت مقالات سیاسی تندى علیه استبداد محمدعلی‌شاهی منتشر می‌کرد.

–**ادب:** روزنامه سیاسی اجتماعی با تلفیق اشعار سردبیر که **ادیب الممالک فراهانی بود.**

نتیجه‌گیری

سخن از فرهنگ و کلیات آثار چاپ شده در عصر قاجار خود یک اثر مستقلى را مى طلبد که از حوصلهٔ این مختصر خارج است. اما چنانچه مشاهده شد ورود چند انقلاب از جمله مشروطیت،بهاییت،فراموشخانه دراین عصر فرهنگ را تحت تأثیر قرار داد و در عصر پهلوی نیز برخی نمودهای خود را به تجلی رسانده است. نظم و نثر تحول شگرفی یافته و سبک و زبان و قالب قبل و بعد مشروطیت کاملاً تغییر یافته‌است.

منابع

آرین پور، یحیی (۱۳۸۷). از صبا تا نیما. جلد ۱، تهران: نشر زوار.

رحیمیان، هرمز (۱۳۹۴). ادوار نثر فارسی، تهران: نشر سمت.

شاهرودی، فروغ علی (۱۳۸۸). پیدایش و تحول خوشنویسی در ایران، تهران: نشر رسا.

یاحقی، محمد جعفر (۱۳۹۱). جویبار لحظه ها، تهران: نشر جامی.

ادامه دارد…

^[1] محمد شهبازی دکترای زبان وادبیات فارسی



غزل پنجاه و هفتی

مانده ام فکری خلاق، بر چه کس بندم امید
خانم گلشیفته یا مولوی عبدالحمید؟

در مصاف شیخ آدمخواره و نوباوه کش
کیست دردم را دوا و کیست حام را مفید؟

شیخ، ما را کشت ضمن گفتن از عدل علی
سر برید از ما به وقت لعنت شمر و یزید

تا وزیر خارجه با انگلیسی نطق کرد
ناگهان برق سه فاز از کون آمریکا پرید!

حرف جاسوسی و عمال نفوذی تا که بود
آن قرشگردی سبیل خویشتن را میجوید

گفت سرداری قدر در آگهی پودر برف
پولتان را بنده مثل برف میشویم سفید!

وان دگر سردار، اصلاً اهل بیزینس نبود
تا که اسرائیل آن اسناد را از او خرید

هر یک از اینها خودش یک بابک زنجانی است
کربلائی ساختند اما فقط با یک شهید

صاحب خود را اگر نشناخت سگ، خنگش مدان
این سگ بیچاره اصلاً صاحب خود را ندید

داد زد «پنجاه و هفتی» بر سر قاضی و گفت:
بنده رفتم پا به پا دنبال آن شاه فقید

شاه که از ملتش «پنجاه و هفتی» تر شود
گر صدای انقلابی هست می باید شنید!

های... مشروطه کجارفته؟ دموکراسی کجاست؟
این چرا حاصل نیامد، آن چرا شد ناپدید؟

توی میدان ترافالگار لندن روز پیش
یکنفر با چوب پرچم همچنان می پهلویید

بوی لاش مرده می آید ز بیت رهبری
هادیا انفاس خوش میآید از سال جدید

هادی - لندن

سپیده ۸ ساله و علی ۸۰ ساله

سپیده - هشت ساله - بی حجاب است
علی - هشتاد ساله - در عذاب است

علی با دیدن عکس سپیده
دو هفته می شود در اضطراب است

سپیده گفته یک دکتر بیارید
علی آقا اگر حالش خراب است

علی گفته پوشان موی خود را
که این فرموده ی اسلام ناب است

سپیده گفت از اسلام سرکار
بسی انسان که لنگ نان و آب است

برو لطفاً به کار خود پرداز
سر اسلام خود چادر بینداز

هادی - لندن

پشه در باد

آن پشه تا که دستخوش باد می شود
از امپریالیسم به فریاد می شود!

هر دختری که در گذری سربرهنه کرد
جاسوس سر سپرده موساد می شود

آقا نشسته است و به ترفند اتهام
مشغول حبس کردن افراد می شود

آقا نشسته است و بلانسبت پشه
در وحشت از مداومت باد می شود

این باد نیست، این نفس بانوان ماست
باهم شده، معارض بیداد می شود

این موج پر خروش زنان است کاینچنین
درهم بکوب کشتی جلاد می شود

این بانگ شادمانه همان بغض خفته است
نیروی بسته ایست که آزاد می شود

بایک نظر به عکس زنی فارغ از حجاب
آقا اسیر غصه و غمباد می شود

اعدام چند مرد شکنجه شده، سر یع!
آقا در اندرونی خود شاد می شود!

هادی - لندن

شکر شود خاک وطن

عنقریب ایران ما پالوده از دین میشود
شیخ ناکس رهسپار مسکو و چین میشود

دین که میگویم، همین اسلام ایرانی گش است
کو به گوری سرنگون بی کفن و تدفین میشود

حوزه ی علمیه را ظلمت فراگیرد عمیق
سایه ی خورشید بر آن سخت و سنگین میشود

گر کسی از «رأفت اسلام» گوید مطلبی
با رثوفت حبس در دارالمجانین میشود!

این همان روزی است که شکر شود خاک وطن
با نمک اینکه، نمک ها نیز شیرین میشود!

گرم آتش بازی است آن شب دماوند از خوشی
هر جرعه ی آتشش، صد ماه و پروین میشود

گل بروید در کویر لوت از فرط شعف
کوهساران با قبای لاله تزئین میشود

از دل هر چشمه در هر گوشه میجوشد گلاب
آب دریای نمک خوش طعم و نوشین میشود

سبزتر از پیش گردد جنگل مازندران
آسمان بالا سرش آبی تر از این میشود

رقص لژگی میکند ماهی دریای شمال
در خلیج فارس کوسه گرم تهرین میشود!

مار از پونه خوشش میآید و پهلوی او
پیچ و تاب خورده و همچین و همچین میشود!

شهرها را نور چشم ما چراغان میکند
مملکت با اشک شوق خلق آذین میشود

خواب خوش در چشم سعدی می نشیند بی خیال*
دولت بیدار، حافظ را به بالین میشود

نغمه گل های صحرائی «سیما» ی عزیز
در چمن یادآور ایام دیرین میشود

باز میگردد به میهن دختر ایران: گوگوش
باز روی صحنه ها تشویق و تحسین میشود

تا شعار کار ما «زن، زندگی، آزادی» است
درد ما همراه با آثار تسکین میشود

هادیا خوش باش ایرانت به زودی راحت از
شر شیخان تبه کار بد آئین میشود ...

* «مجال خواب نمی باشدم ز دست خیال...» سعدی
هادی - لندن

کوش کن پند ای پسر روز بهر دنیا غم مخور

کفتمت چون رحیثی گرتوانی داشت کوش (حافظ)

بهترین حس نقاش

بهترین حسن نقاش بودن اینه که
هم میتونی موهاتو شونه نکنی
هم میشه جای لباس گونی پاره پوشی
هم ریش و پشمانو نزننی نقاشی ام
نکشیدی حالا، نکشیدی

لطفاً به پشتم نزنید



بترین پراید

با پرایدم تو جاده موندم بی بنزین. یه
۲۰۶ که رانندش دختر بود نگه داشت
گفت چی شده بگو کمکت کنم. گفتم
سوختم تمام شده میشه از ماشینت
بنزین بکشم؟ گفت مگه بنزین ۲۰۶ به
پراید میخوره؟



دور شدن از قلیان



رفتم دکتر بهم گفت: اگه میخوای
سالم باشی باید از قلیون دور بشی
امروز رفتم بازار یه شیلنگ ۱۰
متری واسه قلیونم خریدم.
به نظرتون کافیه یا باید بیشتر دور
شم؟

انتخاب همسر

کاش انتخاب «همسر» هم مث
انتخابات ریاست جمهوری بود .. چند
تا نامزد به وسیله ی خانواده تأیید
صلاحیت میشدن، میومدن از هنرها
و برنامه هاشون میگفتن، بعدش منم
سرفرصت با بصیرت و آگاهی همسر
انتخاب میکردم و هر چهار سال یکبار
حماسه دیگری می آفریدم!

آدم پنجه

طرف رفت برای پرسش زن بگیره به
بابای دختره گفت:
- پسرم نه اهل دوده، نه ولگرده، نه
اهل پارتیه، نه اهل رفیق بازی، نه اهل

غم مخور کمی هم بخند

خانم با اعتراض جواب داد:
- آقا چه می گوئید وقتی شوهرم
در خواب من یک زن را ببوسد
در خواب خودش معلوم است چکارها
خواهدکرد؟

خدا چقدر است؟

پدر: چرازود از مدرسه اومدی؟
- پسر: معلم مرا از کلاس بیرون کرد
- چرا؟
- ازمن پرسید خدا چندتا است نتوانستم
جواب درست بدهم
- خوب می خواستی بگوئی خدایکی
است.
به، یکی که سهله گفتم پنج تا بازهم
قبول نکرد.

جریمه مضاعف

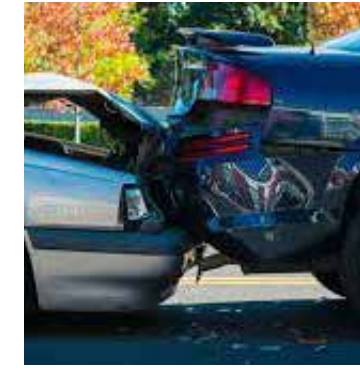
پلیس راننده ای را به جرم سرعت غیر
مجاز متوقف و ۱۰۰ دلار جریمه
کرد.
راننده گفت جناب سروان لطفاً ۲۰۰
دلار بنویس چون با همان سرعتی که
آمده ام می خواهم به خانه برگردم.



اون کارا ... ونه اهل اینکارا...
بابای دختره گفت:- خیلی متأسفم،
زمنه عوض شده ما دختر به آدم
پخمه فیدیم.

راننده تازه کار

شوهر خام تازه گواهینامه گرفته بود
هفته اول سه بار زده بود به خودرو
راهنمایی رانندگی!
الان هر موقع میبیننش به بقیه با
بیسیم خبر میدن:
اصغر سگ دست تو خیابونه، مراقب
باشید



خواب

خانم جوان وزیباتی نزد یکی از وکلای
دادگستری رفت وگفت: میخوامم
ازشوهرم طلاق بگیرم.
- برای چه ؟
- دیشب خواب دیدم شوهرم دارد
خانم موبوری را می بوسد.
- خوب شما خواب دیدید . او چه
گناهی دارد؟

ابوریحان و کشف آمریکا



نونی به معنی «دنیای تازه» است.

برای اینکه در ذهن خوانندگان تقریب شود که قاره آمریکا درست در رُبع مُقاطر مقابل رُبع مسکون شمالی واقع شده است کافی است بدانید که نصف النهار سانفرانسیسکو و لوس آنجلس که دوشهر معروف معظم آمریکای شمالی است، با نصف النهار همین تهران ما که در رُبع شمالی دیگر واقع شده، حدود ۱۲ ساعت و به تحقیق ۱۱/۵ ساعت تفاوت دارد. که به قدر نصف شبانروز یعنی نصف دور حرکت وضعی زمین است و بیه این قرار خوب معلوم می شود که این دو نقطه مُقاطر و مقابل یکدیگرند؛ و به این قیاس حالت ربع شمالی ما با جنوبی آمریکای جنوبی خوب معلوم می شود که فاصله نصف النهار آنها چقدر است؛ اما ساکنان دو قطب شمالی و جنوبی نسبت یکدیگر در این وضع قرار گرفته اند که چون ایستاده باشند کف پای آنها روبروی یکدیگر می افتد. چنانکه همین وضع و حالت رادردونقطه مشرق و مغرب نیز تصور می کنیم؛ و این حالت را خود ابوریحان در «تحدید الأماکن» مابین دو نقطه معموره در کشور چین و آندلس گفته است.

خلاصه من برای اثبات دعوی خود چند دلیل معتبر صریح از گفته های خود ابوریحان دارم که برای شما نقل می کنم:

۱- «عَلَى أَنَّهُ مُمَكِّنُ بَلِّ كَالْوَجِبِ تَقَاطِرُ رُبْعَيْنِ مِنْ أَرْبَاعِ الْأَرْضِ يَابِسَيْنِ وَ تَقَاطِرِ الْأَحْرَبِينَ فِي الْمَاءِ مَعْمُورِينَ فَيَرَوْنَ الْأَرْضَ فِي الْوَسْطِ

۲- و در جای دیگر هم در کتاب الهند می گوید:

«وَأَمَّا نَحْنُ فَوُجُودُنَا الْأَسْتِقْرَائِي يَقْتَضِي فِي أَحَدِ رُبْعَيْهَا الشَّمَالِيَّيْنَ وَ تَنْقَرَسُ لِأَجَلِهِ فِي الرِّبْعِ الْمُقَاطِرِ لَهُ مِثْلُ ذَلِكَ»

۳- در «قانون مسعودی» که تاریخ تألیفش حوالی سال ۴۲۲ هجری قمری و ۱۳۰۱ میلادی است نیز می گوید که انحصار عمارت کره زمین در رُبع شمالی به منزله یک امر قراردادی است، نه اینکه علت طبیعی آن را ایجاب کرده باشد. یعنی هیچ دلیل علمی مسلمی نداریم بر این که غیر از این رُبع شمالی سرزمین قابل آبادانی و مسکن، در کره زمین وجود نداشته باشد. عبارت او در قانون مسعودی این است: «جَعَلُوا الْعِمَارَةَ فِي أَحَدِ الرُّبْعَيْنِ الشَّمَالِيِّينَ لِأَنَّ ذَلِكَ مَوْجِبٌ أَمْرٍ طَبِيعِيٍّ»

۴- یادآوری می کنم که در سؤال و جواب و مناظره کتبی معروف ابوریحان و ابوعلی سینا در هجده مسئله علمی، سؤال چهارم ابوریحان از هشت سؤال اقتراحی او به همین مسئله علت انحصار عمارت به رُبع شمالی زمین است، و پیداست که خود ابوریحان در این باره نظر مخصوص برخلاف جمهور فلاسفه و علمای هیئت و جغرافیا داشته و قصدش از سؤال، فضل فروشی و مغالبه علمی نبوده بل که واقعا می خواسته است عقیده فیلسوف معاصر خود را که به دانشمندی و فضل و ذکاوت ذاتی او معتقد بوده در این باره بداند و فکر تازه خود را پخته کند، همان طور که یکی از سؤالهای او مربوط به مسئله «خلأ» بوده که خود ابوریحان در امکان و امتناعش تردید داشته و تردید خود را در «آثار الباقیه» نشان داده است.

۵- ناگفته نمی گذارم که ابوریحان در کتاب «تحدید نهایات الأماکن» که تاریخ تألیفش ۴۱۶ هجری قمری یعنی شش هفت سال قبل از «قانون مسعودی» و «کتاب الهند» است هم شرحی مبسوط و مفصل درباره این که آیا در نیمکره جنوبی نیز خشکی قابل عمارت وجود دارد یا خیر، نوشته است. اما عقیده قطعی مثبت خود را چنان که در «کتاب الهند» دیده می شود، در آن کتاب بیان نکرده است.

خلاصه من می خواهم بگویم که سهم ابوریحان در کشف آمریکا کمتر از سهم موسیو لوریه Le Verrier (۱۸۷۷-۱۸۱۱) منجم رصدی فرانسوی در کشف سیاره نپتون نیست. برای اینکه لوریه به قوه مبانی علمی و محاسبه ریاضی در سپتامبر ۱۸۶۴ میلادی حدس زد که در فلان نقطه آسمان سیاره ای وجود دارد که چشم ما قادر به دیدن آن نیست.

پس از چندی که تلسکوپها و دوربین های قوی ساخته شد و در همان نقطه که لوریه پیش بینی کرده بود سیاره نپتون را کشف کردند. و همین امر موجب افتخار و سرافرازی علمی لوریه شده است چندانکه علمای هیئت و نجوم در تاریخ این علوم هر کجا از سیاره نپتون تحقیق می کنند، حق سبق و فضل تقدم را به لوریه می دهند.

مانیز اگر حق ابوریحان را بگذاریم و فضل تقدم کشف یعنی پیش بینی وجود آمریکا را برای او و بنام او محفوظ و مسلم بداریم راهی دور نرفته و سختی بیهوده و گراف نگفته باشیم. ﷻ

RENCONTRE ET DÉDICACE AVEC
CHRISTIAN PAHLAVI
PIERRE PAHLAVI
À L'OCCASION DE LA SORTIE DU LIVRE
**LE PONT DE LA VICTOIRE
L'IRAN DANS LA SECONDE GUERRE
MONDIALE**
Le Vendredi 24 Mars 2023 19h
Librairie Perse en Poche
11, Rue Edmond Roger - 75015 Paris -
Tel : 01.45.74.99.86
www.utopiran.com

کتاب جالب و پر محتوای پُل پیروزی نوشته کریستیان پهلوی و فرزند تو بی یر پهلوی با استقبال بسیار در فرانسه روبرو شد. بهمین خاطر جمعی از ایرانیان مقیم جنوب فرانسه که به مسائل ایران علاقمند می باشند از نویسنده کتاب دعوت بعمل آور دند تا انگیزه اش را که اقدام به انتشار این کتاب کرد در آن جمع بیان کند. و من که حدود ۴۴ سال است دوستی و ارادتی خاص به نویسنده کتاب دارم از فرصت استفاده کرده و با او به گفتگو نشستم. کریستیان پهلوی فرزند خوانده شاهپور علیرضا پهلوی است. چهارساله بود که مادرش با شاهزاده علیرضا پهلوی ازدواج کرد و دست سرنوشت او را به ایران برد و در ایران بزرگ شد. و پس از اخذ دیپلم به فرانسه رفت و از دانشگاه سوربن فرانسه با درجه ممتاز دکترا گرفت و پایان نامه تحصیلی اش را نیز درباره انقلاب سفید شاه و مردم نوشته است. کریستیان پهلوی تا بحال چندین کتاب بزبان فرانسه نگاشته است و نگارش کتاب پُل پیروزی که چند ماهی است چاپ و منتشر شده است حاصل ده سال تحقیق و تفحص این پدر و فرزند است که من خواندن این کتاب را به همه کسانی که می خواهند درباره کشور ایران و چگونگی حمله متفقین بایران آگاه شوند توصیه

از: عبدالله قراگزلو-فرانسه

پُل پیروزی

حرفهای چرچیل زمانی بیان شده است که هنوز متفقین کوچکترین هشدار یا التیما توم بایران نداده اند. از آن گذشته رضاشاه هیچ رابطه ای با هیتلر نداشت و سه تا از متحدان هیتلر از جمله میکادو امپراتور ژاپن و فرانکو در اسپانیا و ژنرال هانزهایم در فنلاند همه سر جای خود ماندند و رضاشاه که ایتمم هیچ رابطه ای با هیتلر نداشت مورد حمله قرار گرفت. و اینکه انگلیسی ها اینهمه به پادشاه ایران سخت گرفتند و مانع رفتن او به کانادا شدند هنوز بر من معلوم نیست.

کریستیان پهلوی می گوید: من قرار بود اسم کتابم را پُل پیروزی دزدیده شده بگذارم. اما خمینی از من خواستند همان پُل پیروزی بهتر است. کریستیان پهلوی عاشق ایران است. همسر او نوه مرحوم ساعد مراغه ای است که از نخست وزیران خوشنام دوران پهلوی ها بود. تا قبل از انقلاب کریستیان پهلوی در دانشگاه بوعلی همدان سمت استادی داشت و پس از انقلاب بفرانسه آمد و در روزنامه نیس متن که همه روزه در جنوب فرانسه با تیراژی بالا منتشر می شود بکار پرداخت. و به مقام سردبیری در این روز نامه نیز ارتقا یافت.

کریستیان پهلوی همچنین کتاب خاطرات دکتر امیر اصلان افشار را به زبان فرانسه ترجمه کرده است.

کریستیان پهلوی هنگام امضای کتاب خود برای خریداران در پاریس



از جانب سه ابرقدرت بایران صورت گرفت ولی ارتش ایران سه روز تمام مقاومت کرد. هواپیماهای متفقین کشتی های ایرانی را بمباران کردند و افسران شجاع و وطن پرستی چون بایندها کشته شدند و صدماتی که ایران از این پُل پیروزی دید تو هین بیک کشور مستقل و بیطرف بود. کریستیان پهلوی می افزاید: اشغالگران رفتار تو هین آمیزی با مردم داشتند و پادشاه یک کشور مستقل را که می خواست به میل و اراده خویش به کانادا برود به یکی از مستعمرات خود در آفریقا بردند. اول به جزیره مورس و بعد هم ژوهانسبورگ که پادشاه ایران که قلبی بیمار داشت در آن هوای گرم و شرجی در محل تبعیدش نوروزش را در پائیز آن جزایر برگزار کند.

به نظر کریستیان پهلوی، انگلیسی ها از این حمله سه هدف داشتند: یکی استفاده از راه آهن ایران برای فرستادن مهمات نظامی بروسیه شوروی. دوم دفاع از آبادان که بدست قوای هیتلر نیفتد و سوم از شر رضاشاه خلاص شدن بود. کریستیان پهلوی می افزاید: بعد از حمله هیتلر بروسیه، روسها سفیر خود در انگلستان را نزد چرچیل می فرستند تا از او کمک بخواهد. چرچیل هنگام گفتگو با سفیر روسیه می گوید ما باید پادشاه ایران را از خر شیطان پائین بکشیم تا بچه بازیهایش را کنار بگذارد. این

علی کیافر

معمار، شهرساز، پژوهشگر و استاد دانشگاه کالیفرنیا-ریورساید، آمریکا

بابادزرگان زنده ایم تبلور فرهنگ، هویت و مدرنیت ایرانی در بناهای یادبود

پیشگفتار:

در این سالها ایرانیت مردمان ایران زمین، تاریخ سرزمینی که نادر نادر پور «کهن دیار، دیار یار» نامید، و بسیاری ازنشانه های کالبدی آن آماج گردباد تهاجم قرار گرفته است. تلاش برای از یاد بردن یاد و جایگاه فردوسی توس، و حافظ و سعدی شیراز، و مولانای بلخی کم نبوده است. بناهای تاریخی و محله هایی از ایران زمین اگر نه تخریب، دستکم دچار بی توجهی بوده اند. بافت های شهری پیرامون شاهچراغ شیراز و محله هایی در تبریز و بافت دور حرم امام هشتم شیعیان تخریب شده یا در حال و برنامه تخریب اند. خانه طاهره کوزه گرانی که غلامحسین ساعدی او را دوست میداشت تخریب شده است، سنگ قبر تارک شعر نوین پارسی، احمد شاملو، بارها شکسته و از بین رفته است. با وام گرفتن از زبان هوشنگ ابتهاج (سایه) «در این سرای بی کسی کسی» بر مزار مهدی اخوان ثالث و محمد رضا شجریان در توس، محمدرضا لطفی در گرگان «به در نمیزند.» و «به دشت پرملال» بسیاری از بزرگان ما «پرنده سر نمیزند.» کنار گذاری و به فنا بردن فرهنگ و هویت ایرانی با قصد و برنامه در سرزمین مادری من و ما در جریان است. مدرنیّت ایرانی به پس رانده میشود.

برای گذاردن جای پایی در حافظه تاریخی مردمان، بویژه هم نسل های جوان در ایران و هم ایرانی تبارها در گوشه گوشه ی جهان، من سالیانی است که به شناختن و شناساندن جنبه های مختلف زندگی در چهارچوب شکل گیری ورشد مدرنیّت ایرانی –و آنچه در تمامیت نزدیک به صد سال آن بر آن رفته است – و باز تاب آن در رویکرد های گوناگون به پژوهشی دامنه دار پرداخته ام. و دستاوردهای این پژوهش را با روش های گوناگون به جهان علاقمند به این گفتمان ها

عرضه کرده ام؛ و شادمانه همچنان درگیر تداوم آن هم هستم. با بهره گیری از زمینه حرفه ای و دانشگاهی (آکادمیک) خودم، در این تلاش، مشخصا و بیش از زمینه های دیگربه گفتمان معماری و شهرسازی نوین ایران پرداخته ام.

معماری و شکل گیری فضای شهری بخشی از دست‌آورد‌های عملکرد انسانی هستند که ناکزیر تحت تأثیر تحولات فکری، پیشرفت‌های علم و فناوری، و تغییر روش زندگی در یک جامعه قرار می‌گیرند. مدرنیته ایرانی با خود معماری، سیمای شهری، و گسترش کالبدی شهری جدیدی به همراه داشته است. گوشه ای از گستره نقش مدرنیته (که من با بهره گیری از واژه ای که داریوش آشوری زبان شناس برجسته ایرانی به کار میگیرد، آنرا مدرنیّت می نامم) در بناهای یادمان چندین نفر از بزرگان هنر و ادب ایران زمین تبلور یافته است.

بناهای یادبود در دوران مدرنیّت ایران؛ در ارتباط با جنبش مدرنیّت و نوگرایی اجتماعی در ایران که در سویه هایی ملی گرایی را در خود متبلور داشت، تعداد قابل توجهی بنای یادبود در پنجاه سال اول قرن چهاردهم خورشیدی در ایران ساخته شدند. از میان انها بناهای یادبود شاعران بزرگ ایران فردوسی و حافظ و سعدی، دانشمند برجسته ابوعلی سینا، نقاش توانا کمال الملک، دو پادشاه، نادر شاه افشار و رضا شاه پهلوی، و شاعر همدانی بابا طاهرعریان شناخته شده ترین بوده اند.

حافظیه محل خاکسپاری حافظ شیرازی که بارها در تاریخ ایران مورد تخریب و باز سازی قرار گرفته بود، سرانجام به فرمان رضا شاه در سال ۱۳۱۴ به علی اصغر حکمت وزیر فرهنگ وقت سپرده شد و او آندره گذار معمار و باستان شناس شناخته شده، مدیر کل



اداره باستان شناسی ایران، را برای طراحی آرامگاه جدید برگزید. ساخت بنای یادبود که تا اکنون برجاست، در سال ۱۳۱۷ به پایان رسید. آرامگاه سعدی در شیراز، بنایی که در زمان کریمخان ساخته شده بود، تاسال ۱۳۲۷ برپا بود. در سال ۱۳۲۷ ابتدا از آندره گذار خواسته شد که طرحی برای بنای یادبود جدید ارائه کند. اما سرانجام، پس از بحث و بررسی‌های گوناگون و بر اساس گزارش انجمن آثار ملی، در سال ۱۳۲۸ طراحی آرامگاه سعدی به معماران برجسته علی صادق و محسن فروغی سپرده شد. پس از پایان ساخت آن در سال ۱۳۳۰، این بنا در سال ۱۳۳۱ گشایش یافت.

پیشینه آرامگاه بابا طاهر عریان در همدان به قرن ششم هجری و دوران سلجوقیان میرسد. در زمان پهلوی اول، تصمیم بر آن گرفته شد که بنایی دیگر به جای آرامگاه پیشین باباطاهر ساخته شود. در سال ۱۳۱۷ خورشیدی ساخت سازه‌ی نو آغاز شد اما کار ناتمام ماند. بازسازی و مرمت آرامگاه در سال ۱۳۲۹ خورشیدی، در زمان پهلوی دوم، از سر گرفته شد و تا دو سال پس از آن ادامه یافت. سرانجام، انجمن آثار ملی ایران در سال ۱۳۴۵ خورشیدی، تصمیم گرفت که آرامگاهی نو برای باباطاهر بسازد. طراحی بنای جدید هم به علی صادق و محسن فروغی واگذار شد. یکسال پس از آن، کار ساخت آرامگاه آغاز گردید و در سال ۱۳۴۹ به پایان رسید.

آرامگاه نادرشاه بنایی در مجموعه باغ موزه نادری در شهر مشهداست. سابقه ارماگه نادرشاه به زمان حیات خود او میرسد که دستور ساخت آرامگاهی کوچک برای خود داد. این بنا که در سال ۱۱۴۵ هجری ساخته شد پس از پایان حکومت افشاریان به تدریج رو به ویرانی نهاد. در سال ۱۲۹۶ آرامگاه تازه ای برای نادر شاه ساخته شد که

نشد و یکبار دیگر از طاهرزاده بهزاد خواسته شد که طرح دیگری ارایه کند. طرح جدید در سال ۱۳۱۲ از طرف انجمن تصویب، و ساخت بنا در سال ۱۳۱۳ پایان گرفت. اما به علت ناآشنایی سازندگان به فنون آزمایش خاک، محاسبه نکردن دقیق، و بی اطلاعی از وضعیت آب‌های زیرزمینی ناحیه توس، ساختمان از همان نخستین سال‌ها، شروع به نشست کرد. سالها پس از پایان آن بنا بدلیل ناستواری آن، در سال ۱۳۴۳ از هوشنگ سیحون خواسته شد که با حفظ طرح نخستین و بخش های جدید، بنایی را طراحی کند. آن طرح اجرا و در سال ۱۳۴۷ به بهره برداری رسید.

درباره هوشنگ سیحون

هوشنگ سیحون در تاریخ معماری ایران بارز ترین نقش در طراحی بناهای یادبود بزرگان ادب، هنر و سیاست ایران را میان معماران بناهای یادبود – هم معماران ایرانی و هم غیر ایرانی ها – دارد. او افزون بر بنای یادبود فردوسی، طراح و سازنده یادمان های دیگری نیز بوده است: آرامگاه های بوعلی سینا، عمر خیام، نادر شاه و کمال الملک. در ارزش گذاری بر چنین نقش پر نقش، این نوشتارعمدتا تاکید بر چندی و چونی بناهای یادبود طرح شده از سوی هوشنگ سیحون دارد. از این رو بررسی و شناخت مجموعه از معماری یادمانی دوران مدرنیّت ایران که اثر زنده یاد سیحون اند در زیر خواهند آمد.

کارهای او بیشتر شناخته و شناسانده شوند. من زنده یاد سیحون را به عنوان یکی از پنج برجسته‌ترین معمار دورانی که من تاریخ میانی معماری نوین نام می‌گذارم، یعنی از نظر زمانی از دهه ۱۳۳۰ تا اواخر ۱۳۵۰، می‌شناسم. درماه آوریل سال ۲۰۱۱ (اردیبهشت ۱۳۹۰) من با مهندس هوشنگ سیحون گفتگوی شش ساعته ای در ارتباط با مجموعه کتابی که در چند سال اخیر در زمینه شناخت روند دگرگونی های شهر سازی و معماری ایران در دوران مدرنیته در گیر نوشتن و تدارک آن بوده ام، داشتم*. تجربه طولانی و شناسایی در خور توجه مهندس سیحون نسبت به این روند، عامل اصلی این گفتگو که در لس آنجلس، کالیفرنیا، انجام شد، بود. نوشته زیر، فرازهایی از آن بخش از گفتگوی من با مهندس سیحون است که به بناهای یادبود طراحی شده توسط این معمار سرشناس می پردازد.

طرح های سیحون برای بناهای یادبود در گفتگوی با من مهندس سیحون چگونگی درگیرشدن در طرح های بناهای یادبود را چنین بیان کرد: «یک جمعیتی در زمان رضاشاه تشکیل شده بود به نام انجمن آثار ملی، که از رجال و بزرگان ایران و بعضی خارجیان، اروپاییان در آن بودند. آنها کارهایی می‌کردند، یک خدمات فرهنگی که فوق‌العاده بود. یک نمونه‌اش زمان خود رضاشاه، آرامگاه فردوسی بود در توس که اول نقشه‌اش را آندره گذار داده بود. نقشه دیگری را طاهرزاده بهزاد داد و این همان ساختمان آرامگاه فردوسی است که ساخته شد. بعدش به بنده رجوع شد که من ساختم که داستانی دارد. زمان جنگ درست زمانی که دانشکده هنرهای زیبا کار می‌کرد، بنام هنر کده، این انجمن آثار ملی تعطیل شده بود ولی یک کار اساسی که کرده بود همان آرامگاه فردوسی و مراسمی برای هزاره فردوسی درست کرده بودند و مستشرقین را دعوت کرده بودند؛ ولی چون در زمان جنگ به کلی این انجمن حالت فطرت به خودش گرفته بود آن مراسم انجام نشد. بعد از جنگ انجمن ازحالت فطرت در آمد و دوباره شروع به کار کرد. اولگین چیزی که به نظرشان رسید انجام بدهند هزاره‌ای برای بوعلی سینا بود، مثل همان که برای فردوسی یک آرامگاه بسازند که

آن طرح را به مسابقه گذاشتند که بنده در آن شرکت کردم و برنده شدم.» برای من (علی کیافر) ویژگی زمانه و زمان اتفاق افتادن این وقایع خیلی جالب بوده است. در آن زمان علاقه به چنین تلاش های فرهنگی در سطح ملی وجود داشته‌است که برای بزرگان ادب و دانش ایران بزرگداشت انجام شود و برای آنان بناهایی ماندگار به پا شوند. بطور مثال بر اساس گفته زنده یاد سیحون بنای ابوعلی سینا با این فکر ساخته شد «که یک عامل زمان بوعلی در کار باشد. و آن عامل بنای آرامگاهی باشد که در زمان بوعلی ساخته شده بود.» آن بنا هم مقبره قابوس بن وشمگیر که در گرگان است. و بعد از به این بنا یک کتابخانه و یک تالار اجتماعات هم اضافه شد.

نکته جالب توجه اینکه هوشنگ سیحون در زمانی که در دانشکده هنرهای زیبای پاریس (بوزار) به آموزش معماری ادامه میداده است، طرح آرامگاه بوعلی‌راهم کشیده‌است. یعنی هم آموزش معماری را در فرانسه ادامه میدهد، آن هم با هزینه دولت فرانسه، چون بورسیه دولت فرانسه بوده است، و هم در ضمن امکان پایان دادن طرح و ساختمان یادمان بوعلی سینا را هم داشته است. در حقیقت سیحون طرح آرامگاه بوعلی را به عنوان پروژه دیپلم خود در بوزار انتخاب می کند. به این مفهوم که آرامگاه بوعلی سینا را برای پروژه دیپلم در بوزار طراحی می کند و نقشه های همان بنا را برای ساختمان در ایران اجرایی می کند و به ایران میفرستد.

برای من، و به باور من برای دیگرانی که به شناسایی تاریخ معماری مدرن و امروزه ایران اهمیت میدهند، در شناخت بناهای مهم از نخستین پرسش های اصلی این است که ویژگی این پروژه خاص – در این مورد آرامگاه بوعلی – در چیست؟ آیا این طرح، یک کار مدرن است به سبک و مشخصات معماری دنیای غرب است؟، بنای مدرن ایرانی است؟ طرحی است که ریشه های خاص در زمینه های مشخص دارد؟

هوشنگ سیحون، با تجربه بسیار در دنیای آکادمیک و دنیای حرفه ای، دید خود راجع به این طرح را اینگونه بیان میکند: «همکاران یا کسان دیگری که راجع به کارهای من صحبت کرده اند گفته اند که یکی

از پیشگامان این مدرنیته ایران بنده بودم. یک هم چنین چیزی گفتند، من خودم این را نمی‌گویم. ولی چیزی که خودم می‌گویم (این است که) آن موقع هنوز (سبک معماری) پست مدرنیسم نیامده بود ولی همین آرامگاه بوعلی خودش یک پست مدرنیسم است. از لحاظ مصالح تا آن موقع اصلا بتون لخت در کارهای ساختمانی به صورت استفاده در کار اهمیّت‌دار نبود. اصلا وجود نداشت.. این را بنده فکر کردم که برج گنبد قابوس را من به صورت بتون آرمه درست کنم. به صورت دیگر در بیاورم، یعنی چیزی بسازم که عین آن برج اصلی نباشد. اینجا بود که خودم را موظف می‌دانستم که بیایم یک المان (عنصر، نشانه) قدیمی رادومر تبه بازسازی کنم، ولو اینکه یک شباهت‌هایی بااصل بنا داشته باشد ولی تداعی بکند یک چیزی را. اما خودش نباشد، خود آن المان قدیم را عینا نسازم. یک ستون زندیه را بی‌خود نیایم تکرار کنم. به همین جهت در آن زمان آمدم این بنای بوعلی را همین‌جوری که می‌بینید ساختم. آنجا که پُر است از پُریّت در آوردم، بازش کردم. ولی هنوز برج گنبد قابوس را تداعی می‌کند. این یک.

دو اینکه بیایم آنرا با بتون لخت بسازم، از پایین تا بالا. سه اینکه بیایم و اصلا یک به اصطلاح نوآوری به هر صورت و از هر نظر، حتی نه در ایران بلکه در تمام دنیا، کرده باشم. بنابراین فکر کردم درست است که من باید مقبره بسازم ولی میخوامهم مقبره نباشد. یعنی ایده‌ای که من دارم ایده مقبره نباشد. ایده‌ای باشد که به وسیلهٔ عوامل معماری حتی و اعداد به صورت سمبلیک بتوانم شخصیت آن کسی که اینجا مدفون است این را مجسم کرده باشم.»

از دید من (کیافر) اینکه سیحون جوان در نظر میگیرد که طرح معماری این بنا تنها یا آرامگاه، یک مقبره نباشد؛ کاری باشد که بازتاب شخصیت آن کسی که در زیر خاک مدفون است را عرضه کند، به خودی خود ارزشمند است. او در این راه به تاریخ برمی گردد؛ به نمونه ای از ساختمان و بنای یادبود که میتواند الهام بخش باشد و با رجوع به آن طرحی را بوجود بیاورد که همزمان حرفی را هم به ما و همه ایران دوستان بزند، و نکته ای تاریخی را القا کند.

لطفاً ورق بزنید



مرتضی ایرانی - آلمان

روشنفکران امروز

تحصیل خواننده ومی دانستند که انقلاب کبیر فرانسه علیه کلیسا ودین پروران بوده درپی سخنان ملائی که الفبای دموکراسی را نمی دانست مردم پاک دل و ناآگاه رابرای اهداف نابجا وخودکامگی و ارضای خواسته های وحشی درون، به پیراهه کشاندند وتباهی ودرماندگی ره آورد بوعلی سینا این مهم را انجام می‌دهد؛ آن نمای روشنفکری شد که ملت ستمدیدهٔ ایران طی ۴۴ سال به آن رسیده‌است.

اکنون که شیرزان ونوجوانان دلاور ایران زمین با آگاهی از نیرو وتوان دول قدرتمند و حمایت بی دریغ آنها از حکومت ملایان ویرانگر برای چپاول هستی ایرانیان به انقلابی بی تا در جهان دیروزوامروز دست یافته وبه پا خاسته اند وبی دریغ همچون پیشگامان جوان خود(ندا آقا سلطان و مهسا امینی) باشعار زن ، زندگی، آزادی خون خودرا درراه سرافرازی ایران زمین به کف خیابانها می ریزند، به همان روشن فکر نمایان دیروز و جیره خواران امروز دررسانه های دیداری و شنیداری تخم نفاق وناباوری درمیان این نسل بی پروا می پاشند.تا بتوانند به جیره خواری خودادامه دهند. غافل از اینکه جوانان امروز ایران زمین درمدارس ظلم وستم، ایجاد همبستگی وتوافق و اتحاد را آموخته اند وتاروزی که دگرگونی زندگی خودرا به ثمر نرسانند و بساط ملایان مزدور را بهم نریزند و به گوشه ای از گورستان تاریخ نسیارند دست از مبارزه و مقاومت نمی کشند واین جیره خواران روشنفکر نما بزودی شاهد به هدف رسیدن این جوانان شیر زاد خواهند بود.

بقیه:**بایادبزرگان زنده ایم**

در پاسخ به پرسش من که آیا از دید او، من این تفکر و این اتفاق را درست می بینم، میگوید: «بله. بله. همینطور». ببینید ما در تاریخ مقبره خیلی داشتیم. گنبد کاووس یک مقبره است ولی چیزی را به آدم القاء نمی‌کند. ما در نقش رستم، چهار تا مقبره سلاطین هخامنشی را داریم، هر چهارتایش یک جور و یک شکل. هیچ‌کدام شخصیت آن آدمی که آنجا هست را مجسم نمی‌کند. من فکر کردم بیایم یک کاری بکنم که شخصیت بوعلی را یک جوری مجسم کند.» از دید من (کیافر) نیز بنای معماری آرامگاه بوعلی سینا این مهم را انجام می‌دهد؛ به نوعی و با زبانی ارتباطی میدهد به شخصیت و حتی شاید تفکر کسی که بنا برای یادبود و بزرگداشت او بوجود آمده‌است.

در پاسخ به پرسشی که ویژگی‌های طرح بنای یادمان بوعلی سینا چیست؟ سیحون میگوید: «آن آرامگاه گنبد قابوس ده ترک دارد؛ من ده ترک را تبدیل کردم به دوازده ترک. دوازده ترک به صورت تیغه بتونی که می‌رود بالا و سقف مخروطی می‌آید رویش. حالا چرا؟ عرض کنم اصلا نماها به صورت طرح راهنما ساخته شده‌اند. یعنی چه؟ یعنی اینکه جلویش یک ایوان است. این ایوان ده ستون دارد از نظر عددی ده تا ستون دارد. هر ستون علامت یک قرن است، می‌شود هزاره بوعلی؛ بازتاب روزی که می‌خواستند جشن بگیرند. اما آن برج ۱۲ ترک دارد. چرا دوازده ترک؟ برای اینکه بوعلی را به عنوان دانشمند ۱۲ دانشی می‌شناسند. و بعد اینکه کل این ایوان و آن برج در یک مربع کامل جا می‌گیرند. یعنی طرحی‌است که معمولاً بایستی از مربع انشعاب بگیرد. اولین مربعی که اینجا در نظر گرفتیم همان ارتفاع برج و عرض ایوان است که هر دو یک ضلع را دارند.

وبعد روی آن ایوان یک المان گذاشتم که معماری تاریخی اروپایی را تداعی می‌کند. حالا چرا روی ایوان، آن قسمتی که ایوان تویش است، چنین کاری کردم؟ در اینجا یک فکری مدرن شده، سازه ای شده با الهام از معماری اروپایی. نشانه ای از معماری آن زمان‌های اروپاست که روی

ادامه دارد

از کریستینا کارن (نیویورک تایمز)

تشنه

گامهایی بسوی شناخت بحران تنهایی

جراح عمومی امریکا می گوید: پی ریزی نزدیک و صمیمانه روابط اجتماعی حیاتی و سرنوشت ساز است.

امریکاییها به گونه ای روز افزون تنها و منزوی می شوند و فقدان ارتباط، تاثیر عمیقی بر بهداشت تن و روان دارد. توصیه های پزشک ارشد امریکا معمولا ناشی ازنگرانی برای گرفتاریهای بهداشتی همگان است که توجه فوری را می طلبد. این نخستین بار است که کسی مسئله تنهایی را بر جسته میکند.

طبق آمار ۲۰۲۱ نیمی از امریکاییان احساس تنهایی می کنند و مطابق همین گزارش دریافته اندکه جوانان تقریبا دو برابر افراد بالای ۶۵ سال از تنهایی رنج میبرند

دکتر ویوک مرتی - جراح عمومی -غالباً درباره کاهش وابستگیهای اجتماعی سخن گفته و کتابی در ۲۰۲۰ دراین باره نوشته است: «باهم؛ قدرت بهبود بخشی ارتباط بشری در دنیایی که گهگاه مردم احساس تنهایی میکنند»

گاهی ما گمان می کنیم تنها هستیم. در این حال باید برای برقراری مجدد و ایجاد ارتباط با دیگران تلاش کنیم. من از دکتر مرتی خواستم توصیه های بیشتری با ما در میان بگذارد :

مجددبا دیگران ارتباط برقرار کنید

برای شروع، ۱۵دقیقه در روزبا دوستی یا خویشاوندی تماس بگیرید؛ در صورت احتیاج روی تقویمتان یادداشت کنید، بدین نحو این کار دردرجه اول قرار میگیرد. رشد ارتباطهای شما بستگی به ادامه آنها دارد.

« این گفتگوی شخص به شخص تا مدتی طولانی بعد از ان احساس خوشایندی به ما می دهد واز اینکه رابطه امان برقرار شده خوشحال می شویم.

بنا به توصیهٔدکتر مرتی، حتی مکالمه ای کوتاه نشان می دهد چقدر به طرف گفتگو اعتماد دارید و تأکید میکند با کسی که گفتگو میکنید « یکرنگ

باشید » او میگوید « نباید به آنچه نیستیم تظاهر کنیم، سعی کنیم با خودمان صادق و روراست باشیم. این امر ممکن است برای خودمان هم نا آشنا باشد، اما به خاطر داشته باشید مردم ذاتا گرایش به ارتباط دارند. بیان صادقانه ودعوت دیگران به صادق بودن می تواند به طور قابل ملاحظه ای مؤثر باشد.

عدم توجه را به حداقل برسانید

وقتی کسی با شما صحبت میکند، چند بار به تلفنتان نگاه می کنید؟ موقع غذا خوردن چطور؟ دیگران هم هنگامی که با شما صحبت می کنند همین گونه با شما رفتار میکنند؟ برای یک مکالمه با کیفیت، وسایل ارتباطی را کنار بگذارید و حواستان را کاملا جمع کنید

بایدپاسخگوی لحن گفتار او باشیم و اشارات و«تن گفتار » او را درک کنیم. اما بسیاری از این علامات و اشاره ها را باارتباط الکترونیکی رفته رفته از دست خواهیم داد.

وقتی کسی زنگ میزند، جواب دهید

تصور کنید تلفنتان زنگ میزند، می بینید این تلفن از یکی از دوستان دانشکده است که مدتها از او بیخبر بوده اید.اما بجای اینکه پاسخ بدهید، تصمیم می گیرید جواب ندهید، به خودتان میگویید بعدا به او زنگ می زنم که سر فرصت با هم صحبت کنیم. دکتر مرتی می گوید:

دفعهٔ بعد گوشی را بردارید.

اگر مشغول کاری هستید، بگویید: هي! از شنیدن صدايت

ترجمه دکتر محمدعلی صوتی

وقتی به دیگران کمک میکنیم تجربه یا ارتباطی را با آنان برقرار میکنیم، در ضمن به خودمان یادآور می شویم در این جهان مفید واقع شده ایم. این امری اساسی است، زیرا مردم بعداز مدتی دست و پنجه نرم کردن با تنهایی از قابلیتهای خود غافل می مانندو اعتماد به نفس در آنان تضعیف می شود.

رفته رفته اینگونه افراد به این نتیجه میرسندعلت تنهاییشان برای اینست که خوش برخورد یا قابل معاشرت نیستند؛وقتی به دیگران کمک می کنیم، پی می بریم این امر حقیقت ندارد.

از دیگران کمک نخواهید

اگر از تنهایی رنج می برید، به کسی بگویید. او ممکن است دوست یا

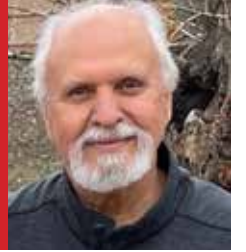


پزشک باشد.اگر همواره به علت تنهایی احساس غم ونومیدی می کنید واین امر مانع انجام کارهای روزمره و فعالیتهایی که قبلا باعث شادی و رضایت خاطر می گردید، می شود این را زنگ خطری بحساب آورید و باید با متخصص صحبت کنید. اگر متوجه میشویدفکر صدمه زدن به خودرادرید

به شماره ۹۸۸ -خط بحران زنگ میکند

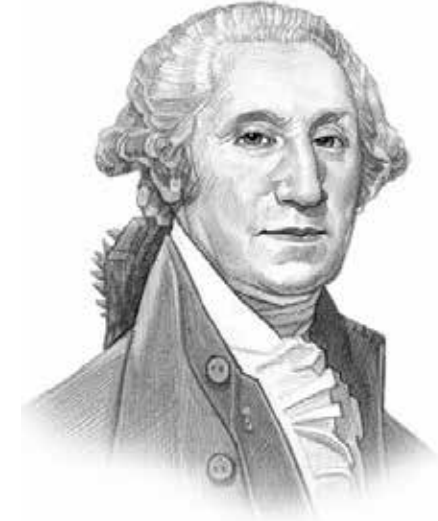
درنظر بگیرید وقتتان را در سازمانی در ناحیهٔخودتان صرف کنید یا به خانواده

تان، همکاران ودوستان کمک کنید.



اندیشه های ناب

George Washington



آبادگر و ویرانگر

چندی پیش به واشنگتن دی سی سفر کردم و گذری به Mount Vernon (مانت ورنن) در ایالت ویرجینیا داشتم که خانه و محل دفن جرج واشنگتن نخستین رئیس جمهور آمریکا در آنجا بود. دانستی های زیادی در این مکان وجود داشت.

جرج واشنگتن در ۲۲ فوریه ۱۷۳۲ میلادی در پاپ کریک واقع در وست مرنلند، ویرجینیا بدنیا آمد و در ۱۴ دسامبر ۱۷۹۹ میلادی درگذشت. او از سال ۱۷۸۹ تا ۱۷۹۷ رئیس جمهور آمریکا بود. واشنگتن از پیشاهنگان انقلاب آمریکا بود که میهن دوستان را در انقلاب این کشور رهبری نمود و می توان گفت از بنیان گذاران ایالات متحده آمریکا بشمار می رود. او غیر از این که یک ژنرال نظامی بود، نخبه ای بود در تجارت و سیاست گذاری. جرج واشنگتن در زمان خود پیرو هیچ گروه سیاسی نبود. او به مجلس ویرجینیا راه پیدا کرد و سپس به فرماندهی ارتش انتخاب شد. در تصویب قانون اساسی آمریکا نقش بسزائی داشت.

گسترش و اشاعه معرفت باشد.

از مواردی که می تواند انسان را به نیک بختی برساند، داشتن وجدان است، اما متأسفانه در کشور ما در این ۴۴ سال برخی با چرب زبانی که نیت نا پاکي است و در قلب آنها حکومت می کند، کشور را به پسروی کشانده اند. سعدی داستانی در مورد تزویر و ریاکاری زاهدان دارد و می گوید: «زاهدی میهمان پادشاهی بود، چون به طعام بنشینند کمتر از آن خورد که ارادت او بود و چون به نماز برخواستند بیش از آن کرد که عادت او، تا ظنّ صلاحیت در حق او زیادت کنند.» (آراکل خواجه تورینس، مرگ دانش در ایران، ص. ۱۶۷)

ایران با داشتن تاریخی سه هزار ساله از آمریکائی که تاریخ آن بیشتر از دوپست و پنجاه سال نیست از نظر سطح زندگی، اقتصاد، و آزادی های اجتماعی عقب مانده تر است. یکی از علت های پس رفتن کشور ما، نخست عدم پیروی از قانون اساسی است که خود رژیم نوشته است. نمونه مشخص آن نبودن آزادی بیان و قلم است. نویسدگان، روزنامه نگاران، و حقوق دانان که معرفت و آگاهی دارند در زندان ها اسیر شده اند. دانشگاه هم

که بقول آنان مرکز فساد است. در ایران ما بجای گسترش مراکز پرورش فکری، امام زاده ها و مساجد فراوانند و آخوندها با گفتار قرون وسطائی خود رکود فکری را در مغز برخی از مردم تزریق می کنند. «امروزه رژیم آخوندی به لطف بی خردی تمامی سردمداران، اطراف خود را از ابله ترین نیروها پر کرده است.»

گرچه جرج واشنگتن عده زیادی را به بردگی گرفته بود، اما بعد از تهیه قانون اساسی، پیشرفت و رفاه مردم را در نظر داشت و کوشش می کرد که دمکراسی را در کشور پیاده کند نه اینکه حکومت مطلقه باشد و مثل ایران انتخابات فرمایشی باشد.



عبارت ومزرعه واشنگتن در مانت ورنون

چیستان

۱- چه باشد آن ضعیف هشت پائی
ز تار و دست و پاهای بلندش

۲- سئوالی دارم از تو ای پسر جان
چه حیوان سه حرفی می شناسی

۳- نیکو به نیکنام گفت: دراتاقی سه مادر و سه دختر نشسته اند آیا می دانی حداقل چند نفر دراتاق هستند؟

پاسخ چیستان ها در شماره آینده

پاسخ چیستان های شماره پیش

۱- ماه ۲- ارزن ۳- گل میمون

کلبه کتاب

مرکز پنخ نشریه مانده آزادی دلوس آنجلس

بادرود، من کیخسرو بهروزی، کلبه ای دارم دروست وود
لوس آنجلس بنام کلبه کتاب. در این کلبه در خدمت دوستداران
کتاب وفرهنگیان هستم

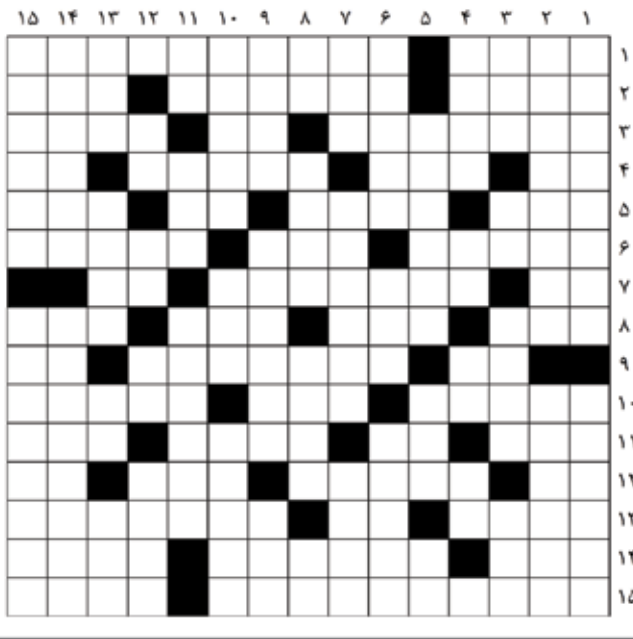
بیایید با هنر و ادب آشتی کنیم

کتابهای مورد نظر تان را برای شما پُست می کنیم و کتابهای
کمیاب شمارا می خریم و کتاب کمیاب مورد نظر شمارا برای تان
تهیه و در اختیار تان می گذاریم

Kolbeh Ketab
1518 Westwood Blvd.
Los Angeles, CA 90024

Tel: (310) 446-6151

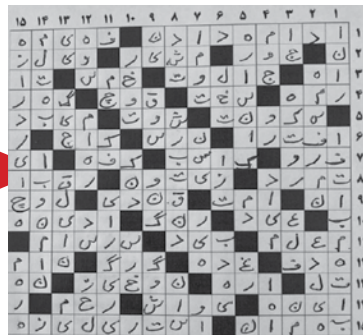
جدول کلمات متقاطع



رشی: ۱- ایستگاهی در خط یک متروی تهران- سراینده سرود «ای ایران» ۲- شاغل در سفارتخانه- دودل- پسوند شباهت ۳- عواطف یا هیجانات- علامت مصدر جعلی- هرزنامه ۴- پاروای قایقرانان- قسمت جلوی زین اسب- جنگجو- خاک سرخ ۵- سینمای سوخته آبادان- کشوری در غرب آفریقا- عادت- دندان نیش ۶- نام همسر سلیمان(ع)- قسم و گونه- عنصر شیمیایی که عدد اتمی آن ۲۵ است ۷- چهارمین تبریزی- فیلمی به کارگردانی، حمیدرضا محسنی- اطوار ۸- وسیله احتیاطی اضافی- بالای پا- دوست و رفیق- تیردان ۹- خطاب بی ادبانه- زشت و ناپسند- میدهند تار سوکانند ۱۰- نوعی وضو- بدون آن زندگی میسر نیست- رنگین کمان ۱۱- جوش ریز بدن- حیوانات دارند- بیماری کم خونی- فیگور ۱۲- پنج ترکی- ملخ- بشیمانی- عدد نخستین ۱۳- تمامی- بی مهار- نخستین زن افسانه یونانی ۱۴- نوعی سبک موسیقی- نگاه داشتن- شاعر انگلیسی ۱۵- نویسنده انگلیسی خالق اثر چهار فصل- خوش قامت

عمود: ۱- نوعی کشتی- مکان به مکان، نقطه به نقطه ۲- معادل فارسی کیبورد- فراوان ۳- زدن به بستنی- سقف دهان- از بیماریها- ابزار بریدن چرم ۴- ساز و برگ اسب- تیرپیکاندار- مساوی- پسوند حاصل مصدر ۵- قیچی مطبوعات- مقصود- خاندان ۶- جمع حاشیه- بیهوده- تنها ۷- فاقد استحکام لازم- متحرک- از سازهای زهی ۸- شمای بیگانه- نقطه پایان عمل «سعی» در حج- قدرت- صدای پنچری ۹- جانشین- از شعب ۲۴ گانه موسیقی ایرانی- تمیز ۱۰- جسور- درخت انگور- چشم اندازها ۱۱- قدم یکپا- از امپراتوریهای باستان- تافتن ۱۲- حرص- زدن بهانه جو- مقابل خوب- دوران دیش ۱۳- ابریشم پست- طرز دیدن- پژمردگی- حرص شدید ۱۴- قرص تب بر- ماده ای در صابون ۱۵- محل تفریحی لاهیجان- کیک پنیر سوئدی

حل جدول در شماره آینده



پانخ جدول کلمات متقاطع

شماره پیش

دیدنی های مربوط به ایران زمین

ایوان مداین

هان‌ای‌دل‌عبرت‌بین‌از‌دیده‌نظر‌کن‌هان ایوان مداین را آیینه عبرت دان **ایوان مداین** --بخشی از کاخ سلطنتی بزرگی بود که اندازه آن را امروزه در حدود ۳۶۵ در ۲۷۵ متر تخمین زده اند. ارتفاع ایوان مداین حدود ۳۷ متر و دهانه آن ۲۵متر و نمای آن از آجرهای سرخ رنگ بوده‌است. تاق کسرا و کاخ کسری پس از حمله اعراب به ایران آسیب های زیادی دیدند و بخش های گسترده ای از آن ویران شدند.اطراف این کاخ نیز آثار تاریخی دیگری وجود داشته اند که اکنون خرابه هایی از آن باقی مانده است.

تاق کسری کجاست–اکنون در کشور عراق و در استان دیاله قرار دارد. این اثر تاریخی در فاصله ۴۰ کیلومتری جنوب شرقی شهر بغداد در ساحل شرقی رود دجله دقرار دارد. در زمان ایران باستان قلمرو حکومت ایرانیان بسیار گسترده بود. بر اساس متون پهلوی به جا مانده از زمان های دور، کاخ کسرا و هم چنین ایوان مداین در زمان پادشاهی شاپور اول ، یکی از پادشاهان مشهور ساسانی ساخته شدند. اما بسیاری دیگر از باستانشناسان زمان ساخت این بنای تاریخی را مربوط به حکومت اشکانیان میدانند، اما گسترش و بازسازی و توسعه این بنا را به زمان حکومت ساسانیان و از جمله پادشاهی انوشیروان دادگر می دانند.

این اثر تاریخی برجسته در گذشته در شهری به نام تیسفون قرار داشت .شهر تیسفون و شهر ها و مناطق اطراف آن در حال حاضر بخش هایی از شهر مداین عراق هستند . قرار گرفتن تاق کسری در کشور عراق و عدم رسیدگی به آن ، سبب آسیب فراوان به این بنای باستانی شده است.

داستان ساخت تاق کسری ---در باره ساخت کاخ و ایوان مداین داستانی در شاهنامه فردوسی به چشم می خورد. در این داستان آمده است که خسرو پرویز پادشاه مشهور ساسانی برای ساختن کاخی بلند و باشکوه تمام

ایوان مداین



معماران را دعوت کرد ، تا از آن میان بهترین را انتخاب کند.

کنون از مداین سخن نو کنم
سخن ها ز ایوان خسرو کنم
که خسرو فرستاد کس ها به روم
به هند و به چین و به آباد و بوم
یکی از جالب ترین نکته ها در این داستان گزینش خسرو پرویز از میان تعداد زیاد معماران است، که در گذشته چندان معمول نبود. معمار برگزیده پادشاه فرقان نام داشت و با پذیرفتن شرایط خسرو پرویز شروع به ساختن کاخ و ایوان کسری نمود. پهنای دیوار های کاخ در حدود ۱۰ متر بود به همین دلیل فرقان دستور داد تا پی دیوار ها را عمیق حفر کنند. سپس فرقان از شاه خواست که مدت مدیدی برای نشست احتمالی دیوار صبر کند، و پس از آن وی کار ساخت کاخ را انجام دهد. اما خسرو پرویز که میخواست هر چه زودتر کار ساخت



اشرف حمیدی- نیوشیار



زمین اکنون دیگر اثری از بنا و کاخ باقی نمانده بود.خسرو پرویز که از دانش و مهارت فرقان متعجب شده بود وی را تشویق نمود و فرمان داد تا کارساخت بنا را به پایان برساند. اتمام ساخت کاخ و تاق کسری تا هفت سال پس از آن طول کشید . در ساختمان این بنا از سنگهای قیمتی و زیبایی استفاده کردند. مهارت مهندسی و شیوه ساخت بنایی با این عظمت امروزه نیز توجه علاقمندان به معماری را به خود جلب کرده است.

در طول سالهای متمادی بسیاری از معماران جهان با الهام گرفتن از این بنا سازه هایی را طراحی کرده اند ، تاق موزه ایران باستان که بوسیله (آندره گدار)معمار برجسته فرانسوی طراحی شده ، الگو گرفته از این بنا است.

تاق کسری بلندترین تاق سقفی در جهان است که تنها با مصالح و ملات آن را ساخته اند و هیچگونه قالب بندی در پیکره آن وجود ندارد. هم چنین قالی معروف ایرانی به نام بهارستان در این کاخ قرار داشت که در حمله اعراب به این کاخ ، آن را تکه تکه کردند و به غنیمت بردند.

قرار گرفتن تاق کسری در عراق و بی اهمیت شمردن ایوان مداین ، موجب شده تا علیرغم مشخصه های برجسته تاریخی این بنا در فهرست میراث جهانی یونسکو ثبت نگردد.

متاسفانه در سال ۲۰۲۱میلادی بخش های دیگری از سقف تاق کسرا نیز فرو ریخت. شکاف تاق کسرا نیز بر اثر گذشت زمان روز به روز در حال پیشرفت است و خطر نابودی کامل این بنای تاریخی ۲۰۰۰ ساله را تهدید می کند.کارشناسان ایرانی با بازدید از تاق کسرا احتمال ریزش کامل بنا را محتمل می دانند.

با امید اینکه سازمان میراث فرهنگی ایران و دولت عراق دغدغه بیشتری برای حفظ این بنای تاریخی و ارزشمند داشته باشند. اما زهی افسوس !🙏🏻

روحپور شیرانی

نیت مهم است؛ نه اعمال ...

نیت مهم است؛ نه اعمال ...

به یاد داشته باشیم در دنیایی که همه انسان ها از ساز و کارهای مختلف با هم پیوسته و متصل هستیم و رفتار یک نفر بر روی دیگران تاثیر خواهد گذاشت، لذا وقتی مشکلاتی عمومی پیش می آید، عده ای به قصد نجات خود رفتارهایی می کنند که ستم بر عموم مردم است. این کار چارهٔ نجات نیست چون بلاخره جایی گرفتاری نصیب ما خواهد کرد. برای نجات از بلاهای عمومی، هیچ چاره ای به جز گذشتن از خطای کسانی که ذات آنها شیطانی است ، وجود ندارد. همچنان باید به یاد داشته باشیم که مولانا در غزلی گفته است؛

چون بسی ابلیس آدم روی هست
پس به هر دستی نشاید داد دست
ز آنکه صیاد آورد بانگ صفیر
تا فریبد مرغ را آن مرغ گیر
بشود آن مرغ بانگ جنس خویش
از هوا آید بیابد دام و نیش
حرف درویشان بدزدد مرد دون
تا بخواند بر سلیمی ز ان فسون
کار مردان روشنی و گرمی است
کار دونان حيله و بی‌شرمی است

مجددزنده به علی گفت مادرش روزی...

باکلام خدا بترسانند
روزوشب درفریب انسانند
مُهرتزویر را بجسیانند
گویدت عابد و مسلمانند
درعمل دشمنان قرآنند
مثل موروملخ فراوانند
این گروهند که حکم می رانند
ذره ای از وطن نمی دانند
دشمن خاک پاک ایرانند
گرترابهترین سخن رانند
ازبهشت برین نمی رانند
دوستان تو احمقت خوانند
گردنت را شکسته خواهانند
کهه خلایق ره ز آنانند
کن حذرزین کسان که شیطانند

ببخشیم و مراقب باشیم
دوستان اطرافمان نیت خالص و فرشته گونه
دارند تا در زندگی مان همراهان خوب
و صادقی باشند.

به قول مولوی درغزل دیگری می گوید:
هین مَنّرس از چشم بد وان ماه را پنهان
مکن
آن مه نادر که او در خانهٔ جوزا نبود
از چشم بد ترسی نداشته باشید،
ماه روی خود را پنهان میکند، روی تو
ماه نادریست که حتی در صورت فلکی
جوزا هم یافت نمی شود.

حضرت عشق، جناب مولانا در این ابیات به ما یادآوری می کنند که اگر انسان های بدخواه و بد نیت نتوانند صورت و سیرت نیکو و دانش و کمال تو را تحمل کنند، نباید بهانه ای شود که تو خوبی هایت را از دوستان و همدلانت پنهان کنی چون خداوند حافظ و نگهدار تو می باشد. باید همچنان بر نیت خوب خود بمانی و نباید نیت بددلان بر رأی تو تاثیر بگذارند و به یاد آوریم ، با ستم کردن نمی توان بلا را دفع کرد، چارهٔ آن نیکی کردن وبخشش و لطف است.

جملات زیبا چیست .
در این رابطه شمس تبریزی می فرماید:
همه‌ی خاطر‌ها بر سه قسم است؛
یکی خاطر، خانه ی دیو است با فریشته

به هم
دمی فریشته بیرون رفت دیو درآمد و
دمی فرشته درآمد دیو را بیرون راند
و یک خاطر دیگر خاص آن فریشته است
دیو در او در نیاید. در این گفته شمس
نشان از آن می دهد نیت و قصد برخی
خانه دیو است که به صورت فرشته در
می آید . لذا باید همچنان خود را مانند
فرشته نگه داشت تا نیت و مقاصد
شیطانی و دیوی که در اطراف ما هست
از خود بیرون برانیم.

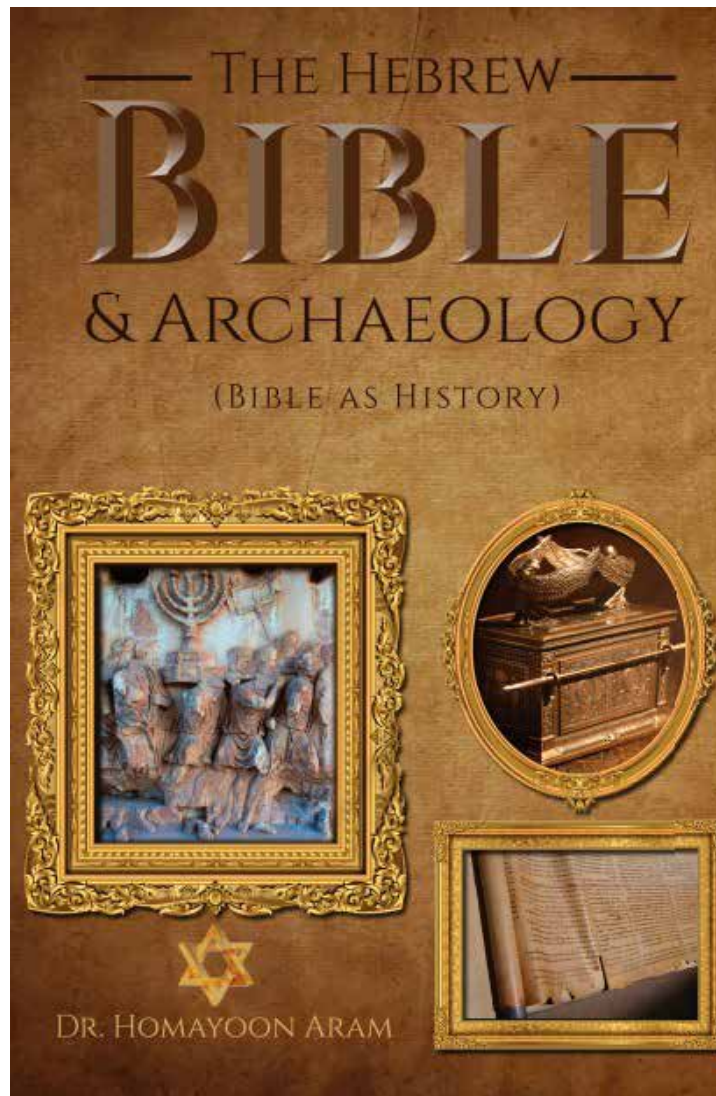
البته باید به این نکته توجه کرد که
برخی از عارفان می گویند نیت خوب
بهانه ای برای اعمال مضر نیست. ...
بسیاری ممکن است از «نیت اصلی»
خود به عنوان راهی برای دفاع از خود
استفاده کنند، از پاسخگویی دوری
کنند و تقصیر را بپذیرند. غریبه ها،
همکاران و حتی دوستانی که هنگام
عذرخواهی در مورد قصد صحبت می
کنند، ممکن است متعهد به اصلاح
رفتار خود نشوند.

بنابراین اعمال و گفتار دیگران می تواند
باعث آسیب شود، لذا اعمال و گفتار
دیگران اهمیت دارد. اما نیت نیز باید
مهم باشد ، تا ما جهان را معنا کنیم و
تغییری ایجاد کنیم. درک نیت می تواند
به ما کمک کند تا نسبت به هموعان
خود احساس بهتری داشته باشیم.
این واقعیت که نیت خوب همیشه نتایج
خوبی ایجاد نمی کند ، یکی از ناراحت
کننده ترین ایده ها در بشر دوستی
است. ... با این حال، فکر می کنم بسیار
مهم است که کسانی از ما که به دنبال
تشویق تمرکز بر نتایج خوب هستیم،
این کار را به گونه ای انجام دهیم که
نیت خوب مردم را تضعیف نکنند.

زندگی با نیت یعنی داشتن یک زندگی
متعادل تر که پر از معنا و هدف است.
... ما باید روزانه همراه شکرگزاری
از زندگی نیت و مقاصد خود را معنا

برون رامی نواز، پچو یوسف

درون گرگی ست کور قصد خونت



The Hebrew Bible & Archaeology, (historical review)

by **Dr. Homayoon Aram**

It is Aunique, documentary, educational and research book based on the connection between Jewish sacred writings, and archaeological findings.

The book is in English and Persian, including 18 chapters with color pictures.

The book is a valuable work in order to prove the authenticity of Torah, Nevi'im and writings.

A book is contentful, which is recommended to be read more than once.

The price of the book is 30 dollars including postage in the United States.

To get the book, you can call:

516-466-0955

Or by email address:

liliaram2@gmail.com

کتاب « عهد عتیق (توراه، نوئیم، نوشتجات) و کشفیات باستان شناسی» (بررسی تاریخی) نگارش دکتر همایون آرام

کتابی منحصر بفرد، مستند، آموزشی و تحقیقی در ارتباط نوشته های مقدس یهود با یافته های باستان شناسی

کتاب به زبان انگلیسی و ترجمه فارسی، شامل ۱۸ فصل

همراه با تصاویر رنگی

کتاب اثری است ارزنده در راستای اثبات درستی و تحقنیت مطالب توراه، نوئیم و نوشتجات

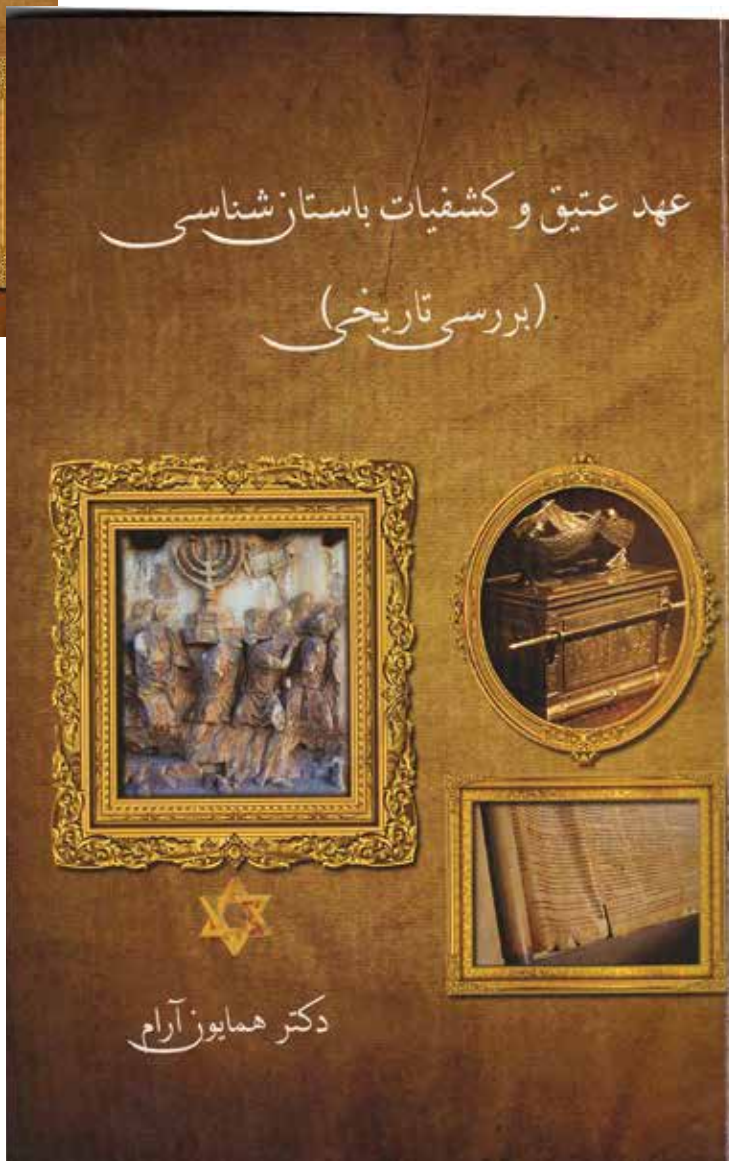
کتابی پر محتوا، که خواندن بیش از یکبار آن توصیه می گردد.

بهای کتاب ۳۰ دلار شامل هزینه پستی در ایالات متحده است.

جهت تهیه کتاب با تلفن: ۰۹۵۵-۴۶۶-۵۱۶ می توانید

تماس بگیرید. یا با ایمیل زیر کتاب را سفارش دهید:

liliaram2@gmail.com



که به شرح حال زندگی هنری او می پردازیم:

قمرالملوک وزیری: قمر مادر بزرگی داشت بنام خیرالنساء که روضه خوان بود و قمر پای منبر بصدای خوش مادر بزرگش گوش فرامیداد و بشیوه او نیز خوانندگی میکرد. اما بعد از مدتی مجالس روضه خوانی را ترک گفت و از خوانندگان بزرگ و خوب مجلسی شد. و روز بروز بر شهرت او افزوده می گشت تا آنجا که بزرگترین زن خواننده عصر خود گردید. اولین معلم قمر پس از ورود به مجالس هنری شخصی بود بنام رضاقلی خان (معروف به نظمی) ولی بعداً شیوه



دربار قاجار مخصوصاً دربار فتحعلیشاه و دربار ناصرالدین شاه را بایستی مرکز توسعه و پرورش و تشویق هنر موسیقی سنتی برای بانوان دانست. در دوره سلطنت طولانی ناصرالدینشاه که مدت ۵۰ سال بطول انجامید و عشق و علاقه این پادشاه به عیش و عشرت - دانستن موسیقی بر امتیاز بانوان درباری بیافزود. و آموختن آن بین این طبقه همچنان معمول بود و بخارج دربار نیز سرایت کرد. در بین خانمهای رجال درباری و اعیان و بزرگان دولت نیز فرا گرفتن موسیقی متداول شد ولی چون این هنرمندان موسیقی را حرفه اصلی خود ندانسته و به حرف دیگری می پرداختند بنابراین نامی از این بانوان هنرمند دوره قاجاریه به ثبت نرسیده است. پس از انقراض سلسله قاجاریه موسیقی نیز رونق خود را از دست داد و داوطلب آموختن این هنر در بین بانوان به کمترین حد رسید. در این دوره روضه خوانی زنانه باروضه خوان زن رایج بود و خوانندگان خوبی در بین این زنان خواننده وجود داشت ولی تنها خواننده زنی که در بین این خوانندگان شهرت رسید قمرالملوک وزیری بود

آنجلس تایمز او را بزرگترین خواننده تاریخ موسیقی سنتی ایران نامید. محمدرضا شجریان قطعات آوازی متعددی در زمینه موسیقی های محلی مانند مازندرانی، آذری، کردی و لری دارد. وی بعد از پشتیبانی از جنبش سبز مردم ایران که با مخالفت با رژیم اسلامی برپا شده بود از اجرای برنامه های هنری در داخل ایران منع گردید. وی در اواخر عمر به بیماری صعب العلاجی مبتلا و در ۱۷ مهر ماه سال ۱۳۹۹ زندگی را بدرود گفت. تشییع جنازه ای که از او بعمل آمد در تاریخ هنری ایران بی سابقه است دیگر از خوانندگان مرد که در زمینه موسیقی ملی ایران بشهرت رسیده اند بایستی از **حسین موسیقی (ملا حسین یزدی)** **حسین اصفهانی، قاضی عسکر، آقا سلیمان اصفهانی، حسین ادیب، اکبر لقا** (معروف به جقه) **حسن پیوندی** (از همدان) **سید حبیب الله ستایشگر و حسین مفید** (از مشهد) و **منوچهر همایون پور** نام برد که برای جلوگیری از تطویل کلام از ذکر شرح حال هر یک خودداری می شود.

خوانندگان بنام زن:

دربار قاجار مخصوصاً دربار فتحعلیشاه و دربار ناصرالدین شاه را بایستی مرکز توسعه و پرورش و تشویق هنر موسیقی سنتی برای بانوان دانست. در دوره سلطنت طولانی ناصرالدینشاه که مدت ۵۰ سال بطول انجامید و عشق و علاقه این پادشاه به عیش و عشرت - دانستن موسیقی بر امتیاز بانوان درباری بیافزود. و آموختن آن بین این طبقه همچنان معمول بود و بخارج دربار نیز سرایت کرد. در بین خانمهای رجال درباری و اعیان و بزرگان دولت نیز فرا گرفتن موسیقی متداول شد ولی چون این هنرمندان موسیقی را حرفه اصلی خود ندانسته و به حرف دیگری می پرداختند بنابراین نامی از این بانوان هنرمند دوره قاجاریه به ثبت نرسیده است. پس از انقراض سلسله قاجاریه موسیقی نیز رونق خود را از دست داد و داوطلب آموختن این هنر در بین بانوان به کمترین حد رسید. در این دوره روضه خوانی زنانه باروضه خوان زن رایج بود و خوانندگان خوبی در بین این زنان خواننده وجود داشت ولی تنها خواننده زنی که در بین این خوانندگان شهرت رسید قمرالملوک وزیری بود



باسلیقه و استادی کم نظیر. مردی بود متین و باعزت و عاری از خودخواهی و هنرمندی باهوش و قریحه. از وی صفحات زیادی بیادگار مانده است که ضبط یکی از آنها در دستگاه همایون قدرت و مهارت این خواننده را بوضوح نشان می دهد.

محمدرضا شجریان: بدون شک او را بایستی بعد از بنان یکی از بزرگترین و مطلع ترین خوانندگان دوران اخیر موسیقی ملی ایران شمرد. وی که ابتدا بنام مستعار «سیاوش» خوانندگی را در رادیو شروع کرد بعداً بنام حقیقی خودش «شجریان» مشهور عام و خاص شد و علاوه بر خوانندگی که او را در صدر خوانندگان قرارداد از هنر خوشنویسی نیز برخوردار بود و هنرمند صنعتگری بود که آلات موسیقی نیز می ساخت که در نوع خود بی نظیر بودند.

محمدرضا شجریان در سال ۱۳۳۸ بکار خوانندگی پرداخت. او در سال ۱۳۱۹ در شهر مشهد بدنیا آمده و از اولین استادان او بایستی از احمد عبادی، اسماعیل مهرتاش، عبدالله دوامی و نورعلی برومند نام برد. سبکی که او در آواز ایران ارائه داد مخلوطی بود از سبک رضاقلی میرزا ظلی، قمرالملوک وزیری، اقبال آذر و تاج اصفهانی. وی در خاطراتش از جلیل شهنواز نام می برد که مشوق وی در فرا گرفتن گوشه های مهجور در ردیف موسیقی ملی بوده است. محمدرضا شجریان در مدت ۱۸ سالی که در اوج شهرت بود از همکاری بزرگانی چون پرویز مشکاتیان، محمدرضا لطفی، حسین علیزاده، فرامرز پایور، داریوش پیر نیاکان و سهراب پورناظری بهره برد. سازمان یونسکو در سال ۱۹۹۹ در فرانسه به او نشان هنری پیکاسورا اعطا کرد و در سال ۲۰۰۶ میلادی نیز مدال هنری موزارت باو اعطا گردید. در سال ۲۰۱۷ روزنامه لوس



دنباله خوانندگان بنام از شماره پیش خالق در ادامه می نویسد: «سید رحیم از تعلیم به علاقمندان به آواز خودداری می کرد و به اصطلاح بخل می ورزید تا اینکه طاهرزاده سعی می کند بهر نحو که شده سید رحیم را سر ذوق آورد که به او تعلیم دهد. بدین جهت بدفعات سید رحیم رادعوت به شام و میهمانی می کند تا اینکه رفته رفته رفتار او نسبت به طاهرزاده تعدیل پیدا کرده و رموز خوش خواندن و تحریرات صحیح را به طاهرزاده می آموزد.» خالق در قسمت دیگر کتاب خود در مورد طاهرزاده می گوید: «حسام السلطنه ویلونیست ماهری بود و ردیف موسیقی را با مهارت اجرا می کرد. وقتی طاهر را به او معرفی کردند هردو از این آشنائی مشعوف شده و بزودی بایکدیگر مأنوس گردیدند. در آن موقع طاهرزاده به دستگاهها و گوشه های ایرانی وارد نبود از این لحاظ طاهرزاده رانه یعنوان شاگرد بلکه یک دوست راهنمایی کرد و با کمک دستگاه فونوگراف که حسام السلطنه داشت و قطعات موسیقی را که طاهرزاده خوانده بود ضبط می کردند گوش دادن مجدد به صدای ضبط شده راهنمای طاهرزاده بود به رفع اشتباهات و پرورش صدای خود پرداخت...»

تاج اصفهانی: از خوانندگان خوش صدا و ردیف دان اصفهانی است که مهارت خاصی در اوج خوانی داشت. و تحریرات را در اوج نیز بوضوح ادا می کرد. پدر تاج اصفهانی از خوانندگان خوب منبری اصفهان بود و این هنر را به فرزندش به ارث گذاشت. تاج اصفهانی خواننده ای بود مطلع و

مایکل مبشری – **آلمان**

کمپلکس امنیت در عصر حاضر

امنیت یک نیاز ضروری و بنیادین انسان است و تامین امنیت در چارچوب سیاستگزاری جامع امنیتی یکی از دستورکارها و وظایف پایه‌ای دولتها، بویژه دولتهای مدرن می باشد. اینکه جامعه عمل پوشاندن به این مهم همواره دشوارتر می شود تا حدودی به معنای این واژه باز می گردد. واژهٔ «امنیت» در واقع یک مفهوم کلی در توصیف یک جریان و یا یک وضعیت با ساختاری پیچیده است که دارای ابعاد حقوقی، فردی و گروهی، هم در سطح دولتی و هم در سطح اجتماعی می باشد. به همین دلیل تعیین و تعریف دقیق این واژه آسان نیست. بنابراین یکی از پیشنهادات رایج و مورد توافق اکثریت دانش آموختگان این رشته برای تعریف «امنیت»، «اتلاق آن به شرایط یا وضعیتی است که فرد، جامعه و دولت، تدبیر و توانایی،امکانات وساختارهای لازم برای کنترل و همچنین مقابله با ریسکها و خطراتی را داشته باشند که جان، سلامتی، تامین رفاه، نظم سیاسی-فرهنگی-اجتماعی- اقتصادی که موجودیت کشور و انسانهای ساکن در آن کشور را تهدید می کنند و یا در آینده ای دور یا نزدیک احتمال بروز دارند.»[۱] از این رو «امنیت» یک وضعیت ساکن نیست بلکه مدام تغییر می کند و باید بطور مستمر و دقیق مورد ارزیابی، سنجش و بازنگری قرار گیرد و سیاستگزاری امنیتی به اقتضای آن، پیوسته برنامه ریزی، اصلاح و اجرا شود. امنیت تنها به جریانات بخش جرایم و بزهکاری، امور انتظامی، نظامی و فعالیت دستگاه جاسوسی محدود نمی شود، بلکه همانگونه که تعریف این واژه نمایان می دارد، ابعاد گسترده تری دارد که امنیت زیرساختهای حساس همچون تامین امنیت نیروگاههای آب و برق، سدها، کشاورزی، تامین انرژی(برق،گاز،بنزین،گازوئیل و سایر فرآورده های پتروشیمی)، امنیت گردش مالی(بانک، مالیات و دارایی و بخش اقتصادی)، مسیرهای عبور و مرور و انتقال کالا(راه های شوسه، راه آهن، فرودگاه و بندرها)، مراکز درمانی و تامین بهداشت و سلامت جمعیت، مراکز آموزشی مهجز و همچنین تامین امنیت روانی و جسمی(امنیت روانی اجتماعی) را نیز شامل می شود. از جمله‌مهمترین سیاستگزاریهای امنیتی، مطالعه و سنجش ریسکها و مخاطرات امنیتی در مورد تهدیدات سلامت و بهداشت(مثل پاندمی)، خطر جنگ(در سطح محلی، منطقه ای و یا بین المللی)، مشکلات اقتصادی(تورم، کمیابی برخی کالاها، بیکاری) را می توان نام برد. مواردی چون وجود اختناق سیاسی، تهدید و تخریب محیط زیست، کمبود منابع

آب سالم و تغذیه، شکاف طبقاتی، فقر و نابرابریهای اجتماعی که به ایجاد ناخشنودی جمعی و بروز تنش و شورش در بستر جامعه می انجامند از دیگر ریسکهای امنیت به شمار می روند که تدریجاً به عرصهٔ «تهدیدات امنیتی» وارد شده‌اند، زیرا اینگونه تهدیدات امنیتی می توانند در دراز مدت سبب برانگیختن موجهای مهاجرت شوند و امنیت کشورهای دیگر را نیز با تهدید مواجه کنند. مشکلات اقتصادی، دیکتاتوری و نبودن دولتهای باثبات، تنشهای قومی و جنگهای داخلی بر سر کنترل منابع فسیلی و کانی، تخریب محیط زیست، فقدان منابع آب و غذایی و زیرساختها در آفریقا و سایر کشورها موسوم به «جهان سوم) از دیرباز سبب فرار جمعیت و مهاجرت به نیمکرهٔ شمالی بوده اند. از سال ۲۰۱۵ میلادی بحران سوریه(۵٫۷ میلیون)، افغانستان(۶٫۷ میلیون) و عراق(۵٫۷ میلیون) پناهجو تولید کردند و تهاجم روسیه به اوکراین در سال ۲۰۲۰ سبب ایجاد موجهای متعدد و مداوم پناهجویان اوکراینی(در جمع ۱۱ میلیون؛ ۱٫۵ میلیون در آلمان) شد. بیشتر این پناهجویان تا سال ۲۰۲۲ به اروپا و بویژه اروپای غربی و شمالی سرازیر شدند[۲] و زیرساختهای کشورهای میزبان برای مدیریت و مواجه با آن کافی نبود؛ این وضعیت رفته رفته امنیترفاهی و ثبات اجتماعی-اقتصادی در کشورهای میزبان را به چالش کشید. پیش از این، در حین جنگ با تروریسم بین المللی اسلامی، کنترل امنیت داخلی و خارجی در اروپا حتا برای مدتی تقریباً از دست برخی دولتها خارج شده و اعتراضات اجتماعی به این وضعیت بالا گرفته بود. این وضعیت به خودی خود سبب ظهور دوبارهٔ جنبشها و با قدرت گرفتن گروههای افراطی و حاشیه ای شد که با گرایشات راست افراطی، وضعیت دموکراسی و قانونندی را در اروپا بطور جدی به خطر انداختند. در فرانسه حزب «جههٔ ملی» به رهبری مارین لپن در حال پیشروی است، در ایتالیا جورجیا ملونی که از طرفداران موسولینی و ایدئولوژی فاشیسم او است، قدرت مطلق را به دست گرفته و در آلمان، حزب نئونازی آ.آ.ف.دی (AfD) با تمایلات شدید و غلیظ یهودستیزانه، ترویج عقاید نژادپرستی و دموکراسی ستیزی که سال ۲۰۱۳ تاسیس شده بود و در حاشیه قرار داشت با ایجادگردیسی درایدئولوژی نازیسم و وصل کردن آن به بحران امنیتی حاصل از موج پناهجویان و تغییرات در وضعیت رفاهی و نیز شوک فرهنگی وارد شده بر جامعه، موفق شد بخش قابل ملاحظه ای از جمعیت

چهارشنبه ۱۴ ژوئن ۲۰۲۳
صدر اعظم آلمان و چند وزیر کابینهٔ دولت کنونی در یک کنفرانس مطبوعاتی، نقشهٔ راه سیاسی جدید و شالودهٔ سیاستگزاریهای خارجه، اقتصادی، امنیتی و اجتماعی پیش رو را رسماً معرفی کردند. خانم آنا لئا برُبک (*Annalena Baerbock*) وزیر امور خارجهٔ آلمان در



وزیر خارجهٔ آلمان



در قرن ۲۱ یعنی سرپا نگاه داشتن تولید و ارضهٔ داروهای مهم و ضروری، جریان چرخهٔ تولید و توزیع مواد خام برای بخشهای صنعتی و کشاورزی، تضمین تولید و پخش عادلانهٔ موادغذایی که بحران کرونا و جنگ اوکراین، زنجیره های تامین مواد خام و نیز زنجیره های صادرات و واردات، مسیرهای انتقالی و لجستیکی و نیز قیمت مواد خام را برای بخش تولیدات صنعتی و کشاورزی با مشکلات متعدد و چالشهای جدی روبرو کرده است. همچنین خطر حملات سایبری که برخی دولتهای رقیب یا متخاصم طی چند دههٔ گذشته در آن بخش سرمایه گذاریهای هنگفت کرده‌اند، ریسکهای امنیتی فراوانی را به وجود آورده است، زیرا هکگرهای ارتشهای سایبری قادرند به سیستمهای دیجیتالی نیروگاههای برق، سدها، راکتورهای اتمی، مراکز تصفیهٔ آب و سیستم فاضلاب، اداره های دولتی، بیمارستانها، سازمانهای کنترل ترافیک، سیستم مخابرات، فرودگاهها، بنادر، بانکها، گمرکات، کاخانجات بزرگ صنعتی و تولیدی و تقریباً همهٔ بخشهای دولتی و خصوصی که جایگاه زیرساختهای حساس و اهمیت استراتژیک دارند وارد شوند و آنها را زیر کنترل گرفته و مختل یا کاملاً از دست برانند. برای امنیت سایبری از دیگر لازم و ملزومهای امنیت در عصر حاضر هستند…»[۴] وی افزود، سیاست امنیت ملی پیش رو در آلمان بر سه پایه استوار خواهد بود: ۱- مستحکم سازی دموکراسی با ارتشی دفاعی ۲- انعطاف پذیری و توانایی مقاومت و ۳- توانمندی استقامت و تداوم. آلمان لیبرال و متمدن همیشه در تضاد بوده است؛ به عبارت دیگر مدرنیته، تمدن و دموکراسی کالا با خوی وحشی آلمانیها سازگاری ندارد، بنابراین تمایل ذاتی و گرایش فراگیر به احزاب و ایدئولوژیهای توتالیتر بارگه های فاشیستی در اصل بخشی از ژنتیک نفس ژرمنهای وحشی و بی هویت است که با توجه به تاریخ این کشور(جنگ جهانی اول و دوم و نیز شمله ور کردن جنگ بالکان در یوگسلاوی سابق…) به هیچ وجه تعجب برانگیز نیست!

چهارشنبه ۱۴ ژوئن ۲۰۲۳
صدر اعظم آلمان و چند وزیر کابینهٔ دولت کنونی در یک کنفرانس مطبوعاتی، نقشهٔ راه سیاسی جدید و شالودهٔ سیاستگزاریهای خارجه، اقتصادی، امنیتی و اجتماعی پیش رو را رسماً معرفی کردند. خانم آنا لئا برُبک (*Annalena Baerbock*) وزیر امور خارجهٔ آلمان در چهارشنبه ۱۴ ژوئن ۲۰۲۳
صدر اعظم آلمان و چند وزیر کابینهٔ دولت کنونی در یک کنفرانس مطبوعاتی، نقشهٔ راه سیاسی جدید و شالودهٔ سیاستگزاریهای خارجه، اقتصادی، امنیتی و اجتماعی پیش رو را رسماً معرفی کردند. خانم آنا لئا برُبک (*Annalena Baerbock*) وزیر امور خارجهٔ آلمان در چهارشنبه ۱۴ ژوئن ۲۰۲۳
صدر اعظم آلمان و چند وزیر کابینهٔ دولت کنونی در یک کنفرانس مطبوعاتی، نقشهٔ راه سیاسی جدید و شالودهٔ سیاستگزاریهای خارجه، اقتصادی، امنیتی و اجتماعی پیش رو را رسماً معرفی کردند. خانم آنا لئا برُبک (*Annalena Baerbock*) وزیر امور خارجهٔ آلمان در

در قرن ۲۱ یعنی سرپا نگاه داشتن تولید و ارضهٔ داروهای مهم و ضروری، جریان چرخهٔ تولید و توزیع مواد خام برای بخشهای صنعتی و کشاورزی، تضمین تولید و پخش عادلانهٔ موادغذایی که بحران کرونا و جنگ اوکراین، زنجیره های تامین مواد خام و نیز زنجیره های صادرات و واردات، مسیرهای انتقالی و لجستیکی و نیز قیمت مواد خام را برای بخش تولیدات صنعتی و کشاورزی با مشکلات متعدد و چالشهای جدی روبرو کرده است. همچنین خطر حملات سایبری که برخی دولتهای رقیب یا متخاصم طی چند دههٔ گذشته در آن بخش سرمایه گذاریهای هنگفت کرده‌اند، ریسکهای امنیتی فراوانی را به وجود آورده است، زیرا هکگرهای ارتشهای سایبری قادرند به سیستمهای دیجیتالی نیروگاههای برق، سدها، راکتورهای اتمی، مراکز تصفیهٔ آب و سیستم فاضلاب، اداره های دولتی، بیمارستانها، سازمانهای کنترل ترافیک، سیستم مخابرات، فرودگاهها، بنادر، بانکها، گمرکات، کاخانجات بزرگ صنعتی و تولیدی و تقریباً همهٔ بخشهای دولتی و خصوصی که جایگاه زیرساختهای حساس و اهمیت استراتژیک دارند وارد شوند و آنها را زیر کنترل گرفته و مختل یا کاملاً از دست برانند. برای امنیت سایبری از دیگر لازم و ملزومهای امنیت در عصر حاضر هستند…»[۴] وی افزود، سیاست امنیت ملی پیش رو در آلمان بر سه پایه استوار خواهد بود: ۱- مستحکم سازی دموکراسی با ارتشی دفاعی ۲- انعطاف پذیری و توانایی مقاومت و ۳- توانمندی استقامت و تداوم. آلمان لیبرال و متمدن همیشه در تضاد بوده است؛ به عبارت دیگر مدرنیته، تمدن و دموکراسی کالا با خوی وحشی آلمانیها سازگاری ندارد، بنابراین تمایل ذاتی و گرایش فراگیر به احزاب و ایدئولوژیهای توتالیتر بارگه های فاشیستی در اصل بخشی از ژنتیک نفس ژرمنهای وحشی و بی هویت است که با توجه به تاریخ این کشور(جنگ جهانی اول و دوم و نیز شمله ور کردن جنگ بالکان در یوگسلاوی سابق…) به هیچ وجه تعجب برانگیز نیست!

تامین انرژی از دیگر چالشهای امنیتی معاصر است. پس از کاهش فعالیت اکثر راکتورهای اتمی در اروپا در پی بحث و مجادلات در مورد زباله های اتمی و افزایش «هیستری محیط زیست» بویژه از سوی طیف چپ و سبزها در پارلمانهای متعدد کشورهای اروپایی، سوختهای فسیلی به تنها منابع تولید انرژی برای رفع نیاز روزمره در جامعه و گردش چرخ کارخانجات صنعتی تبدیل شدند؛ اکثر این دولتها به طمع دریافت گاز و نفت وافر و به قیمت تقریباً مفت از روسیه، معتقد بودند جایگزین مناسبی برای انرژی اتمی در اختیار دارند. کرملین البته به این امر واقف بود و برای تحمیق و جلب اعتماد، با آنها گرم و دوستانه رفتار می کرد و قرارداد پشت قرارداد با آنان می بست و منتظر بود که آنها به خواب غفلت بروند. روسیه سرانجام در سال ۲۰۱۴ با اولین فاز حملهٔ نظامی به اوکراین، شبه جزیرهٔ کریمه را اشغال و به خاک خود الصاق کرد(*Annexation*) و عکس العملهای بین المللی و بویژه ناتو، اتحادیهٔ اروپا و آلمان را زیر نظر گرفت و اطمینان کامل حاصل کرد که وابستگی مطلق اروپا به تامین انرژی از روسیه به اندازه ای بالاست که از کندهٔ آنان دودی بلند نخواهد شد(به غیر از چند لایحهٔ تحریمهای سطحی و خنده آور مثل همیشه). تهاجم نظامی تمام عیار روسیه به اوکراین در سال ۲۰۲۰ در طول ۷ سال رصد و مراقبت موشکافانه از سوی دستگاههای اطلاعاتی و اتاقهای فکر روسیه تدارک و برنامه ریزی شده بود. کشورهای عضو ناتو پس از گذشت یکسال



به اوکراین در سال ۲۰۲۰ تعداد حملات سایبری به زیرساختهای حساس اوکراین و نیز کشورهای عضو ناتو، سلسله وار افزایش یافته و تنها اوکراین در سال ۲۰۲۲ دو هزار حمله بطور مستند ثبت کرده است.[۶] ایجاد اختلال در جریان اطلاعات، انتشار اطلاعات اشتباه با هدف کانالیزه کردن احساسات و کنترل اذهان عمومی و دستکاری و استراق سمع در بخش رسانه های اینترنتی و بویژه شبکه های اجتماعی که همواره در جریان است از زیرمجموعه های خطرات امنیت سایبری محسوب می شوند. ****

تامین انرژی از دیگر چالشهای امنیتی معاصر است. پس از کاهش فعالیت اکثر راکتورهای اتمی در اروپا در پی بحث و مجادلات در مورد زباله های اتمی و افزایش «هیستری محیط زیست» بویژه از سوی طیف چپ و سبزها در پارلمانهای متعدد کشورهای اروپایی، سوختهای فسیلی به تنها منابع تولید انرژی برای رفع نیاز روزمره در جامعه و گردش چرخ کارخانجات صنعتی تبدیل شدند؛ اکثر این دولتها به طمع دریافت گاز و نفت وافر و به قیمت تقریباً مفت از روسیه، معتقد بودند جایگزین مناسبی برای انرژی اتمی در اختیار دارند. کرملین البته به این امر واقف بود و برای تحمیق و جلب اعتماد، با آنها گرم و دوستانه رفتار می کرد و قرارداد پشت قرارداد با آنان می بست و منتظر بود که آنها به خواب غفلت بروند. روسیه سرانجام در سال ۲۰۱۴ با اولین فاز حملهٔ نظامی به اوکراین، شبه جزیرهٔ کریمه را اشغال و به خاک خود الصاق کرد(*Annexation*) و عکس العملهای بین المللی و بویژه ناتو، اتحادیهٔ اروپا و آلمان را زیر نظر گرفت و اطمینان کامل حاصل کرد که وابستگی مطلق اروپا به تامین انرژی از روسیه به اندازه ای بالاست که از کندهٔ آنان دودی بلند نخواهد شد(به غیر از چند لایحهٔ تحریمهای سطحی و خنده آور مثل همیشه). تهاجم نظامی تمام عیار روسیه به اوکراین در سال ۲۰۲۰ در طول ۷ سال رصد و مراقبت موشکافانه از سوی دستگاههای اطلاعاتی و اتاقهای فکر روسیه تدارک و برنامه ریزی شده بود. کشورهای عضو ناتو پس از گذشت یکسال

آنها، دیگر کشورها را تحت تأثیر قرار خواهد داد. برخی از چالشهای امنیتی نامبرده، مشکل مشترک آنها است و همکاری و راه حل های مشترک طلب می کند، ولی ساختارها و سازه های قدیمی حقوقی و دیپلماسی در روابط بین المللی که پس از جنگ جهانی دوم و سپس پایان جنگ سرد متبلور شده بودند(با توجه به تهدیدات امنیتی معاصر که ظهور تکنولوژیهای نو به آنها دامن می زند) کارآمدی سابق را ندارند. جایگاه و کارآیی روابط چندجانبه هر روز کم رنگتر میشوند و دنیا بیشتر به سوی چند قطبی شدن پیش می رود. قد علم کردن چین به عنوان یک ابرقدرت اقتصادی که قصد دارد در رقابت(و گاه تخاصم) با آمریکا و ناتو یک ارتش نیرومند نیز برپا کند تا بتواند مسیرهای لجستیکی و جتا حجم صادرات و واردات کالا و مواد خام را با اقتدار بیشتر زیر کنترل داشته باشد، معادلات ژئواستراتژیک و موازنهٔ قدرت را نه تنها در منطقهٔ جنوب شرق آسیا بلکه در دنیا دچار تلاطم بیشتری خواهد کرد. طوفان بزرگ تامین امنیت که رفته رفته شدت بیشتری می گیرد، مخاطرات امنیتی جدید و ریسک حوادث غیره منتظره را نیز افزایش خواهد داد.

لیست منابع

[۱] Bundeszentrale für Politische Bildung. Information zur politischen Bildung. Internationale Sicherheitspolitik, Vol. 353. 4/2022. Essay: Prof. Dr. Sven Bernhard Gareis. Page 6. [2] https://www.destatis.de/DE/Themen/Laender-Regionen/Internationales/Thema/bevoelkerung-arbeit-soziales/bevoelkerung-Fluchtbewegungen.html [3] https://www.spiegel.de/politik/deutschland/afd-legt-weiter-zu-spiegel-umfrage-a-f64c7878-6749-4e74-afaf-fe380c126702 [4] Integrierte Sicherheit für Deutschland. Nationale Sicherheitsstrategie: Wehrhaft, Resilient, Nachhaltig. Auswärtiges Amt, Juni 2023 [5] ibid [6] Bundeszentrale für Politische Bildung. APuZ 22-24/2023 Page 3. [7] https://www.allianz-trade.de/content/dam/onemarketing/aztrade/allianz-trade_de/presse/2023-06-16-allianz-trade-studie-automobilindustrie.pdf



Dr. Rosemary H. Cohen

The Confused America

there are four elements that excites Americans and pushes them towards the exaggeration: money, sex, fame, and conspiracy

Few days after leaving the port of Haifa in Israel, our ship arrived in Europe. Those few days gave us passengers the opportunity to meet each other and create new friendships. I met a nice American Jewish girl on the board. During our conversations I learned that she had a severe eye problem. Unfortunately, there was no cure for her. The doctor had informed her that she was going to become completely blind within one to two years. It had taken some time for her and her parents to come to terms with the reality of her unexpected situation. Finally, her parents advised her to enjoy her eyesight while she had it in the best possible ways. They opened a generous bank account for her and gave her a surprise airline ticket to travel around the world. They told her to lead a normal life while she could, to travel for a year and see the wonders of this world, the natural landscapes, and manmade beauties, historical buildings, statues, and the beautiful artworks and paintings in different museums. Then when her sight was lost and darkness took over her world, she could recall her past memories in color! She would have a large, accumulated knowledge inside; she would be able to remember all the beauties that she had seen during her trip. As the days passed, we found more subjects of common interest to discuss. We were young and looking for adventures. We decided when the ship arrived in Brindisi port in Italy, instead of taking a fast train trip to our destination that was Paris, we would go hitchhiking together and see more of Europe and stop where we liked. We would be saving money too. The drivers who stopped and gave us rides were nice people of all ages and profes-

sions. Some spoke English and some didn't. We had a great time and experience talking to different people and learning new subjects during our trip with them. The only thing that bothered me was the mention of "The American girl." Each time that we were given the ride, if the conversation was held in English, it was fun, as I did not have to play the role of the interpreter. The conversations were mostly courteous. But if the driver did not speak English, then the conversation was only between me and the drivers, (I speak different languages, but she spoke only English) they would immediately take her on, and say nasty things about Americans, as if she, one young girl, was representing the entire country! The most common expression was: "You see, the Americans are all stupid like her. They know only "American" nothing else, as if everyone is obliged to learn their ways!" I heard this conversation a lot during our trip, and wondered if it comes from the jealousy rooted deep in their ego. America had helped to free Europe from Germans in World War II, and this had hurt European's ego as they knew that Europe all alone, would have never overcome to win over Nazis! Instead of being grateful, they were angry. Somehow, they never forgave America for this reason! Now that I live in America, seeing all that is happening around us especially these past two years, I often remember the words of the drivers and ask myself in a question form: "Are the Americans really stupid or they are naive? America is a new country in comparison to countries with an ancient history and civilization, like Persia (Iran), cities referred to in the bible, Egypt, Greece, Rome, and other

civilizations that existed in Far East, or some countries in Europe. America looks like a child who has received a new toy for the first time and has become very excited. Any new idea, subject, discovery, or any new object excites them so much that sometimes it takes them to the highest point of destruction! In any new discovery and findings, there are four elements that excites Americans and pushes them towards the exaggeration. These elements are money, sex, fame, and conspiracy that they mainly source from the "Ego". Anything that finds importance or becomes the subject of the day in America, should be looked at closely to find out its real source. In the past, the happenings were more controlled and quieter, with due consideration to social rules and values and with respect to protocols. Since Covid, everything has changed in the world but especially in America. The first thing people realized after the end of lockdowns was not to believe or trust anyone or anything that they heard or saw. Once the main source of the information was the media, especially the reporters. Many of them were highly respected and some were honest and brave in addition to their knowledge of the language. They went into the middle of the war zones, put their lives in danger and reported the truth as much as they could. After Covid, things changed. Since the green dollar has become everyone's idol, almost everyone is for sale, not just the reporters and the news, but the politicians too. The only difference is in its price, which varies! Maybe these are the result or the effect of Covid. During Covid, America was confronted with the fear of death for the first time. Most other countries have had the

experience of trauma and death. In Europe, wars have reminded people of the fragility of life. In Asia or some African countries, when pandemics occurred, people suffered equally and in masses. When epidemics like cholera, Malaria, or natural disasters like earthquakes and flooding or other catastrophes hit a country, everyone is affected. America is a vast country. They have made a tremendous progress. When catastrophe strikes only a small part of the country is affected. Most of the accidents are taken control of, almost immediately. Many things that were unimaginable have recently been discovered. Americans believed that they could master everything with hard work and the existing power of America. Americans landed on the moon. People developed a false sense of security strengthened by their access to technology. But with Covid, things changed. Everyone was affected, rich or poor, strong, or weak. Soon the vaccine was discovered, and it gave a new hope. People were told that if you are vaccinated, then you are immune. You would not be afflicted by covid. That too proved to be false since many people who were fully vaccinated caught Covid, even the presidents! As a result, people felt vulnerable and unsafe. Many were fearful, they stayed locked inside their rooms with masks, washing their hands and cleaning their rooms and door knobs a few times a day. Many were left alone meeting their friends only on Facebook, YouTube and TikTok, or watching preplanned information provided by the media, on subjects that were meant to fill their hearts, brains and spirits designed specifically for this period. Now many zombies

have come out of their hideouts with odd ideas, feelings, and behavior. They have looked at the screen of their phones or laptops and iPads and seen the fearful and depressed image of their own faces in the mirror which they have been influenced by. The result is that some have come to believe that the cause of their depression maybe that though physically they have the anatomy of a man, but there may be a woman hidden in their heart, mind or being. There is plenty of information on this subject. Every TV channel or newspaper talks about the available possibilities. So why not take some hormones, use government paid hours of electrolysis to get rid of their facial or body hair for good, or even get an operation. The lonely young girl too thinks of finding the man in her heart and being. She, therefor claims to be man, gets rid of her breasts and is taking tons of hormones to grow her facial hair and become a man! Meanwhile the homeless situation is out of hands in many cities. In Los Angeles, the homeless tents are erected everywhere. They dig large holes in the newly asphalted sidewalks in order to secure their tents. People poop in the streets, take baths naked where children walk to school. They do all kind of crazy things in public. Most people are not bothered and walk right through or around them as if they do not exist. This will continue until the day someone is attacked or a purse or other property is stolen. People will then realize these are human beings, no different from them, living and crawling in mud! Young boys and girls are attacking the stores and are grabbing what they can carry and leave with laughter. No one stops them and no one counts to see if they have surpassed the total limit of \$950.00 in order to stop them by law! No one cares until the day that the same store is closed, and they cannot buy their medications! Then it is too late! Too bad! All these social problems are not important. What is spread

by the media, is the recognition of the gender, and the use of the correct pronouns of he, she, and them. These people form only 0.06% of the entire American population! Whereas the others make up a large portion of the population. I am not against any of the groups, I believe that everyone is free to believe, live and practice as they wish if they do not cause any harm to others. I have met and worked with many talented customers who create beautiful artworks. I love and appreciate them as artists and good customers, and many of them as friends. I am aware that some of them have a different lifestyle than mine. What they do in their private lives does not concern me, it is their bodies, their way of life, their choice, and their business. They live their lives as they wish, and I live mine as I chose. It is fair for all. The quote from Abraham Lincoln: "Those who deny freedom of others, deserve it not for themselves." Unfortunately, as I mentioned before, everything in America becomes exaggerated. Americans are like children, when they find a new idea, they exaggerate it out of proportion and impose it on others. The transgenders, drag queens have been present in many societies. Nowhere have they occupied such an important position as in America in 2023. For decades "Chez Mme. Arthur" transgenders perform beautiful and artistic sexy performances and at the end Mme. Arthur always asks the audience to choose the only real woman who dances among them. Usually no one has been able to identify her! Drag queens have been performing in shows and cabarets also for a very long time but they have never been in libraries to perform for little children or read drag stories. Some parents are very upset about these sessions. In reality, it is not the drag queens' faults to be present in the libraries. The problem falls on the parents who take their very young children to these programs. If there is no audience,

there will be no performance. It is simply called boycotter. The transgenders, drag queens (with less exaggerated makeups) have always existed in the Persian courts. As music and dance was prohibited for women, men used to dress up as women and they performed and danced for kings and court audiences. The authorities also castrated young boys in order to use them as the servants and guards in the Harams so that the king knew none of his multiple women would be able to betray him! Once three handsome boys of our friends were studying with a private teacher their parents had hired to help them with their studies. As the time passed the boys became less formal with their teacher whom they called moshtahead, for he was an educated religious personality. One day he finally feels free to ask them for sexual favors. The boys tease him and ask: "Moshtahead, how can you as a religious man ask such a thing from us?" He answers: "Not all people who indulge in these sexual acts have to be of low class and character. In ancient time, only the generals and high placed men were gays in ancient Greece and Rome!" Nothing is new on the surface of this world. As the earth turns so do beliefs and habits. The way people behave or look at the subject changes from generation to generation, but in essence the situation stays the same. Why is there one entire month dedicated to pride, and only one day to fathers, mothers' or Veterans? Why don't we concentrate a month on

orphans or for the homeless? If we learn to truly respect everyone, then we will deal with each respectfully, without imposing our values, and pushing it down the throat of others by force. Finally, everyone should understand the meaning of "Use it but don't abuse it!" The word Privacy still exists in dictionaries. Yet we fail to respect it. It would be nice if we could respect the word PRIVATE PARTS. The real beauty of individuals lies in their dignity. The beauty of nudity can only be exposed in privacy and with their chosen one, and not to be used as an element to shock others or for seeking fame in the society. Finally, what is there to be so proud of in showing the face or body of a person on the cover of magazines or on the TV screen. If admiration is required for looks, boobs, or roundness of butts, it would be fair to name the professionals, i.e., doctors, make-up artists, and hairdressers who are the creators of the image. After admiring the beautiful woman on the cover, the identity and face of the same woman is shown on the following page, who is a rather ugly bald man. So where is the glory? Why not put the picture of the esthetic doctor who has planted the boobs, butts and has made a nice nose job, completely different from its original? Or the make-up artist, who has used tons of creams, powder, thick eyelashes and good quality of pencils and makeups to create to an attractive face of woman. So, who should we admire, the face or the able hands?

Mitra Navabi

Petals From A Rose

In nostalgia I mourn for my death
Though having never lived
I can never die
I pick petals from a rose to find its core
Reaching the core I take it for a petal
Alas I have lost my soul I have no past
And the future never comes
I am eternally balancing on a new second.

Ardeshir Zahedi

The Clergy Opposed the Shah's Marriage to an Italian Princess

Ardeshir Zahedi was not only the son of Iran's prime minister after the 1953 coup, but the shah's son-in-law as well. He married Shahnaz, Shah's daughter from his first marriage to Princess Fawzia, daughter of Sultan Fuad I, king of Egypt. Nevertheless, he had close relation with the Shah even before his marriage to Princess Shahnaz and witnessed significant moments in the monarch's private life, including when Shah divorced Fawzia and married Soraya Esfandary-Bakhtiari in 1958 and then divorced Soraya and married for the third time a year later.

According to Zahedi, Mohammad Reza Pahlavi was supposed to marry Princess Maria Gabriella of Savoy, the daughter of Italy's last king, Umberto II: "Eventually it was agreed that His Majesty would meet Princess Gabriella, the king's daughter, in one of his visits to Europe. The meeting took place in Geneva, Switzerland, in...one of the houses where my father lived. His Majesty liked her very much. She was an educated girl and, at the time, was studying at the university. But then a few problems came up. One was that Italy's former king was not very happy about it. It was

because he was a devout Catholic and definitely wanted her daughter to marry a Catholic. Well, that made [her marriage to] a Shia king impossible. Little by little, this issue became more serious. At the same time, the sister of the [Italian] king and a couple of their relatives were invited to visit Iran and His Majesty asked me to go to the north and arrange accommodations for them..."

But things did not go so smoothly. Mohammad Reza Shah was the only Shia king in the world and the clergy in Qom were opposed to his marriage to a Catholic girl. His first wife was the daughter of the Egypt's king but Princess Fawzia was a Muslim so the problem of religious affiliation did not arise: "What happened was that first I received a message from [Grand] Ayatollah Broujerdi through the Friday Imam that said 'If this news [plan to marriage to Princess Gabriella] is true, it is not the right thing to do and His Majesty must not do it. His Majesty is a Shia king.' On the other hand, some who were for [the marriage] found a solution: 'Well, let him marry but the children must be free to choose whether they want to be Catholic or not until they turn 18.' Such arguments were going on in Iran and it was at this point that Ayatollah Behbahani sent for me... He conveyed to me both the message of Ayatollah Broujerdi and his own view [and said] that 'this is not right. If

his majesty goes ahead with it he would be risking his own throne and we would oppose it vehemently."

Building a Modern Foreign Service

Ardeshir Zahedi was Iran's ambassador to the US twice and to the United Kingdom once. He also served as the foreign minister during a period when Iran called its foreign policy "independent national policy".

Foreign ministry is one of the oldest government institutions in Iran but it owes its modern structure to Ardeshir Zahedi. During his five-year tenure as the foreign minister, he changed its charter, elevated the status of the ministry at the royal court and the cabinet and prevented direct relations between individuals within the government and even withing the royal family with foreign embassies. He even donated some of his properties abroad to the foreign ministry so that ministry officials would "maintain their prestige", as he puts it, during their foreign visits:

"Let me tell you, no ministry has the right to contact foreign embassies unless it is through the foreign ministry because they were often engaged in wheeling and dealing. It stunk. One time, for example, Prince Shahrām, son of Princess Ashraf [Shah's sister] had gone to the Romanian embassy, asking for a commission for

some deal between the two countries. I told this to His Majesty...He became very angry and told me to summon him, admonish him and punish him. I summoned him and told him not to do these things again...I kept him at the foreign ministry for a few hours even though I loved him like my own son. Or Mr. [Reza] Ghotbi [Empress Farah's cousin] had gone to meet the Argentinian ambassador about, I don't know, meat or something. The long and the short of it, many such things happened."

It was under Zahedi that the inscribing and recording negotiations with foreign parties and archiving them started as a routine task and these archives turned into a rich and important source of the history of Iran's foreign relations. It was also ruled that a representative of the foreign ministry must be present at the foreign visits of Shah and the prime minister to inscribe the negotiations. He himself was present at Shah's foreign visits.

"Once something funny happened," Zahedi reminisces during the interview. "Mr. Michael Stewart, British Foreign Secretary, was in the presence of His Majesty and was talking. At one point, he said 'Off the record...' He was talking about the secession of Bahrain [from Iran]...His majesty laughed and said Ardeshir says that 'off the record' has 'no meaning for you.' Then we

laughed and, of course, I explained why I had said such a thing. Afterwards, I told His Majesty 'You really disgraced me.' He laughed a lot. I said 'It is not important.' But I really believed in what I said."

Zahedi's interview for the Iranian Oral History Project took place in 1992, not even 15 years after the 1979 revolution, but he still had fond memories of the time before the revolution:

"Little by little, the foreign ministry became even more dear to me than my child. I was not thinking about my wife or my child. I worked there for 18 or 19 hours. I was witness to a foreign ministry that...was working so hard for the advancement of its country. I took pride in it. At nights, whenever you passed by the foreign ministry, you saw that the lights were on and everybody was working. It had turned into a 24-hour foreign ministry because you cannot tell the world that 'you, who are awake, must wait because I want to sleep.' That is why there was somebody on the watch for 24 hours a day. A deputy was there from eight in the morning till four in the afternoon. The week after, he would be there from four in the afternoon till midnight. Then a much smaller group of people were in the foreign ministry from midnight to eight in the morning.

One of the deputies was on the watch at home and he could be called at any time. Sometimes, in critical situations, he had to stay at the foreign ministry itself. We had built a room with a shower." Providing Iranian government



organizations and especially the foreign ministry with modern equipment had a priority in those days. It was during this period that they got the foreign ministry an encrypted messaging device. Zahedi says that once, when Shah was visiting Ethiopia, he got an encrypted message that Robert Kennedy had been assassinated and he told Shah the news. Then the Ethiopian emperor became angry and admonished his own minister as to why he had to get the news from his guest. Then "we flew from there to Rome and His Majesty went from Rome to America."

"We Could Have Prevented the Revolution" Ardeshir Zahedi was both one of the Shah's most loyal supporters and one of the most important critics of his government and policies. Until he died, he only referred to Mohammad Reza Shah as "His Majesty" but, at the same time, he did not hide his criticisms. "We could have prevented the revolution if we had the mettle," he says in this interview that was to be published only after his death.

He did not believe that the US, the UK or France had any role in toppling the Pahlavi dynasty and in replacing the Shah with Ayatollah Khomeini. Below is

his most blunt criticism of the Shah.

"I have a very simple question. If my hand is not injured, no germ can enter my blood. If this hand of mine is injured and the germ enters the wound, it can give me tetanus and kill me but even then there is a cure. So, let's say that Britain or America or France had a scheme, what about us who claim that we are Iranian patriots? How about us who say that we have had a monarchy for 2,500 years?...How come we are demoralized within a few seconds and in the end we put [our country] on a silver platter and present it [to Khomeini]? I believe that if had the mettle, if we had the right establishment, if this tree had strong roots, it would not have been uprooted so easily."

Zahedi directly criticizes the Shah and says that he violated his oath and he ought to have remained in the country: "We witnessed how the country was lost so easily...His Majesty was afraid that a military government might overthrow him...What did I tell him? I told him: 'Your Majesty, have you forgotten that you took an oath in the parliament? Have you forgotten that you went to Persepolis and took an oath to

Cyrus [the Great]? You cannot just leave now."

Of course, considering everything that was happening in Iran at the time, Zahedi says that the revolution could have happened even if the Shah had remained in Iran: "If Shah had remained, he could have been destroyed. But let me tell you this selfishly and shamelessly: The Shah, to whom we had sworn [allegiance] should have remained there so that we could have remained as well. He ought not have left. If His Majesty had not left, Khomeini would not have dared to come to Tehran."

It is worth listening to the 27-hour interview of Ardeshir Zahedi with Habib Lajevardi. His tone is honest and audacious and sometimes he uses word that are close to being offensive. His love for the Shah is especially evident in tape no. 21, about when the Shah, in the last hours of his life, is in a hospital in Cairo. It is perhaps one of the most painful parts of the interview. As the interview shows, Zahedi was extremely respectful of Mohammad Reza Shah till the end of his life but he was also blunt and unsparing in criticizing him and blaming him for the current sorry situation in Iran. Perhaps that is why he did not want the interview to go public while he was alive. Nevertheless, in his last years of his life, in more intimate gatherings and even in some of his public pronouncements, he explicitly criticized the Shah for his policies and for leaving the country before the 1979 revolution.



Pars Mass Media, Inc. P.O.Box 455, Westwood MA 02090

AZADI

No 6, Vol.14 ; 21 July, 2023 . Published by Pars Mass Media, Inc.



*July 4th is Independent Day of the United States of America
Happy 4th of July to all of you.*